

موساد، نئوکان‌ها و ایران

جنگ جدید در خاورمیانه یا رسوایی بزرگ در آمریکا؟

بحث آزاد در فیسبوک

چهارشنبه، ۲۷ مهر ۱۳۹۰ / ۱۹ اکتبر ۲۰۱۱

بحث حاضر از دوشنبه، ۱۸ مهر ۱۳۹۰، با مباحثه در پیرامون درگیری‌های خونین مصر میان قبطیان و نیروی نظامی و مصاحبه آقای صادق زیباکلام، منتشره در وبگاه «العربیه»، آغاز شد و سپس با پخش ادعاهای جنجالی اریک هولدر، دادستان کل و وزیر دادگستری آمریکا، و رابرت مولر، رئیس اف.بی.آی.، در ۱۹ مهر / ۱۱ اکتبر اوج گرفت. در اثنای بحث، و با الهام از مباحث مطروحه، مقاله «موساد، نئوکان‌ها و ایران: جنگ جدید در خاورمیانه یا رسوایی بزرگ در آمریکا؟» را نگاشتم که ساعت ۸ صبح پنجشنبه، ۲۱ مهر ۱۳۹۰ / ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱، هم‌زمان در وبلاگ و فیسبوکم منتشر شد. ادامه بحث ذیل مقاله فوق در فیسبوک ادامه یافت. متن حاضر حاوی نظرات مهم شرکت‌کنندگان در بحث است تا ساعت ۴ بعدازظهر سه شنبه، ۲۶ مهر ۱۳۹۰ / ۱۸ اکتبر ۲۰۱۱.

نام فرد متهم در «جنجال اتهام ترور علیه ایران، منصور ارباب سیر است. معهدا در تحلیل و بحث آزاد گاه برای رعایت امانت به شکل نقل شده در منابع مختلف به صورت «ارباب سیار» آمده است. از دوستانی که مجبور به حذف نظراتشان شدم، یا نظرات آنان را تلخیص، ویرایش یا «سانسور» کردم پیشاپیش پوزش می‌خواهم.

برای مشارکت در بحث یا مشاهده اصل کامنت‌ها به «پیج عبدالله شهبازی» در این آدرس مراجعه شود:

<https://www.facebook.com/pages/Abdollah-Shahbazi/362754571744>

شورش قبطیان در مصر

از سال گذشته، تحریکات مرموزی برای ایجاد و تشدید خصومت میان مسلمانان و قبطیان مصر آغاز شد. قبطیان مسیحیان بومی مصرند که حدود ده در صد جمعیت این کشور را در بر می‌گیرند. در سال گذشته کشیش پیشوی، نفر دوّم کلیسای ارتدکس مصر، سخنان تحریک‌آمیزی دال بر تحریف قرآن کریم بیان کرد. این امر اعتراض‌های گروه‌هایی از مسلمانان را برانگیخت. [+] با تحولات انقلابی در مصر و سقوط حسنی مبارک، از ماه مارس ۲۰۱۱ مواردی از آتش زدن کلیساهای قبطیان مصر از سوی عوام تحریک شده یا گروه‌های سازمان‌یافته آغاز شد. [+, +, +]

در اوائل اکتبر، این حوادث مرموز به اوج خود رسید و سازمان‌های حقوق بشر تبلیغات وسیعی را به سود قبطیان آغاز کردند. در ۷ اکتبر ۲۰۱۱ / ۱۵ مهر ۱۳۹۰ دکتر نقیب جبرئیل، رئیس اتحادیه سازمان‌های حقوق بشر مصر، مدعی شد که «قبطیان، زندگی و کلیساهای آنان در معرض خطر است» [+] و در ۱۰ اکتبر / ۱۸ مهر دکتر ولید فارس در یک وبگاه کانادایی این عنوان را برای مقاله خود درج کرد: «بهار عربی، خزان کلیساهای قبطی مصر» [+]

حامیان قبطیان، از نوع نقیب جبرئیل و ولید فارس، که اینگونه به تبلیغ در پیرامون حوادث مشکوک فوق مشغول‌اند که هستند و چه می‌خواهند؟

نقیب جبرئیل یک حقوق‌دان قبطی است که از زمان مبارک خود را بعنوان پرچمدار دفاع از حقوق «بشر» قبطیان مطرح می‌کرد و البته در قبال نقض حقوق انسانی مسلمانان مصر بی‌تفاوت بود. [+]

ولید فارس یک آمریکایی لبنانی تبار است که در واشنگتن با نهادهای نظامی و امنیتی کار می‌کند و هم‌اکنون رئیس «پروژه تروریسم آینده» است در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها». [+] ولید فارس از نئوکان‌های فعال و همکار شبکه فاکس نیوز است و نویسنده کتاب‌هایی چون «جهاد آینده، جنگ عقاید، و انقلاب در حال وقوع» فارس، چنان‌که وبگاه شخصی‌اش نشان می‌دهد، در چند روز اخیر به شدت در کارزار تبلیغاتی «توطئه ترور» علیه ایران فعال بوده است. [+] حدود دو هفته پیش، در اوائل اکتبر، میت رامنی، [+] ثروتمند آمریکایی و نامزد افراطی

حزب جمهوری خواه برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲، ولید فارس را بعنوان مشاور خود در امور سیاست خارجی منصوب کرد. این امر در میان فعالین ضد جنگ بازتاب بسیار منفی داشت. کورت نیمو در وبگاه «اینفووارز» نوشت: میت رامنی، که به ما قول داده برایمان «قرنی سرشار از کشتار انبوه و جنایت علیه بشریت» به ارمغان آورد، یک نئوکان را بعنوان مشاور سیاست خارجی خود منصوب کرد. بنوشته کورت نیمو، ولید فارس در نیمه دهه ۱۹۸۰ عامل حزب فالانژ لبنان در واشنگتن بود و اینک تمامی هم و غم او تبلیغ علیه سوریه و ایران است. فارس با دیوید هاروویتز، [+]، [+] مارکسیست سابق و عامل سیا و گرداننده وبگاه به شدت ضد اسلامی «مجله فرانت پیج»، [+]، [+] که خود پذیرفته به ایالات متحده خیانت کرده، [+] ارتباط دارد. [+] سرانجام، در ۱۰ اکتبر / ۱۸ مهر قبطیان، ظاهراً در اعتراض به آتش زدن یک کلیسا، به آشوبی دست زدند که به درگیری با پلیس مصر و کشته شدن ۲۵ نفر، از جمله ۱۳ قبطی، انجامید. این حادثه از سوی کانون‌های معین با پوشش خبری گسترده همراه بود. بحث با بررسی حوادث خونین ۱۰ اکتبر قاهره میان قبطیان و پلیس آغاز می‌شود.

دوشنبه، ۱۸ مهر ۱۳۹۰ / ۱۰ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: ماجرای درگیری قبطیان مصر با پلیس، که بیش از بیست کشته از جمله سه سرباز، بر جای گذاشت، تأمل برانگیز است. این خبر توجه کنید:

تلویزیون‌های سراسری مصر نشان دادند که تظاهرکنندگان قبطی با سنگ و کوکتل مولوتوف به طرف نیروهای انتظامی حمله می‌کنند و خودروهای نظامی آنها را به آتش می‌کشند. [+]

مال فیر: در پی آتش زدن کلیسای قبطیان در مصر، نظرها این بود که غرب مشغول ایجاد تخم نفاق در انقلاب مصر است.

شهبازی: قبطی‌ها به مسیحیان بومی مصر اطلاق می‌شود که از نظر قومی بازماندگان دوران هلنی تاریخ مصر هستند یعنی دوران حکومت جانشینان اسکندر بر مصر، سلسله پتولیمیایی یا بطالسه (بطلیموسیانی) که در سال ۳۰ پیش از میلاد با مرگ کلئوپاترای هفتم به امپراتوری روم منضم شد.

واژه عربی "قبطی" از واژه یونانی "ایگپتیوس" به معنای مصری است. قبطیان بقایای نخبگان مصری هستند که در دوران سلطه طولانی یونان و روم به فرهنگ هلنی- رومی جذب شدند و پس از سیطره مسیحیت بر امپراتوری روم به دین فوق گرویدند. قبطیان به زبان خاص خود تکلم می‌کنند و خط آنان یونانی است. این زبان از سده سوم میلادی به مدت پنج سده زبان رسمی مسیحیان مصر بود. پس از گروش مردم مصر به اسلام بتدریج عربی جایگزین قبطی شد و این زبان به اقلیت فوق اختصاص یافت.

در دوران امپراتوری روم شرقی (بیزانس)، قبطیان گروه اشرافی حاکم را در مصر تشکیل می‌دادند و به "ملکات" (وابستگان به پادشاه) شهرت داشتند. طبق روایت بلاذری، در زمان لشکرکشی عمرو بن عاص به مصر، درگیری اصلی سپاهیان عرب با رومیان و قبطیان بود، لیکن پس از تسلیم بندر اسکندریه، پایگاه اصلی رومیان و قبطیان، اعراب بر قبطیان سخت نگرفتند و در زمان حکومت معاویه جزیه از ایشان برداشته شد. در این زمان روایاتی منسوب به پیامبر اسلام (ص) دال بر خوش رفتاری با قبطیان رواج یافت. این در حالی است که پیش‌تر، در زمان فتح مصر، خلیفه دوم، عمر بن خطاب، به عمرو بن عاص دستور داده بود «آن بلد [مصر] را باز گذارید تا از آن نیز نسل اندر نسل [در راه اسلام] به غزا روند».

تعمق در دو گزارش فوق روشن می‌کند که در آن زمان واژه "قبطی" به معنای خاص به گروه نخبگان هلنی- رومی گرای مصر نیز اطلاق می‌شد. به عبارت دیگر، در زمان عمر توده مردم مصر به اسلام گرویدند ولی اشراف قبطی تا زمان معاویه به عنوان مسیحی جزیه می‌پرداختند. ابهامی که درباره فتح مصر وجود داشت، که آیا به صلح گشوده شد یا به جنگ [فتح به صلح یا عنوه]، به این دوگونه‌گی عملکرد مردم مصر و اشرافیت قبطی (ملکات) باز می‌گردد.

بدینسان، در دورانی که توده مردم مصر به شکلی گسترده به اسلام گرویدند، تا بدان حد که زبان عربی به زبان عمومی ایشان بدل شد، قبطیان در حفظ فرهنگ و سنن اشرافی و هلنی- رومی خویش تعصب ورزیدند. وفاداری ایشان به مسیحیت، که اینک بیش تر آئینی اروپایی نه شرقی شمرده می‌شد، از اینروست. این پدیده در عین حال بیانگر آن است که

در سده هفتم میلادی الیگارشی قبطی در میان توده مردم مصر پایگاهی نداشت و زبان و فرهنگ ایشان از مقبولیت عام برخوردار نبود.

در دوران متأخر تاریخ مصر، رویکرد قبطیان، به دلیل تعلق فرهنگی و دینی‌شان، طبعاً رویکردی اروپایی بود و این امر، و نیز سيطرة نخبگان مسلمان مملوک بر اقتصاد کشاورزی و سیاست مصر، سبب شد که ایشان به عملیات مالی و تجارت با بنادر مدیترانه روی آورند و به گروهی بطور عمده بازرگان و صراف بدل شوند. سِر والتین چیرول می‌نویسد: قبطیان مانند تمامی اقلیت‌هایی که از قدرت سیاسی برکنار می‌شوند گرایش شدیدی به شکل‌های ابتدایی امور مالی از خود نشان دادند. منظور حضور فعال این گروه در عرصه صرافی و رباخواری است. این عوامل سبب پیوند قبطیان با کانون‌های تجاری و مالی بنادر جنوب و غرب اروپا شد و طبعاً در سده‌های هفدهم و هیجدهم میلادی میان قبطیان و الیگارشی یهودی آمستردام و لندن رابطه‌ای استوار پدید آمد.

در دوران سلطه فرانسه بر مصر راه اقتدار سیاسی و اقتصادی قبطیان هموار شد و پس از خروج فرانسوی‌ها، اینان به پایگاه اصلی صعود محمدعلی بدل شدند. دوران حکومت محمدعلی پاشا به‌عنوان دوران نوزایی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و دوران اقتدار مجدد قبطیان شناخته می‌شود.

در زمان صعود محمدعلی در اوائل سده نوزدهم، قبطیان اقلیتی کم‌شمار در میان جمعیت شش و نیم میلیونی مصر بودند. در سال ۱۸۳۰، بیست و پنج سال پس از صعود محمدعلی پاشا، تعداد آنان افزایش یافت و به ۱۵۰ هزار نفر رسید. در اوائل سده بیستم قبطیان حدود نیم میلیون نفر از جمعیت ۱۳ میلیونی مصر را شامل می‌شدند یعنی کمتر از نیم درصد. جمعیت آنان در دهه ۱۹۶۰ میلادی دو میلیون و ۶۰۰ هزار نفر گزارش شده است.

قبطیان یکی از چهار گروهی است که محمدعلی پاشا، پس از استقرار در مصر با حمایت بریتانیا و در پی خروج ارتش ناپلئون، حاکمیت خود را بر آنان مبتنی کرد. برغم مسلمانان یعنی اکثریت مردم مصر، چهار گروه اقلیت ارامنه، یهودیان، تجار یونانی مقیم مصر و قبطیان پایگاه بومی محمدعلی پاشا بودند. حاکمیت محمدعلی پاشا با کشتار و خلع مالکیت از نخبگان سنتی مسلمان مصر انجام گرفت که «ممالیک» نام دارند. این مملوکان به طوایف فراوان تقسیم می‌شدند و هر طایفه تابع «بای» (بیگ) خود بود. محمدعلی نقشه فجیع یک نسل‌کشی تمام عیار را طراحی نمود و در ۵ صفر ۱۲۲۶ ق/ اول مارس ۱۸۱۱ م. آن را اجرا کرد. او حدود ۵۰۰ نفر از سران ممالیک (بای‌ها) را به بهانه سفر پسرش به حجاز به میهمانی در قلعه قاهره دعوت کرد؛ در جریان میهمانی آنان را ناجوانمردانه به قتل رسانید و هزاران تن از همراهان‌شان را در خیابان‌های شهر قتل‌عام نمود. محمدعلی پاشا نه تنها این گروه متنفذ از سران جامعه مصر و وارثین سنن سیاسی مصر اسلامی را به طور کامل امحاء نمود بلکه تمامی اموال آنان را به تصرف خود درآورد و بدینسان یک شبه به بزرگ‌ترین زمین‌دار مصر بدل شد. رفتار محمدعلی پاشا با بای‌های مصر پیش‌نمونه تاریخی رفتاری است که یک قرن بعد رضا شاه با نخبگان سنتی ایران، خان‌ها و سران ایلات و عشایر، انجام داد.

بنوشته سِر والتین چیرول، محمدعلی قبطیان را به‌عنوان متصدیان امور مالیاتی مصر به خدمت گرفت. سيطرة آنان تا بدانجا بود که سال مالی رسمی دولت مصر از سال هجری به قبطی تبدیل شد. در زمان انتشار کتاب چیرول (۱۹۲۰) تعداد کثیری از قبطیان در امور وزارت مالیه مصر مشارکت داشتند. در این زمان تعداد زیادی از آنان به‌عنوان صراف، رباخوار و تجار خرده‌پا در سراسر مصر پراکنده بودند. چیرول می‌نویسد به همت میسیونرهای آمریکایی هم‌اکنون بسیاری از قبطیان با فرهنگ غربی آشنایی یافته‌اند و تعداد ثروتمندان و ملاکین بزرگ در میان آنان اندک نیست. چیرول می‌افزاید تا پیش از سلطه انگلیس بر مصر همواره رابطه قبطیان و مسلمانان مصر تنش‌آمیز بود. انگلیسی‌ها پس از استقرار سلطه خود (۱۸۸۳) آنان را به‌عنوان یک «اقلیت مسیحی» بر مسلمانان ترجیح می‌دادند.

با توجه به مسائل فوق، روشن نیست که در پس حوادث اخیر مصر چه طرحی نهفته است. قبطیان، چنان که شاخص مردم کاسب مسلک است، اهل درگیری و نزاع و ستیز نیستند و لذا رویدادهای اخیر باید سازمان‌یافته تلقی شود. از سوی دیگر، رفتار برخی علمای سلفی علیه قبطیان نیز به شدت مشکوک است که مثلاً خواستار پرداخت «جزیه» از سوی قبطیان شده‌اند.

آیا، کانون‌های سلطه‌گر جهانی طرحی برای ایجاد جنگ داخلی و تجزیه مصر به چند کشور کوچک در سر دارند؟ آیا حوادث اخیر بهانه‌ای نیست برای استقرار نیروهای غربی در مصر به بهانه "نسل‌کشی" قبطیان و حمایت از ایشان؟ این‌ها پرسش‌هایی است که هم‌اکنون پاسخی برای آن ندارم. سیر تحولات حوادث را روشن‌تر خواهد کرد.

مال فیر: آیا قسمتی از این قوم (قبطی) در سوریه اسکان دارند؟

شهبازی: اطلاع دقیق ندارم ولی تصور نمی‌کنم جمعیت قابل توجهی از قبطیان در سوریه باشند. توزیع جغرافیایی جمعیت قبطیان این گونه ذکر می‌شود: مصر ۵ تا ۱۵ میلیون، سودان نیم میلیون، ایالات متحده آمریکا دویست هزار تا یک میلیون، کانادا دویست هزار، استرالیا ۷۵ هزار نفر. [+] چنان‌که می‌بینیم تفاوت ارقام به شدت فاحش است. جمعیت پنج میلیونی قبطی در مصر کجا و رقم پانزده میلیونی کجا؟

زمزمه‌های جنگ عرب و عجم

محمود قاسمی: [به این مصاحبه آقای صادق زیباکلام در روزآنلاین توجه شود:]

مصاحبه صادق زیباکلام با العربیه: نفرت ایران از اعراب ریشه دارد روابط میان اعراب و پارسیان همواره محل تناقض بوده است؛ نه فقط در دوره معاصر و به دلیل مبارزه قدرت در منطقه، بلکه این امر در طی تاریخ به جزئی از روانشناسی جمعی مردم دو گروه تبدیل شده است. صادق زیباکلام دیدگاه عمیقی را درباره سطوح مختلف این کینه مطرح می‌کند. [+]

شهبازی: عجیب است این مصاحبه. برخی جملات آقای زیباکلام را نقل می‌کنم: «تلاش ایران برای دستیابی به برتری منطقه‌ای آنقدر ناشی از انگیزه‌های سیاسی نیست که انگیزه‌های نژادپرستانه برای اثبات برتری ایرانیان.» و «این مسئله محصول تناقضات امروزی در سطح منطقه نیست بلکه ریشه در تاریخ دارد.» وی می‌افزاید: «ایرانی‌ها هیچگاه شکست از اعراب در جنگ قادسیه را در ۱۴۰۰ سال پیش فراموش نمی‌کنند. انگار که این امر مانند آتشی در زیر خاکستر همچنان آماده شعله‌ور شدن است.» «افراد مذهبی هم این تنفر را معمولاً در شکل خصومت با مسلمانان سنی بیان می‌کنند.» «در واقع باید گفت خصومت ایرانیان از سنی‌ها از تنفر آن‌ها از اعراب نشئت می‌گیرد.» این آقای صادق زیباکلام می‌خواهد خودش را مطرح کند یا مأموریت معینی دارد؟ این چه مصاحبه‌ای است در این فضای آشفته و پرخطر منطقه؟ این چه حرفی است؟ حیرانم از این مصاحبه.

مال فیر: چندی است تصور می‌کنم که آقای زیباکلام از آن طرف پشب بام افتاده‌اند با عنایت به بحث‌های گذشته‌های نه چندان دور ایشان عرض می‌کنم.

شهبازی: جناب مال فیر، چه کسانی زیباکلام را ساپورت می‌کنند تا این سخنان را بگوید؟ توجه کنید که مصاحبه با العربیه است.

آدم با العربیه که مصاحبه می‌کند، آن هم درباره رابطه تاریخی ایرانیان و اعراب، منافع ملی را در نظر می‌گیرد، بر اشتراکات انگشت می‌گذارد، و خیلی حرف‌ها برای گفتن هست. این‌ها چیست؟ این‌ها منطبق است با خواست نئوکان‌ها که می‌خواهند اعراب را علیه ایران تحریک کنند. یعنی چه اختلاف شیعه و سنی ریشه در ضدیت با اعراب دارد؟ این حرف‌ها محققانه هم نیست. کدام مورخ و محقق جدی این حرف‌ها تأیید می‌کند این حرف‌ها را؟ این همه آمیختگی و پیوند تاریخی میان ایرانیان و اعراب وجود دارد که قبلاً در بحث «آریایی‌گرایی» شرح دادم. ایشان کتاب نخوانده‌اند؟ مطالعه‌شان اندک است یا غرض دارند؟ یک هفته وقت بگذارند و کتاب شش هفت جلدی مرحوم دکتر محمدی ملایری را بخوانند.

این مصاحبه سم است در فضای کنونی منطقه. این ایجاد خصومت است. چرا؟ با چه انگیزه‌ای؟ عرق ملی کجا رفته؟ وطن‌دوستی کجاست؟ شرافت ملی کجاست؟ اکثر آمریکایی‌ها در خانه‌شان پرچم آمریکا را نصب می‌کنند. اجباری نیست. دوست دارند. به این می‌گویند: وطن‌دوستی (پاتریوتیسم). کمی از آمریکایی‌ها یاد بگیریم.

یعنی ایشان وضع منطقه را نمی‌داند؟ توجه کنید: «خصومت ایرانیان از سنی‌ها از تنفر آن‌ها از اعراب نشئت می‌گیرد.» یعنی اهل تسنن ایرانی نیستند؟ یعنی ایرانیان شیعی از اهل تسنن نفرت دارند؟ یعنی ایرانیان از اعراب نفرت دارند و به این دلیل با اهل تسنن دشمن‌اند؟ این کمتر از آن رقم ۹ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار [ثروت محمدرضا زنوزی] آدم را دیوانه نمی‌کند. چه خبر است در این مملکت؟ پشت پرده چه می‌گذرد؟

مال فیر: این نظریه را که ایرانی‌ها بسیار نژادپرست هستند در این ور آب بسیار شنیدیم و تقریباً روزی نیست که

چماق نژادپرستی ایرانیان را بر فرقمان حس نکنیم. تقریباً این موضوع را از کسانی می‌شنویم که اصلاً نمی‌دانند حتی ایران در کدام قاره قرار گرفته است. بنابر این آقای زیباکلام دقیقاً با غرض‌ورزی این مطلب را بیان داشته‌اند. محمود قاسمی: زیباکلام مسلماً می‌داند دقیقاً چه می‌گوید.

مال فیر: در رابطه با مصاحبه اخیر آقای زیباکلام با العربیه نواقص فاحش بسیاری هست که جای تأمل دارد و تنها [محدود به] آن مورد خاص نیست. مثلاً ایشان فرموده‌اند که راسیسم از کمی اطلاعات ناشی می‌شود که درست است و بعد نتیجه می‌گیرند که مردم ایران روحیه نژادپرستانه دارند و آن را به تمام قشرهای جامعه تعمیم می‌دهند. باید پرسید آیا در جامعه ایرانی همگان کم‌اطلاع هستند؟ یا در رابطه با افاغنه مستقر در ایران، سوای بحث خلاف‌کاری‌های بعضی از آن‌ها و برخوردهای غیرمنطقی (بعضی از ایرانیان) آیا می‌توان نتیجه گرفت که تمام افاغنه خلاف‌کارند یا تمام ایرانی‌ها ضدافاغنه هستند؛ در صورتی که سال‌هاست ایران میزبان میلیون‌ها افغانی است. در مصاحبه موارد اشکال بسیار زیاد است. بیش‌تر به نظر می‌رسد ایشان به مرض خودبزرگ‌بینی دچار شده‌اند. هر چه عمیق‌تر به گفته‌های آقای زیباکلام در این مصاحبه فکر می‌کنم بیش‌تر به این نتیجه می‌رسم که ایشان واقعاً خود را هم شنونده و هم گوینده مطلق تصور کرده‌اند. وای بر ما. خود گوئی و خود خندی / عجب مرد هنرمندی.

آرش آرامش: شاید مصاحبه جناب زیباکلام زیاد هم اشتباه نباشد وقتی می‌بینیم مردم منطقه‌ای در عربستان اقدام علیه حکام انجام می‌دهند آن هم به لطف کشور دوست ایران. ظاهراً منافع آقایان در وجود بحران و بحران‌سازی است و گرنه با وجود تحریم‌ها و همه موارد موجود بیش‌تر احتیاج به همسایه‌ای طرفدار است تا دشمن. [...] مهری شارکنی: شوربختانه ایرانیان ناآگاهانه و آگاهانه خود را بازیچه جهانیان قرار داده‌اند. سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های رسانه‌ای مشکوک و پخش عکس‌هایی که تحریک‌گر غیرقابل انکار است. از جمله عکس‌های از زندانی سیاسی تازه آزاد شده [بنام] پیمان عارف با پیراهن سبز (نماد انتخابات ۸۸) بعد از خوردن شلاق و مشکوک‌تر مصاحبه ایشان با رسانه‌ای مشکوک. [...]

هب هبفا: به شدت نظرم بر این است که این آقا [زیباکلام] از طرف شخص‌مثنائی یا جریان وابسته به آن ساپورت می‌شود. چنین حرف‌ها و کارهایی کاملاً باید با برنامه باشد. من به غیر از این نمی‌اندیشم. محمود قاسمی: [لینک داده‌اند به مطلب زیر در وبگاه بخش فارسی رادیو فرانسه که با ارجاع به مانور نظامی روسیه در آب‌های دریای خزر نوشته است:]

روسیه برای مقابله با ایران در آب‌های خزر آماده می‌شود
پاره‌ای از ناظران معتقدند که ایران، پس از مشاهده تجربه لیبی، دیگر مایل به مذاکره جدی پیرامون برنامه اتمی خود نیست و اهداف نظامی اتمی خود را رها نخواهد کرد. به همین دلیل، خطر برخورد نظامی با ایران به صورت جدی افزایش یافته است. [+]

نظام فریدونی: صحبت‌های آقای زیباکلام را در کنار گزارش بی. بی. سی. در مورد سیستم فرسوده و غیر ایمن نیروگاه اتمی بوشهر بگذاریم مسئله حل می‌شود: هدف تحریک عرب‌ها علیه ایران است. کامنت آقای قاسمی هم نشان می‌دهد در سطح بین‌الملل علیه ایران اقداماتی در جریان است.

در زمان آقای خاتمی هم، که قرار بود آمریکا به ایران حمله کند، روسیه مانور مشابهی انجام داد. نمی‌دانم هدف ایران است یا تضعیف ایران برای فتح سوریه؟

سید حسین معصومی: البته متأسفانه باید قبول کنیم که اکثر ایرانی‌ها واقعاً ضد عرب هستند و خودشان را از نژاد آریایی می‌دانند. هیچ کس هم واقعاً هیچ حرکت فرهنگی برای تغییر این دیدگاه نمی‌کند.

آرش آرامش: جناب حسین آقا، این همه ایرانی که هر سال سر از سوریه و عربستان و دوبی و... در می‌آورند ضد عرب هستند؟ یا این توصیف اگر دوست‌دار عرب بودند و اوایل می‌شد.

سید حسین معصومی: من بالشخصه کمتر ایرانی دیدم که یک حداقل احساسات ضد عربی نداشته باشد. البته این عرب‌ها هم همچین دل خوشی از ما ندارند. با این همه اشتراک فرهنگی که بین ما هست این همه فاصله به هیچ وجه خوشایند نیست.

شهبازی: در واژگان سیاسی واژه‌ای است بنام «شوونینیسیم». Chauvinism این واژه از نام یک سرباز فرانسوی دوران جمهوری و امپراتوری اول فرانسه بنام نیکلا شوون اخذ شده. البته، محققین معتقدند که این آقای شوون وجود خارجی نداشته و یک شخصیت موهوم است. شهرت این فرد به خاطر ادا و اطوارهای وطن‌پرستانه اوست. «شوونینیسیم» به رفتاری اطلاق می‌شود که متضمن ادعاهای افراطی و پرشور و پر ادای میهن‌پرستی است. در فارسی آن را «ناسیونالیسم افراطی» می‌خوانند. بهتر بود معادلی انتخاب می‌شد که ادا و اطوار و ژست‌های متظاهرانه نیز در آن متجلی باشد. در فرهنگ انگلیسی واژه دیگری داریم مشابه با این «شوونینیسیم». این واژه «جینگوئیسم» Jingoism است.

سید حسین معصومی: این اصل مقاله دکتر زیباکلام. لینک قبلی خلاصه‌ای از این مقاله بوده. [+]
خیلی از ما ایرانی‌ها نژادپرست هستیم - مصاحبه آخرین شماره هفته‌نامه صبح آزادی با دکتر زیباکلام -
مهرماه ۱۳۹۰.

شهبازی: اصل مصاحبه آقای زیباکلام با العربیه در اینجاست. [+] نمی‌توانم ادعا کنم این اصل نیست و العربیه از هفته‌نامه صبح آزادی مطلب را کپی کرده، آنگونه که در تیترو عنوان شده. آقای زیباکلام اخیراً روش بدیعی به کار می‌برد و مطلب خود را به دو سه جا می‌دهد که همزمان منتشر کنند. مثل مطلب ۱۳ مهر ۱۳۹۰ [در هجو جنبش ضد وال استریت] که همزمان در روزنامه تسرق و روزانلاین منتشر شد. [+ +] دلش این است که اگر او را مورد بازخواست قرار دادند که چرا برای روزانلاین یا العربیه نوشته‌ای، پاسخ دهد: آن‌ها از تسرق یا صبح آزادی کپی کرده‌اند و ربطی به من ندارد. این مطلب اخیر هم همزمان در صبح آزادی و روزانلاین و العربیه منتشر شد. البته در روزانلاین تلخیص شده.
من واقعاً این مصاحبه را نفرت‌انگیز می‌دانم. همیشه در قبال حرف‌های مهمل آقای زیباکلام سکوت کرده‌ام. این همه مهمل درباره استعمار، علل عقب ماندگی ایرانیان، رضا شاه و کذا و کذا گفته‌اند، سکوت کرده‌ام. ولی این یکی قابل سکوت نیست. این مصاحبه نفرت‌انگیز است در یک کلام. بحث نیست، انتشار سموم سیاسی است.

هب هبفا: [ارجاع داده‌اند به زندگینامه صادق زیباکلام در ویکی‌پدیای فارسی]

صادق زیباکلام - ویکی‌پدیا

صادق زیباکلام (متولد ۱۳۲۷) فعال، پژوهشگر و تحلیل‌گر سیاسی است. وی دارای مدرک دکترای علوم سیاسی از دانشگاه برادفورد انگلستان و عضو هیات علمی دانشگاه تهران می‌باشد. وی برادر سعید زیباکلام است... [+]

به نظر بنده که اطلاعات جالبی در این لینک است. البته کمی توجه لازم دارد.

شهبازی: این بیوگرافی دو سه روز اخیر نوشته شده یا به روز شده؛ پس از انتشار مصاحبه با العربیه. جالب است: پدر ایشان «از طرفداران مصدق بود اما از لحاظ تشکیلاتی در حزب زحمتکشان به رهبری دکتر مظفر بقایی فعالیت می‌کرد». این تناقض است. حزب زحمتکشان پس از ماجرای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ علیه مصدق فعالیت می‌کرد و در ماجرای ۹ اسفند ۱۳۳۱ افراد حزب زحمتکشان در حمله به خانه مصدق شرکت کردند. از زمان ربودن و قتل سرتیپ افشارطوس، رئیس شهربانی دولت مصدق، حزب زحمتکشان مستقیماً و فعالانه در عملیات کودتا درگیر بود.

هب هبفا: دقیقاً منظورم همین تناقض بود. البته به نظرم یک تناقض دیگر هم هست. نوشته: [پس از آزادی از زندان، «دستگاه امنیتی کشور مانع بازگشت او به انگلستان و ادامه دوره دکتری شده و او به ناچار در ایران مانده و بعنوان مربی در دانشکده فنی دانشگاه تهران استخدام می‌گردد». آیا این استخدام عجیب نیست؟ واقعاً نمی‌دانم. فقط به نظرم عجیب آمد.

شهبازی: قطعاً عجیب است جناب هبفا. چرا ساواک مانع استخدام ایشان در دانشگاه تهران نشد؟

رضا هو: یکی از دوستان دانشگاه تهران از رفتارهای عجیب این زیباکلام نکات جالبی تعریف می‌کرد. یادم میاد که می‌گفت یک بار هماهنگ کرد با دفتر هاشمی رفسنجانی که دانشجویهای علوم سیاسی را بیره مجمع تشخیص تا هاشمی برایشون افاضه کنه. تعریف می‌کرد که قرار بود حدود ۱۰۰ نفر بیان که سر موعد مقرر کمتر از ۲۰ نفر جمع

شدند. سریع با هماهنگی که با رئیس دانشکده کرد چند تا کلاس درس رو تعطیل کرد و همه رو سوار اتوبوس کرد و رفتیم مجمع. رفت پشت تریبون و رو به رفسنجان گفت که اینقدر بچه‌ها مشتاق بودند بیان که حد نداشت، ما مجبور شدیم قرعه کشی کنیم تا بتونیم ۱۰۰ نفر رو انتخاب کنیم و بیاریم اینجا. ایشا... دفعه بعد گروه بعدی رو میاریم!

مؤسسه راند و «مجتمع نظامی - صنعتی»

مال فیر: در رابطه با کمپانی رند و قسمتی از برنامه‌های آن یکی دو کتاب خواندم که بسیار شگفت‌انگیز و جالب بود. در صورت امکان در مورد این کمپانی توضیح دهید. یکی از علایق این کمپانی اطلاع از اوضاع و احوال قوم‌های نزدیک به هم و تضادهای فی مابین آنهاست که در مواقع حساس به کمک دولتمردان آمریکا و سرویس‌های جاسوسی آنها می‌شتابد. یکی از کارهای خارق‌العاده این کمپانی ساختن جوک‌های توهین‌آمیز در مورد قوم‌های همجوار است.

شهبازی: کورپوراسیون راند یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های فکری و تحقیقاتی جهان است. مرکز آن در سانتامونیکا (کالیفرنیا) واقع است. راند بیش از یکصد میلیون دلار بودجه سالانه در اختیار دارد که ۸۵ درصد آن مستقیماً توسط دولت تأمین می‌شود و مابقی کمک بخش خصوصی و درآمدهای خود راند است. «راند» مخفف «پژوهش و توسعه» است.

The RAND Corporation (Research and Development Corporation)

تا به حال نشنیده بودم که راند «جوک» می‌سازد. برای ایجاد اختلافات قومی. حوزه کاری این مؤسسه بسیار متنوع است. نکته مهم درباره «راند» پیوند آن با مجتمع نظامی - صنعتی است. راند بعنوان «پروژه راند» در سال‌های جنگ جهانی دوم در کمپانی داگلاس ایرکرافت [+] آغاز شد. این کمپانی از بزرگ‌ترین پیمانکاران نظامی آمریکا بود. راند در سال ۱۹۴۸ مستقل شد معهداً حضور نظامیان و پیمانکاران نظامی در مدیریت آن چشمگیر بوده است. برای مثال، دانالد داگلاس، رئیس داگلاس ایرکرافت، همچنان از گردانندگان اصلی راند بود. بنگرید به تاریخچه راند در وبگاه این مؤسسه. [+]

اسامی اعضای هیئت امنای کنونی راند در این آدرس است. [+] رئیس هیئت امناء آقای پل کامینسکی معاون پیشین وزارت دفاع است. ترکیب اعضای هیئت امناء جالب است. حضور نظامیان و نمایندگان کمپانی‌های بزرگ تسلیحاتی. آقای فوکویاما نیز عضو هیئت امناء است. رئیس کنونی راند دکتر جیمز تامسون است که حوزه تخصصی او فیزیک است. [+] برخی اطلاعات کلی درباره راند نیز در این آدرس مندرج است. [+]

آن کانون قدرتمندی که از «راند» بعنوان بازوی پژوهشی خود استفاده می‌کند، مجتمعی از کمپانی‌های نظامی است که در پیرامون کمپانی‌هایی چون داگلاس ایرکرافت، مک دانل داگلاس، بوئینگ و میلیاردرهایی چون هوارد هیوز بتدریج به یک گول بزرگ تبدیل شدند.

این شبکه کمپانی‌های تسلیحاتی، پس از لاکهید مارتین، دومین پیمانکار بزرگ پنتاگون به شمار می‌رود. [+] برای آشنایی با تاریخچه این شبکه عظیم کمپانی‌های خویشاوند بنگرید به تاریخچه بوئینگ در ۱۰۷ قسمت که با این آدرس شروع می‌شود. [+]

رقیب اصلی این شبکه، مجتمع لاکهید مارتین است که در سال ۱۹۹۵ با ادغام دو کمپانی لاکهید و مارتین مارتینا تاسیس شد. [+] + + در پروژه "جنگ ستارگان"، لاکهید و بوئینگ و رایتون، پیمانکاران اصلی بودند و به این دلیل به "سه گول" پیمانکاری نظامی ایالات متحده مشهور شدند. کمپانی لاکهید مارتین همان است که پیش‌تر جنگنده اف. ۲۲ را در خدمت نیروی هوایی ایالات متحده قرار داده بود؛ جنگنده‌ای که هر فروند آن بیش از ۲۰۰ میلیون دلار ارزش داشت. تقریباً ده سال پیش، جمعه ۴ آبان ۱۳۸۰ / ۲۶ اکتبر ۲۰۰۱، رسانه‌ها از انعقاد قرارداد دولت بوش با کمپانی لاکهید مارتین خبر دادند به ارزش دویست میلیارد دلار برای ساخت سه هزار فروند جنگنده جدید اف. ۳۵. رسانه‌های آن زمان این قرارداد را «بزرگ‌ترین قرارداد تسلیحاتی تاریخ» می‌نامیدند. در این پیمان، بوئینگ برنده نشد و لاکهید مارتین این کمپانی را شریک نکرد. اگر بوئینگ برنده می‌شد می‌توانست سه هزار شغل جدید در شهر سیاتل، مرکز بوئینگ، ایجاد کند. ولی به دلیل فوق‌مجبور شد ۳۰ هزار تن از کارکنان خود را تا پایان سال ۲۰۰۱ بیکار کند. این مسئله عامل نفرت بخشی از جامعه آمریکا از لاکهید مارتین است. جالب‌تر اینجاست که پنتاگون کمپانی‌های انگلیسی را در پیمان دویست میلیارد دلاری لاکهید مارتین شریک کرد؛ کمپانی‌هایی مانند رولزرویس و بی‌آی. [+]

این اولین بار در تاریخ آمریکا بود که رسماً کمپانی‌های خارجی در یکی از پیمان‌های پنتاگون شریک می‌شدند. و در مقابل، دومین مجتمع عظیم هواپیماسازی آمریکا بی‌نصیب ماند. بهانه همه این‌ها پدیده‌ای بود به نام بن‌لادن. برای همین است که در تظاهرات جنبش ضد وال استریت شاهد شعارهای فراوان علیه لاکهید مارتین بودیم، ولی شعار علیه بوئینگ نبود یا من ندیدم.

بگذریم. سخن بر سر راند بود و پیوندهای آن با مجتمع نظامی-صنعتی. در حوزه تحقیقات اجتماعی و سیاسی، کارهای راند قابل مطالعه و بعضاً مهم است از جمله در بررسی فرایندهای سیاسی ایران.

مال فیر: از توضیحات تان در مورد رند سپاسگزارم. در رابطه با جمع‌آوری اطلاعات اقوام همجوار رجوع شود به کتاب جنگ بی پایان ترجمه آقای رجائی خراسانی.

جنگال «توطئه ترور» علیه ایران

ساعت ۱۰:۱۵ بعدازظهر سه‌شنبه، ۱۹ مهر ۱۳۹۰ / ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱

احسان ایرانی: خیر فوری- یک ایرانی در آمریکا دستگیر شده و اتهام او بمب‌گذاری برای کشتن سفیر عربستان، انفجار سفارت‌های عربستان و اسرائیل است. آمریکا ادعا کرده توطئه در داخل ایران طراحی شده. نوروز حسینی: بهانه‌ها را باید ایجاد کرد. [ارجاع به خبر BBC فارسی] احسان ایرانی: بی بی سی چه معرکه‌ای گرفته.

شهبازی: ساعت ۱۰:۱۷ بعدازظهر سه‌شنبه است. اریک هولدر، وزیر دادگستری ایالات متحده، اعلام کرده که یک ایرانی- آمریکایی به اتهام تلاش برای ترور عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، دستگیر شده است. نام متهم منصور ارباب سیار، ۵۶ ساله، اعلام شده که، به گفته آقای هولدر، با نیروی قدس سپاه پاسداران در ارتباط بوده است.

BBC فارسی: دستگیری یک ایرانی در آمریکا به اتهام تلاش برای ترور سفیر عربستان اریک هولدر، وزیر دادگستری ایالات متحده، اعلام کرده که یک ایرانی آمریکایی به اتهام تلاش برای ترور عادل الجبیر، سفیر عربستان سعودی در واشنگتن، دستگیر شده است. آمریکا می‌گوید که دو متهم پرونده با نیروی قدس سپاه پاسداران در ارتباط بوده‌اند. [+]
تصور می‌کنم اکنون علت مصاحبه آقای زیباکلام اکنون روشن شده است.

احسان ایرانی: داره پازل تکمیل میشه. خدای من داره چه اتفاقی میفته؟
نوروز حسینی: صفحه اول فاکس نیوز را ببینید. [+]
گرین داو: اونجایی که فکرشو هیچ کس نمی‌کنه باید نگرست.
احسان ایرانی: عجیبه، همین الان اعلام شد که حماس و اسرائیل متنی را امضا کرده‌اند که سر باز اسرائیلی ربوده شده آزاد بشه.

شهبازی: از خبر جلعاد شلیط، نظامی اسرائیلی که مدت‌ها زندانی بود، حتماً مطلع شده‌اید. این گزارش‌ها رتزر در این زمینه است [+]. و این هم خبر فاکس نیوز. [+]
نتانیاهو اعلام کرده که پیشنهاداتی از حماس رسیده برای آزادی شلیط و دولت اسرائیل جلسه فوق‌العاده تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد تحولات بزرگی در شرف وقوع است. اتهامات آمریکا به ایران بسیار سنگین است و تصور نمی‌کنم این گونه اتهام‌زنی صرفاً مصرف تبلیغاتی داشته باشد. باید منتظر خبرهای بعدی بود.

ساعت ۱۱:۱۱ بعدازظهر سه‌شنبه

احسان ایرانی: مرتب داره خبر میگه تا لحظاتی دیگر (چند دقیقه یا چند ساعت دیگر) مجازات‌های آمریکا علیه ایران اعلام خواهد شد. بعضی از کارشناسان احتمال می‌دهند مسئله صرفاً در حد تحریم نخواهد بود.

نوروز حسینی: به نظرم اتهام آمریکا توطئه کثیفی است برای ایجاد جرقه‌هایی که ایران، آمریکا و عربستان را درگیر کند. منصور ارباب سیار ۵۶ ساله ساکن تگزاس آمریکا در تمامی دیتابیس‌های مربوطه حضور دارد. آیا ایران در صورت تمایل به خرابکاری نمی‌توانست از افراد غیر ایرانی و... استفاده کند؟

ظاهراً قرار بوده ایران یک ونیم میلیون دلار به آقای ارباب سیار برای عملیات ترور در یک رستوران پرداخت کند. [+]
گرین داو: این خبر خیلی غیرمنتظره نبود؟ انتشارش برای اولین بار توسط اف بی آی معنای خاصی دارد؟
احسان ایرانی: نماینده ایران در سازمان ملل قضیه رو تکذیب کرده، اولین واکنش رسمی ایران.
نوروز حسینی: معمولاً وقتی پای اف بی آی وسط میاد یعنی امنیت داخلی ایالات متحده. معنی و مفهوم خبر این است که ایران به تهدیدی برای امنیت داخلی ایالات متحده تبدیل شده است.
گرین داو: [...]

هب هبفا: گمان نکنم مسئله به این سادگی باشه. بیش‌تر شبیه پاپوش دوختن نئوکانهاست تا نتیجه یک درگیری بین جناح‌های داخل کشور. [...]
گرین داو: جناب هبفا، در شرایطی که آمریکا مشکلات داخلی داره و در شرایطی که مسئله سوریه برایش در اولویتیه و مهم‌تره، پاپوش برای چه هدفی؟

هب هبفا: عزیز من! مشکلات داخلی آمریکا چه ربطی به نئوکانها داره؟
جواد نادری: از حماس نباید جز این انتظار داشت. حماس گروهی است با عقاید به شدت ضد شیعه و در پناه وهابیت و همچینین ضد ایرانی. همچنان که حتماً می‌دانید بعد از اعدام صدام این گروه او را شهید خواندند و برایش عزا اعلام کردند [...] مسئولین ما [...] اصلاً توجه ندارند که این‌ها سرشان در جای دیگر است و گوش به فرمان دیگران‌اند. مانند دلخوشی به روسیه و چین در مسئله هسته‌ای که با باج‌های کلان به قیمت از هم‌پاشیدگی اقتصاد مملکت به چین و پرداخت پول‌های هنگفت به بهانه نیروگاه بوشهر به روسیه. امید داشتن به این که این دو مانع تصویب قطعنامه در شورای امنیت شوند ولی این خیال باطلی بیش نبود. حتی روسیه در یک اقدام بی‌شرمانه و زیر فشار آمریکا قرارداد نظامی فروش موشک‌های پیشرفته اس ۳۰۰ را، که پول آن را هم دریافت کرده بود، لغو نمود و آقایان دلخوش‌اند که ما پول‌مان را پس گرفتیم. من از بیگانگان هرگز ننالم، که با من هر چه کرد آن آشنا کرد. [...]
احسان ایرانی: ممکن است پاپوش باشد، ولی پاپوش برای کسی دوخته می‌شود که استعدادی از خود نشان داده باشد [...]

آریا برزین: گویا این روزها و شاید بهتر این لحظات هر دم خبری می‌رسد. [...]
زهرآ زمانی: یک بار دیگر لازم است سخنان اخیر سناتور لیبرمن آمریکایی را با دقت مطالعه کرد. خبر و هیاهوی خبری دیشب دقیقاً در راستای تأیید نظرات تند وی در خصوص خطر ایران به عنوان بزرگ‌ترین حامی تروریسم می‌باشد. قطعه‌ای دیگر از پازلی که برای ایران طراحی کرده‌اند. حرکات موازی عوامل نئوکانها در درون کشور قابل تأمل و تعمق است. اشاره به [...] که فرمود هسته‌های مقاومت در سرتاسر جهان آماده فعالیت می‌باشند. حلقه‌های زنجیر یکی یکی خودنمایی می‌کنند. در ایران جاسوس آمریکایی می‌گیرند، در آمریکا تروریست ایرانی. قدرت ایجاد موج تخریبی کدام بیش‌تر است؟

سامان فرهودی: ماکس فیشر در *آتلانتیک* تحلیل خوبی درباره مشکوک بودن اتهام ترور سفیر عربستان منتشر کرده است. [+]
این آقای ارباب سیار یک بار در سال ۲۰۰۱ به جرم دزدی دستگیر شده است. [+]
فامیل این آقای ارباب سیار به نام عبدالرضا شهلائی، که [گویا] عضو نیروی قدس سپاه است و متهم به فرماندهی عملیات از تهران شده، مطابق خبر آن بی‌سی نیوز، سه سال پیش توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا به دلیل دخالت در عراق و رابطه با جیش‌المهدی تحریم شده است. به عبارت دیگر، این فرد کاملاً شناسایی شده و ارتباطات فامیل او در آمریکا (ارباب سیار) هم قطعاً تحت کنترل بوده است. [+]

عملیات ادعایی به قدری ناشیانه بوده که انسان را به خنده می‌اندازد. تایم لاین زیر از رویترز به قدر کافی واضح است. [+]
بر اساس تایم لاین فوق اولین بار در ۲۴ مه موضوع در جریان ملاقات ارباب سیار با خبرچین DEA یا همان سازمان مبارزه با مواد مخدر آمریکا در مکزیک لو رفته! او در همان دیدار اول از قصدش برای انفجار سفارت عربستان پرده برداشته است.
نوروز حسینی: مهم ناشیانه بودن عملیات نیست، مهم این است که همزمان تمامی اخبار به این سمت برده می‌شود.

صحت و سقم آن هم مهم نیست. صدام نگون‌بخت که یادمان نرفته. آنقدر گفتند سلاح کشتار جمعی در عراق وجود دارد که شد آنچه قرار بود بشود.

گرین داو: صدام نگون‌بخت؟! به دفعه بیا بگو شهید الصدام حسین.

شهبازی: جناب گرین داو، "نگون‌بخت" با "شهید" تفاوت ماهوی دارد. فکر نکنم منظور دوستان از "نگون‌بخت" این بود. چیزی بود مثل صدام بخت برگشته. در این مایه‌ها.

علی خدایپناهی: لحظه لحظه این پازل شوم داره کامل‌تر میشه و به نظر میرسه عبور نظام به سلامت از دالان حوادثی که برای آن ترتیب دیدند سخت [...] باشه. ایجاد نارضایتی گسترده عمومی و از طرف دیگر کم‌ظرفیتی نهاد قدرت در برخورد با آن، قطعه اول و یا به تعبیر بهتر قطعه کارساز این نقشه بود. ای کاش به جای مداحان به منتقدان گوش می‌دادند. [...]

نوروز حسینی: ظاهراً این ارباب سیار بیچاره به همراه پسرش جانی در تگزاس لوازم بچه می‌فروشد. حالا چرا چنین آدم رقیق‌القلبی باید بیاید در طرح ترور شرکت کند الله و آمریکائیان اعلم. [+]

علی خدایپناهی: [ارجاع داده‌اند به این دو لینک +، +]

ساعت ۱۰:۳۲ صبح چهارشنبه، ۲۰ مهر ۱۳۹۰ / ۱۲ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: از صبح زود در حال دنبال کردن حوادث بودم. مسئله جدی است. واقعاً جدی است. رسانه‌های داخلی، مانند فارس نیوز، روی هالیوودی بودن و مضحک بودن ادعاها مانور می‌دهند. ادعاها هالیوودی و مضحک است ولی توجه کنیم که جنگ‌افروزان معمولاً از سناریوهای هالیوودی استفاده می‌کنند و این مسئله را جدی‌تر می‌کند. مثلاً، توجه کنید به ماجرای دستگیر شدن صدام در زادگاهش تکریت و اقامت در سوراخی که شبیه لانه موش است و آن ریش‌کدایی. داستان خیلی هالیوودی است ولی جذاب و برای عوام و افکار عمومی جالب است. صدام جای دیگری برای پنهان شدن نداشت؟ حتماً باید ریش می‌گذاشت که تابلو باشد؟

قشر فهیم در رسانه‌های آمریکایی نیز به سرعت واکنش نشان داده و مسئله را دریافته‌اند. هدف جنگ جدید در خاورمیانه است. و تقریباً انگشت اتهام‌ها به سوی اسرائیل و موساد است. خیلی‌ها این را می‌گویند. ولی آیا این مسائل در سرنوشت ماجرا تأثیر می‌گذارد؟ به گمان من خیر. مسئله باید از داخل حل شود. اگر شبکه داخلی موساد متلاشی شود، بسیاری از این تحرکات خنثی خواهد شد و تأثیر جدی بر پیش‌گیری از جنگ احتمالی و تحقق سناریوی نئوکان‌ها علیه ایران خواهد داشت.

اصل اسناد یعنی ادعاهای دولت آمریکا را به صورت فایل پی‌دی‌اف از این آدرس‌ها دانلود کنید:

ادعانامه وزارت دادگستری آمریکا در چهار صفحه، منتشر شده در سه شنبه، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱. [+]

گزارش (گردش کار) ۲۱ صفحه‌ای اف‌بی‌آی منتشره در ۱۱ اکتبر ۲۰۱۱. [+]

علی خدایپناهی: آقای شهبازی، این شبکه کجا باید پیگیری و متلاشی شود؟ [...] آن همه اسلحه که به اعراب فروختند گویا زمان استفاده‌اش نزدیک شده است.

جعفر ناصر: [ارجاع داده‌اند به ترجمه مقاله‌ای از *تشیگل* با این عنوان: «۴۶ میلیون آمریکایی مشت‌ها را از جیب در می‌آورند.» +]

علی خدایپناهی: به نظرم هر چه این اعتراضات جدی‌تر شود احتمال به راه افتادن درگیری در خاورمیانه هم بیش‌تر می‌شود. تلاش برای انحراف افکار عمومی در آمریکا و سایر نقاط جهان و در کنار آن تقلا برای تصاحب صندلی اصلی کاخ سفید ممکن است به مرگ هزاران تن بینجامد.

[ارجاع داده‌اند به ترجمه قسمتهایی از صحبت‌های اسلاوی ژیزک، فیلسوف اسلونیایی، در اجتماع جنبش ضد وال استریت در نیویورک. +]

جعفر ناصر: لینکی را که به اشتراک گذاشتم همراه کنید با مصاحبه زیباکلام و موضع‌گیری‌های غلط مدیران و مسئولان دولت و یأس عمومی ناشی از آن در رابطه با کلاه‌برداری‌های اخیر و بعد اتهام دولت آمریکا و بزرگ‌نمایی آن توسط اروپا.

سناریوی کاملی برای منزوی کردن بیش تر ایران در صحنه بین‌المللی است که می‌تواند موجودیت نظام را با خطر جدی مواجه کند. در این میان سکوت طرفداران نظام را چگونه باید توجیه کرد؟
مصاحبه زیباکلام و نشر آن در العربیه عملی است ضد ملی و علیه نظام جمهوری اسلامی. تمام نشریات به اصطلاح طرفدار نظام از کنار این مصاحبه به راحتی گذشتند.

مشکل به وجود آمده در آمریکا توسط نئوکان‌ها را به خارج از مرزهای آمریکا انتقال دادن به لابی‌های گروه‌های مخفی مالی کمک قابل توجهی می‌کند. افکار عمومی از وال استریت به سمت ایران و سوریه و... منحرف می‌شود و مقصران اصلی مشکلات موجود مالی از زیر ضرب هر چند به صورت موقت خارج خواهند شد.

علی خدایپناهی: عده‌ای تلاش دارند تا کاری کنند که هیچ کس جرئت طرفداری از نظام را جز خودشان نداشته باشد تا خود به مصداق دفاع بد هرچه خواستند بگویند و بکنند. [...] مشکل اینجاست که عده‌ای دانسته و عده‌ای نادانسته طرفداری را فقط به به و چه معنی می‌کنند. طرفداری را سرباز بودن معنی می‌کنند. این آفت است! آفتی که نتایجش امروز کم کم هویدا می‌شود. ای کاش آنان که دولتی و ریاست و کیاستی می‌یابند نامه علی (ع) به مالک را می‌خواندند و عبرت می‌گرفتند.

آرش آرامش: گزارش اشپیگل چاپ آلمان: «در انتظار واکنش‌های تند در آینده نزدیک علیه ایران باید بودا»

شهبازی: کامنت‌های گزارش *واشنگتن پست* را حتماً بخوانید بخصوص کامنت اول را. [+]
این همه روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس داریم. یک ساعت است دنبال زمان دقیق مصاحبه اریک هولدر می‌گردم و پیدا نمی‌کنم. بالاخره این یادداشت دقیق و حرفه‌ای آقای آرش سیگارچی را پیدا کردم. احسنت به ایشان. [+]
[این گزارش لحظه به لحظه آقای سیگارچی را در مقاله منتشره درج کرده‌ام. شهبازی]

علی خدایپناهی: چرا اینقدر در ترورها سراغ رستوران می‌روند؟ یاد میکونوس افتادم!
گرین داو: استاد یادداشت جدید منتشر نمی‌کنید؟ بحث‌های موضوع جدید تجمیع می‌شه!
علی خدایپناهی: [ارجاع داده‌اند به مطلب زیر در آینده نیوز]
آمریکا پدافند هوایی عربستان را هم به روز می‌کند
قبل از این، باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا به کنگره اطلاع داده بود که واشنگتن قصد دارد قرارداد فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی به ارزش ۶۰ میلیارد دلار را در بازه زمانی ۱۵ تا ۲۰ سال اجرا کند.
این بزرگ‌ترین قرارداد تسلیحاتی ثبت شده در آمریکاست... [+]
گرین داو: علی مطهری استعفا کرد. [+]
علی خدایپناهی: لینک زیر مطلب جالبی است که رادیو فردا منتشر کرده. [ارجاع داده‌اند به گزارش رادیو فردا از مقاله ماکس فیشر در ماهنامه *آتلانتیک*]

آیا ایران واقعاً قصد ترور سفیر عربستان در آمریکا را داشت؟
وبسایت ماهنامه معتبر *آتلانتیک* در آغاز تحلیل خود... می‌نویسد این ماجرا بیش تر به داستان تخیلی جاسوسی شباهت دارد...

[ماکس فیشر] تحلیل گر مجله *آتلانتیک* می‌افزاید: ... رقابت ایران و عربستان به حالتی شبیه به جنگ سرد منطقه خاورمیانه بدل شده است. اما با وجود تمام انگیزه‌هایی که ایران می‌تواند برای اجرای این طرح داشته باشد مشخص نیست که دستاورد یک چنین اقدامی برای ایران واقعاً چه خواهد بود... تصور این که ایران طرحی شبیه به آن چه که دادستان کل آمریکا ادعا کرده داشته است بسیار دشوار است.

اما اگر سفیر عربستان در واشینگتن واقعاً به قتل می‌رسید چه پیامد و نتایجی برای ایران می‌داشت؟ مناسبات عربستان و آمریکا که از مدت‌ها پیش بد بوده از زمان آغاز بهار عربی بدتر شده و خاندان حاکم بر عربستان در واکنش به این تحولات درست در مخالفت با نیروهایی ایستاده است که آمریکا از آن‌ها حمایت می‌کند.

... عربستان سعودی به اسلحه و تجهیزات نظامی آمریکا متکی است، و در مقابل در زمینه اطلاعات امنیتی و اوضاع منطقه آمریکا به عربستان کمک کرده و از رفتار حکومت عربستان در داخل آن کشور و کشورهای همسایه، از جمله بحرین، چشم می‌پوشد... ابلهانه‌ترین کاری که ایران می‌تواند بکند این است که مانع شکسته

شدن این اتحاد شده و عربستان و آمریکا را یک بار دیگر به یکدیگر نزدیک کند. برای مثال، با اقدام به ترور سفیر عربستان در خاک ایالات متحده آمریکا.

رهبران ایران... افراد ابلهی نیستند... متحد کردن واشنگتن و ریاض با یک عملیات تروریستی آن هم در شرایطی که روابط آن‌ها به شدت تیره شده است باعث افزایش حمایت افکار عمومی و سیاستمداران آمریکا از عربستان خواهد شد. چنین اقدامی هیچ نفعی برای ایران نخواهد داشت و بنابراین اقدامی ابلهانه خواهد بود... طراحی چنین توطئه‌ای آن قدر دور از ذهن است که به جای طرح اتهام علیه ایران سئوالات فراوانی را به میان می‌آورد.

تحلیل گر مجله آمریکایی *آتلانتیک* سپس به این سئوالات پرداخته و از جمله می‌پرسد اگر ایران تا این حد به خود در دسر بدهد که یک بمب‌گذاری را برای اجرا در خاک آمریکا طراحی کند چرا یک مقام نه چندان مهم را هدف قرار دهد؟ اگر ایران قرار است در خاک آمریکا حمله‌ای را سازمان‌دهی کند، چرا این کار را در سال‌های پس از حملات یازده سپتامبر و به عنوان مثال در اوج جنگ عراق انجام نداد؟ چرا چنین حمله‌ای را درست چندی پس از آزادی دو کوهنورد آمریکایی انجام دهد که در نوع خود نوعی مصالحه‌طلبی در برخورد با آمریکا بود. چرا آن طور که دادستان کل آمریکا ادعا می‌کند ایران برای انجام این طرح لازم است با باندهای قاچاق مواد مخدر مکزیکی همکاری کند؟ یا آن طور که برخی یادآوری کرده‌اند آیا ارسال پول به آمریکا یا صحبت در مورد این توطئه در مکالمات تلفنی واقعاً می‌تواند روش مرسوم دستگاه اطلاعاتی کشوری مثل ایران باشد؟

تحلیل گر *آتلانتیک* در پایان مطلب خود می‌نویسد: با وجود همه شک و تردیدها و سئوالات موجود در مورد ادعای دادستان کل آمریکا این احتمال وجود دارد که واقعاً چنین طرحی وجود داشته است... شاید دو ایرانی که اسم آن‌ها در این پرونده عنوان شده واقعاً قصد انجام یک چنین بمب‌گذاری را داشته‌اند، ولی عضو سپاه پاسداران یا نیروهای امنیتی ایران نیستند و اگر هم بوده‌اند شاید خودسرانه این کار را کرده‌اند... [+]

نظام فریدونی: مثل این که خبرهای جنجالی بسیار بیش‌تر و پر سر و صدا تر از آنچه بود که فکر می‌کردیم. در کنار این خبرها آزاد کردن سرباز اسیر اسرائیلی توسط حماس نیز بدون حاشیه در حال انجام است. اختلاس فراموش شد. چی داره می‌شه؟

علی خداپناهی: ترکی الفیصل، سفیر سابق سعودی در واشنگتن و رئیس سازمان امنیت این کشور، تأکید کرد ریاض دلایل محکمی در دست دارد که نشان می‌دهد ایران توطئه ترور سفیر سعودی را طراحی کرده است. ترکی الفیصل افزود: «ادله بسیار فراوان است... مسئولیت مستقیم ایران به شکل آشکار ثابت شده است. ایران باید هزینه این اقدام را پرداخت کند.» [+]

احسان کیسان: منافع آمریکا و عربستان را در این پروپاگاندای جدید چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ با توجه به نزدیکی موسم حج و سود سرشاری که عربستان از قبل حجاج ایرانی حاصل می‌کند، آیا می‌تواند از ورود ایشان ممانعت به عمل آورد و چشمش را بر درآمد میلیاردی آن ببندد؟ توجه کنید که در یکی دو ماه اخیر قیمت نفت به حدود ۸۰ دلار و کمتر کاهش پیدا کرده، همچنین با توجه به نیاز اوپاما به حمایت لابی‌های صهیونیستی و نیز افزایش قیمت نفت جهت جلوگیری از سقوط اقتصادی بیش‌تر و سایر منافع جنبی، از قبیل ایجاد بهانه برای دستیابی به مجوز صدور و فروش تسلیحات پیشرفته‌تر به اعراب و علی‌الخصوص عربستان، بنظر می‌رسد با بهره‌برداری از موضوع فوق در صدد بهره‌برداری اقتصادی و سیاسی هستند. شاید افزایش فشارهای سیاسی و تحریم‌های تنگ‌تر جهت انزوای بیش‌تر! بهروز کلورزی: صبح که از خواب بیدار می‌شویم تا پاسی از شب در محیط کار، در تلویزیون، در روزنامه‌ها، در همه رسانه‌ها، در اینترنت و... یک خبر خوب نمی‌شنویم که به اندازه یک لبخند شادمان کند. اصلاً این انرژی مثبت را کجا می‌فروشند؟

این خبر کشف عملیات تروریستی در خاک آمریکا را چه باید بدانیم؟ توطئه؟ هشدار؟ تلافی آمریکا در مورد سه کوهنورد آمریکایی؟ اگر آمریکا دنبال بهانه باشد برای حمله به ایران که قبل از این ۲۰۰-۳۰۰ موردش را در عراق و افغانستان و پاکستان کشف فرموده و به اندازه کافی در رسانه‌ها منعکس هم کرده. اما این بار قضیه خیلی بوی بدی می‌دهد. در خاک آمریکا اتفاق افتاده.

علی خداپناهی: داستان دائماً تخیلی‌تر و جهانی‌تر می‌شود. آرژانتین هم اضافه شد! «العریبه: جزئیات بیش‌تری از

طرح ترور سفیر سعودی در آمریکا منتشر شد.» [+]

هوانگ دی: سخنگوی وزارت دفاع آمریکا هر گونه اقدام نظامی را رد کرد و گفت آنچه باید انجام شود قبلاً صورت گرفته و یکی از متهمین دستگیر شده است.

بهر روز کلورزی: البته مسئولان ما استاد تصمیمات غلط در رابطه با سیاست داخلی هستند اما در مورد سیاست خارجی همین مان مانده که ادامه دهنده راه اسامه بن لادن باشیم و همان راهی را برویم که القاعده رفته. باید دید هدف آمریکائی‌ها از این کشف و رسانه‌ای کردنش چیست. می‌دانم استاد سخت پیگیر این قضیه هستند و منتظر نظریات ارزشمند ایشان می‌مانیم.

علی خداپناهی: با این ابعادی که برای این قضیه تراشیده‌اند بعید به نظر می‌رسد کار ایران باشد. بیش‌تر به یک توطئه شبیه است. کار آنقدر ساده گرفته شده که مأمور مبارزه با مواد مخدر آمریکا را از قاچاقچی یک باند تبهکار تشخیص نداده‌اند؟ قضیه شبیه اعترافات آن به اصطلاح جاسوسی است که در پرونده علی محمدی دستگیر کردند! آنجا ویندوز قرمز بود و اینجا کارتل زتاس!

امیر صادقی: به نظر می‌آید که همه گروه‌های آمریکایی موافق سناریوی اتهام به ایران نیستند. حتی این سناریو نتوانسته بر افکار عمومی آمریکا تأثیر چندانی بگذارد. کریستین ساینس مانیور: «چرا توطئه ترور ایران برای کارشناسان ایرانی قابل قبول نیست.» [+] جوان انلاین: شبکه تلویزیونی روسیالیوم گفت: اتهام جدید واشنگتن می‌تواند بازی سازمان اطلاعات آمریکا برای تحریک عربستان به خرید سلاح باشد. «یکی از این قراردادها، قراردادی به ارزش شصت میلیارد دلار است که از چند ماه پیش به حال تعلیق درآمد.» [+]

خبر جدید: وزارت دفاع اسرائیل به صورت رسمی از دولت مصر به خاطر قتل ۶ نظامی مصری عذرخواهی کرد. [+]

نوروز حسینی: نکات کلیدی در عملیات ترور. [+] پرونده ایران به شورای امنیت می‌رود. [+]
مال فیر: به این فکر می‌کردم که گیریم آمریکا و متحدانش نقشه‌ای کشیده باشند برای در فشار قرار دادن ایران. سؤال: آیا کشورهایی که دستخوش انقلاب هستند می‌پذیرند که این گونه ایران مورد هجوم قرار بگیرد و آن‌ها ساکت باشند، با توجه به این که مطمئن خواهند بود که بعد به سراغشان می‌روند؟

نوروز حسینی: جناب مال فیر عزیز، نمی‌دانم زمان انقلاب یادتان هست یا خیر؟ آنقدر مشکل داشتیم که اگر دنیا را هم آب می‌برد نمی‌توانستیم کاری انجام دهیم. صدام که حمله کرد تا مدت‌ها دور خود می‌چرخیدیم! بنابر این، کشورهایی که درگیر هستند، مثل مصر و لیبی و...، همین وضعیت را دارند. چیزی که دنیا می‌بیند (و یا قرار است ببیند) این است که ایران در خاک آمریکا در عملیات تروریستی دست داشته است و خوب، آمریکا هم با هیچ کس شوخی ندارد!

دوستی در بالا به کلمه "نگون‌بخت" ایراد گرفته بودند که استاد هم لطف کردند یادآوری کردند که منظور خاصی نداشته‌ام. ایضاً دور خود چرخیدن در ابتدای جنگ نیز از همین مقوله است.

امیرحسین فتوحی: مسئله عملیات تروریستی بهانه‌ای برای جنگ نیست. می‌خواهند فضای افکار عمومی را برای جنگ بسنجند اما این یعنی آغاز یک برنامه یک ساله برای شروع جنگ. سکوت اسرائیل از همه جالب‌تر است. باید ساکت بماند تا عرب‌ها علیه ایران متحد شوند. واکنش ایران هم [...] بوده. خیلی زود جواب‌های فوری دادند با ادبیاتی که من نمی‌دانم فرق یک چوپان و وزیر چیست؟

احسان ایرانی: حرف‌هایی مثل هالیوودی یا طراحی بچه‌گانه و امثالهم در اصل قضیه فرقی نخواهد داشت. ادعایی شده و ادعا هم می‌شود که همه مدارک را در دست دارند. به جای وارد شدن به ادبیات این چنینی باید در داخل ایران قضیه را پیگیری کرده و متوجه شوند که واقعیت قضیه کدام است. بدون دلیل من ذهنم به جریان انحرافی می‌رود. این‌ها از صد تا بمب اتمی برای ایران ضررشان بیش‌تر بوده و اصلاً چیز عجیبی نیست که خودشان این پروژه را به اینجا برسانند و قضیه را لو بدهند و مدارک کاملاً مکفی در اختیار طرف خارجی قرار دهند. از این آقایان این مسئله خیلی بعید است؟ همین چند وقت پیش عرض نکردم که این‌ها لازم باشد برای به حاشیه بردن قضیه اختلاس، ترور و امثالهم را انجام خواهند داد، گو این که این مسئله ماه‌ها پیش "رونمایی" شده. اما غرضم این است که این‌ها این مقدار افراد "وطن‌پرستی" هستند. همین الان هم سخنگوی آمریکایی در رادیو فردا که صحبت می‌کند، به صورت واضحی حمله نظامی به ایران را منتفی ندانست. [...] به جای حرف‌های بی‌مصرف که آقا جان، هالیوودی است،

آقا جان، بچه گانه است، باید حاکمیت ایران با قاطعیت این مسئله را پیگیری کند و ریشه این خودسری‌ها را بسوزاند. من کاملاً معتقدم که اسرائیل پشت قضیه می‌تواند باشد، به چه صورتی؟ نفوذی‌های اسرائیل (که از صد تا مثل من و شما بیشتر دم از اسلام و مسلمین می‌زنند) یک عملیات مسخره‌ای را طراحی کنند و خودشان لو بدهند. شکر خدا حاکمیت هم که چهار تا شعار توخالی داده شود خوش خوشانش می‌شود. اگر به این وطن علاقه‌ای هست در حاکمیت، باید این قضیه را پیگیری کند.

ساعت ۸:۱۹ صبح پنجشنبه، ۲۱ مهر ۱۳۹۰ / ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: دوستان ارجمند، یادداشت جدیدم درباره ماجرای اخیر منتشر شد. اگر کامنت‌ها ذیل یادداشت جدید درج شود شما و بنده راحت‌تر خواهیم بود. با سپاس فراوان. [متن مقاله با عنوان «موساد، نئوکان‌ها و ایران: جنگ جدید در خاورمیانه یا رسوایی بزرگ در آمریکا؟» منتشره در ساعت ۸ صبح پنجشنبه، ۲۱ مهر]

رفتارهای عجیب جدید اسرائیل: پس از تفاهم با حماس بر سر آزادی جلعاد شلیط، وزیر دفاع اسرائیل رسماً از دولت مصر به خاطر کشته شدن شش پلیس مصری عذرخواهی کرد. [۱] از سوی دیگر، شاهد مصاحبه صادق زیباکلام بودیم درباره ضدیت ایران با اعراب و کینه جنگ قادسیه که منشاء نفرت ایرانیان از اعراب است و حتی اهل تسنن ایران را غیرایرانی قلمداد کردن. به نظر می‌رسد این یک رویکرد استراتژیک است: کاهش دشمنی اسرائیل با اعراب و در مقابل برافراشتن پرچم جنگ عرب و عجم.

آرش رازانی: به نظر می‌رسد رفتارهای دولت اسرائیل در چارچوب توافق با طرح ابومازن و کاهش تنش در منطقه پیش می‌رود. این حرکات در مسیر کنترل روحیات انقلابی در مردم منطقه و موازی با آن تقویت تبلیغاتی، و نه منجر به عمل، خطر ایران و تقویت ناسیونالیسم عربی بر ضد آن است. به هر حال اگر جلوی ضربه کاری را نمی‌توان سد کرد باید آن را منحرف نمود.

آلن مدس: متأسفانه نظر شما درست است. چه دلیلی باعث شد که زیباکلام این گونه مصاحبه کند؟ جواد نادری: رسانه‌ای شدن این موضوع در چند بعد باید بررسی شود: اول، آیا این یک تصفیه حساب داخلی بوده است و جناح‌های حاکم در داخل کشور برای تضعیف یکدیگر این هیاهو را بدون در نظر گرفتن عواقب آن رقم زده‌اند؟ یا این که یک طرح آمریکائی-اسرائیلی برای آغاز جنگ دیگر در خاورمیانه با منافع سرشار اقتصادی و اهداف بلند مدت سیاسی است؟ هرچند که تلفیق این دو هم می‌تواند باشد. [...]

در این ماجرا سکوت عربستان و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس، که دنباله‌رو عربستان هستند، عجیب است. اعلام این ماجرا آن هم در آستانه حج و شلوغ بودن اوضاع منطقه عربی، که الان بیش‌تر حول مرزهای عربستان سعودی است مانند بحرین و یمن و سوریه و حتی در خود عربستان، هضم آن را برای دولت‌مردان سعودی هم سنگین کرده و آن‌ها هنوز گیج‌اند که چه عکس‌العملی نشان بدهند که منافع و اوضاع داخلی کشورشان بهم نخورد. [...]

مهری شارکنی: به نظر می‌رسد اخطار جدی آمریکائیان وجدان به خواب رفته ایرانیان را تکان داد. خوب است که هموطنان از سفر به کشورهای عربی چند ماهی بپرهیزند. کشورهای اصلی عضو ناتو بر خاورمیانه تمرکز دارند و منطقه به بشکه باروت تبدیل شده.

نوروز حسینی: طرح ابومازن، تبادل اسرا، سکوت اسرائیل و عذرخواهی از فلسطین نشان از برنامه‌ای برای انتقال تشنج خاورمیانه از منطقه سابق به منطقه جدید دارد.

علی خداپناهی: سلام استاد. مقاله جالبی است که امیدوارم با ادامه مباحث کامل شود.

شب گذشته برایم جالب بود که وقتی حتی «اورونیوز» با دیده تردید به کل ماجرا می‌نگرد علیرضا نوری‌زاده با جدیت تمام تلاش می‌کرد به همه بقبولاند که این ماجرا کار ایران است و با چنان یقینی حرف می‌زد که گویا در بطن تحقیقات قرار دارد. سعی می‌کرد دیپلمات عرب [عادل الجبیر] را چنان محوری و کلیدی برای عربستان تعریف کند که فقدانش ضربه بزرگی برای عرب‌ها محسوب شده و توجیه عملیات ایران باشد. و البته در پایان پرده را کنار زد و از اعمال زور آمریکا به عنوان تنها راه حل ایران سخن به میان آورد.

شبکه فرانس ۲۴ هم دائم دو جمله را زیرنویس می‌کرد: اولی از قول آمریکا و دومی از عربستان که هیچ گزینه‌ای از روی میز حذف نشده و ایران باید بهای این را بپردازد.

جیسون لطفی: به لینک‌های زیر هم نگاهی کنید. سی ان ان: «برخی تحلیل‌گران به طرح ترور ادعایی ایران مشکوک‌اند.» [+] العربیه: «شاهزاده ترکی الفیصل: کسی در ایران باید هزینه توطئه ترور سفیر را پرداخت کند.» [+] اسرائیل هم به شدت تلاش می‌کند اذهان عمومی اعراب را به سوی خود بکشد. آزادی ۱۰۲۷ اسیر فلسطینی و حالا عذرخواهی از مصر که خواست اشغال‌کنندگان سفارت اسرائیل در قاهره بود.

احسان ایرانی: به این ویدئوی سخنان حسن رحیم‌پور ازغدی هم توجه شود که در «یوتیوب» وسیع پخش شده. می‌گوید: «باید آماده عملیات جهانی بشویم. در قلب اروپا... انقلاب اسلامی بین‌المللی شد و صادر شد. یک جهاد بین‌المللی را برای ظهور باید فراهم کرد و از هیچ کس هم نباید ترسید. تنش‌زدایی یعنی چی؟ آماده باید بشویم برای یک نبرد جهانی. بچه‌های عملیات و تخریب باید آماده بشوند.» [+]

شهبازی: دوستان، کامنت‌های ذیل لینک خوب جناب جیسون لطفی را بخوانید. گزارش سی ان ان با این عنوان «برخی تحلیل‌گران به توطئه ادعایی ایران مشکوک‌اند.» [+] احسنت به رضا سیاح نویسنده این گزارش در سی ان ان. سیاح عالی شروع کرده: «آیا یک شاخه نخبه نظامی ایران یک ایرانی-آمریکایی ۵۶ ساله زن طلاق داده فروشنده ماشین‌های دست دوم در تکزاس را انتخاب می‌کند تا از طریق یک کارتل مواد مخدر مکزیکی «هیت من» [آدمکش حرفه‌ای] استخدام کند برای قتل سفیر عربستان سعودی از طریق منفجر کردن بمب در یک رستوران شلوغ در واشنگتن؟»

احسان ایرانی: برخوردهای احتمالی آمریکا در سه سطح می‌تواند پیش‌بینی شود: ۱. تحریم کامل نفتی ایران، تحریم بانک مرکزی و تحریم واردات و صادرات از بنادر و فرودگاه‌های ایران، ۲. تحریم هوایی ایران به صورتی که فضای ایران کلاً زیر نظارت ناتو باشد و هیچ هواپیمایی (نظامی یا غیرنظامی) حق پرواز نداشته باشد، ۳. برخورد نظامی با ایران. هر کدام از این سه سطح برخورد شامل زیر سطح‌های مختلف می‌تواند باشد. به نظر می‌رسد اگر نتوان طی چند روز آینده ورق را برگرداند، سطح اول برخورد با ایران حتمی است و سطح دوم از برخورد شاید ۶۰ درصد محتمل. این‌ها همه مقدمه‌ای است برای برخورد در سطح سوم.

با جناب خدایانه‌ی موافقم که احتمالاً شورای امنیت زیر فشار آمریکا درخواست تحویل پنج تن اعلام شده فرماندهان سپاه قدس را خواهد کرد برای محاکمه و چون ایران موافقت نخواهد کرد سطوح برخورد با ایران، که در بالا ذکر شد، پشت سر هم اجرا خواهد شد. مگر آن که بتوان ورق را برگرداند.

شهبازی: فضای امروز فضای یازده سپتامبر نیست. دستگاه دیپلماسی ما اگر، اگر توانمند باشد، به سادگی می‌تواند وارد بحث‌های جدی رسانه‌ای شود و اسرائیل را مسئول این صحنه‌سازی معرفی کند و نئوکان‌ها و «مجتمع نظامی-صنعتی» که در پی ایجاد جنگ جدید هستند.

در بحث علمی و آکادمیک و تلویزیونی خیلی حرف‌ها می‌شود برای آمریکائیان گفت. مقامات وزارت خارجه اعلام آمادگی کنند برای مناظره در سی ان ان یا شبکه پربیننده دیگر با هر مقام آمریکایی. روی «مجتمع نظامی-صنعتی» انگشت بگذارند. این روش در افکار عمومی آمریکا تأثیر زیاد دارد: «یک درصدی» که از طریق جنگ‌افروزی سالیانه حدود یک تریلیون دلار از بودجه سه و نیم تریلیونی دولت آمریکا را می‌بلعند. می‌توان در مناظره تلویزیونی اهداف سعودی‌ها و همدستی آن‌ها با نئوکان‌ها را افشا کرد. مگر بن لادن مولود آمیزش مجتمع نظامی صنعتی با خاندان آل سعود نیست؟ از طریق جنگ رسانه‌ای و با روش‌های معقول خیلی کارها می‌شود کرد و دست نئوکان‌ها و لابی‌های جنگ‌طلب را افشا کرد. افسوس که هر چه می‌خوریم از داخل است. [...] من فکر می‌کنم خیلی از ایرانی‌تبارهای باشرف مقیم آمریکا این کمپین علیه نئوکان‌ها را شروع کنند. ربطی به خط و ربط سیاسی ندارد. نمونه‌اش همین مقاله آقای رضا سیاح در وبگاه سی ان ان.

علی خدایانه‌ی: گویا رستوران مذکور در نزدیکی کنگره آمریکا قرار دارد و پاتوق تعدادی از نمایندگان کنگره آمریکا نیز هست. سؤال اینجاست که در صورت انفجار این محل یقیناً چند نفر از نمایندگان کنگره آمریکا هم کشته می‌شدند اما در هیچ کدام از حرف‌های مقامات آمریکا چنین مطلبی بیان نمی‌شود و فقط به سفیر سعودی پرداخته می‌شود! یعنی جان ایشان از جان «کنگرس‌من»‌های آمریکا عزیزتر است؟

احسان ایرانی: جناب خدایانه‌ی، اتفاقاً در متنی که منتشر شده به این نکته اشاره می‌شود. گویا طرف مکزیکی

می‌گوید که انفجار در این رستوران موجب قتل صد یا صد و پنجاه نفر خواهد شد از جمله تعدادی از نمایندگان کنگره. در ادامه ادعا می‌شود که طرف ایرانی گفته ایرادی ندارد.

علی خدایپناهی: این بحثی که فرمودید تنها از آن جهت مطرح می‌شود که شقاوت و سنگدلی ایرانی‌ها را نشان دهد. اشاره مستقیم به هویت قربانیان نیست. مثل همان تصاویری که از سر بریدن طالبان پخش می‌شد تا توجیه برخورد سخت و خشن باشد.

احسان ایرانی: ضمن تأیید فرمایش شما، لحظه‌ای شک نکنید که همه این داستان‌ها از داخل ایران آب می‌خورد. قبلاً عرض کردم و باز هم عرض می‌کنم که این "گروه انحرافی" را دست کم نگیرید. مدرکی چیزی دستان نیست که اصل قضیه را بدانیم اما در همین صفحه چند هفته پیش عرض کردم که هر لحظه این آقایان به راحتی می‌توانند کاری کنند کارستان که همه ماست‌ها را کیسه کنند.

علی خدایپناهی: صدای آمریکا دیشب صدای افرادی را پخش می‌کرد که از آمریکا تقاضای حمله به ایران می‌کردند. گوینده ادعا می‌کرد که این‌ها از داخل ایران هستند.

شهبازی: به کامنت‌های سی ان ان ذیل مطلب رضا سیاح توجه کنید. یکی نوشته: «به نظر من این شبیه به کارهای موساد است که می‌خواهد آمریکا را وارد یک جنگ به نفع اسرائیل بکند.» دیگری جواب می‌دهد: «ممکنه کار موساد باشه. موساد میتونه از این کارا بکنه بدون این که ردی بر جا بذاره.» یکی دیگر: «این کار موساد است برای انتقال پول از جیب ما به جیب یهودی‌ها.»

این هم نظر رابرت بائر، تحلیل‌گر ارشد سابق سیا، که گفته است: «اتهاماتی که مقام‌های آمریکایی مطرح کرده‌اند همگی از اعتراف‌های منصور ارباب سیار فرد ایرانی - آمریکایی مقیم تگزاس آمریکا به دست آمده است. او اعتراف کرده که با سپاه قدس همکاری کرده و مقام‌های آمریکایی هم آن را تکرار می‌کنند! اطلاعات ثبت شده در اداره پلیس نوسس تگزاس نشان می‌دهد که منصور ارباب سیار در سال ۲۰۰۱ به اتهام سرقت محکوم و بازداشت شده است. همچنین چند مورد خلاف دیگر از جمله رانندگی بدون گواهینامه در پرونده‌اش دیده می‌شود. اثر چاقو روی گونه سمت چپش نیز در اثر درگیری است. همچنین منصور ارباب سیار در سال ۲۰۱۰ و پس از ۲۹ سال زندگی در آمریکا برای اقامت به ایران برمی‌گردد و به همین منظور در مدت مذکور سفرهای متعددی بین دو کشور انجام می‌دهد. آیا سپاه قدس آنقدر احمق است که با یک محکوم و سابقه‌دار همکاری کند؟! یا مهره اصلی یک نقشه برنامه‌ریزی شده اندک زمانی پیش از اجرای عملیات مرتب به ایران سفر می‌کند تا خود را لو دهد؟! یا به حساب بانکی‌اش از خارج از کشور پول واریز می‌شود تا آمریکایی‌ها او را شناسایی کنند؟!» [+]

شانی ایرانی: آینده نیوز: «چرا باید از سناریوی ترور سفیر عربستان نگران باشیم؟» [+]

خریده‌های نظامی سعودی

امین روستاپور: ترکی فیصل، شاهزاده سعودی، گفته بود: «در صورت تن ندادن تهران به مطالبات ما برای ساخت سلاح هسته‌ای دست به کار خواهیم شد.»

عربستان در همین اواخر خریدهای نظامی سنگینی از آمریکا و آلمان و سایر کشورها انجام داده. رژیم سعودی علاوه بر خرید ۲۰۰ فروند بالگرد جنگی از آلمان، حدود ۹۰ میلیارد دلار نیز از آمریکا هواپیماهای جنگی خریداری کرده است. مبلغ قرارداد قبلی نظامی میان آمریکا و عربستان سعودی به میزان ۶۰ میلیارد دلار برای فروش ۷۰ هلی کوپتر سیکورسکی UH-60 و ۶۰ فروند آپاچی لانگبو ظرف مدت ۱۰ سال آینده افزایش یافته است. ارزش قرارداد فروش ۷۰ هلی کوپتر سیکورسکی UH-60 و ۶۰ فروند آپاچی لانگبو آمریکا به عربستان سعودی ۳۰ میلیارد دلار برآورد شده. این قرارداد جدید پس از قرارداد ۳۰ میلیارد دلاری که شامل فروش ۸۴ فروند اف ۱۵ بود اعلام شد. تمام این خریدهای کلان به دنبال خریدهایی است که قبلاً رژیم سعودی انجام داده است. مثلاً در دسامبر ۲۰۰۵ مقامات نظامی عربستان سعودی اعلام کردند به خرید ۷۲ فروند جت جنگنده تایفون یوروفایتر از بریتانیا به ارزش بیش از ۱۰ میلیارد دلار اقدام کرده‌اند. در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ نیروی هوایی عربستان سعودی دو فروند هواپیمای جنگنده تایفون از بریتانیا دریافت کرد. هواپیماهای تحویل

داده شده بخشی از یک سفارش عظیم بود که شامل ۷۲ فروند جنگنده تایفون است. نیروی هوایی عربستان پس از نیروی هوایی آمریکا و ژاپن بیشترین تعداد جنگنده F15 را داراست. دولت آلمان هم به تازگی ۲۰۰ تانک لئوپارد ۲ به عربستان سعودی فروخت به ارزش یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون یورو.

به هر حال باید بولی که از چاه‌های نفت عربستان خرج می‌شود به رونق کسب و کار «مجتمع نظامی-صنعتی» منجر شود. این همه سلاح خریداری شده بالاخره باید جایی مصرف شود. هیچ زمان بهتر از الان برای راه انداختن یک جنگ تمام عیار بین ایران و عربستان نبوده است. مسئله بحرین و نفوذ و حمایت ایران از مخالفان دیکتاتور بحرین، جنگجویان الحوثی و زیدی یمن، تنش بین حزب‌الله و جناح سعد حریری در لبنان، آغاز جنگ مذهبی در خاک هم‌پیمان استراتژیک ایران، سوریه، همه و همه و خیلی دلایل دیگر مؤید این است که سناریوی ایجاد یک جنگ تمام عیار بین شیعه و سنی در منطقه ما کلید خورده است.

حدیدچی: باید در ادامه این سناریو منتظر ماجراجویی [در داخل ایران] هم باشیم. [...] مال فیر: معتقدم در این شرایط حاد باید بیش‌تر صبور بود و به تحلیل‌های بزرگان گوش داد. آب را گل نکنیم. جناب شهبازی، در این زمان احتیاج به شما بیش‌تر و تحلیل‌های‌تان بیش‌تر باید خریدار داشته باشد. آرزومندم که وزارت خارجه ایران به حرف‌های‌تان گوش دهد.

احسان ایرانی: جناب مال فیر گرامی، احتمالاً این پاپوشی است برای ایران که عوامل داخلی و "گروه انحرافی" نقشی مؤثر در آن داشته‌اند و مدارک کامل در اختیار طرف آمریکایی قرار داده‌اند و گرنه دولت آمریکا کنفرانس مطبوعاتی با حضور دادستان و چند وزیر برگزار نمی‌کرد. اما یک سؤال دارم: اگر در بحث و مصاحبه دیپلمات‌های ایرانی در سی‌ان‌ان، خبرنگار خارجی وسط صحبت و افشاجری دیپلمات ایرانی صحبت وی را قطع کرده و سوال کند: دولت ایران به چه عنوانی مردم [...] این دیپلمات چه باید جواب دهد؟ یادتان باشد که دیپلمات ایرانی آنجا حضور دارد که جلوی دروغ‌گویی آمریکایی‌ها را بگیرد.

مانا تبریزی: سی‌ان‌ان: پنج دلیل برای شک به اتهام وارده بر ایران: یک، اتهام وارده با مدل کارهای ایران متفاوت است؛ دو، در مقایسه با سود احتمالی ایران چیزهای بیش‌تری از دست می‌دهد؛ سه، اهداف بسیار آسان‌تری برای ایران وجود دارد؛ چهار، موقعیت ایران نسبت به گذشته تقویت شده و در موقعیت خطرناکی نیست که مجبور به اقداماتی از این دست باشد؛ پنج، نقشه مطرح شده پر از اشکالات واضح است. [+]

صداهایی چنین خطرناک از داخل شنیده می‌شود: «حسن عباسی: تروریسم مقدس است.» [+]
هوانگ دی: [...] تا ۲۵ اکتبر، که جلسه دادگاه بدوی [منصور ارباب سیر] برگزار می‌شود باید منتظر ماند. تا آن زمان هم سیاسیون به جنجال خود ادامه خواهند داد. [...]

علی خدایپناهی: «جهان نیوز- سناریوی مضحک آمریکا ارزش پاسخ هم ندارد. [محمد کوثری] عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفت: سناریوی اتهام‌زنی آمریکا علیه ایران بیش‌تر در جهت انحراف افکار عمومی مردم آمریکا و ملت‌هایی است که در منطقه دست به انقلاب زده‌اند.» [+]
کمیسیون امنیت ملی! احوال این قوم از دو حال خارج نیست: یا خوابیده‌اند یا خود را به خواب زده‌اند! [...]

جعفر ناصر: آینده نیوز: «چرا باید از سناریوی ترور سفیر عربستان نگران باشیم؟» [+]
محمد کریم عابدی، نماینده اصول‌گرای مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی، گفت: «جمهوری اسلامی امروز در دل تل‌آویو و نقطه نقطه رژیم اشغال‌گر قدس نیروهایی اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی دارد که هر زمانی که مأموریت‌شان فرا برسد رسالت خود را اجرا می‌کنند.»

این از نماینده مجلس که در واقع حرف‌های وزیر اطلاعات را در همین زمینه‌ها تکرار کرد. حالا برویم سراغ شورای عالی انقلاب فرهنگی و از قول رحیم‌پور ازغدی عضو این شورا بخوانیم:

«... باید آماده عملیات جهانی بشویم. در قلب اروپا... انقلاب اسلامی بین‌المللی شد و صادر شد. یک جهاد بین‌المللی را برای ظهور باید فراهم کرد و از هیچ کس هم نباید ترسید. تنش‌زدائی یعنی چی؟ آماده باید بشویم برای یک نبرد جهانی. بچه‌های عملیات و تخریب باید آماده بشوند...» [...]

مهدی ایرانی: من یک سؤال از جناب شهبازی دارم. آیا واقعاً فکر می‌کنید در یک برنامه تلویزیونی می‌شود از اتهامات علیه ایران دفاع کرد؟ اعتمادسازی و رفع اتهام یک فرایند یک ساعته در برنامه تلویزیونی نیست، یک فرایند

چند ساله است که یک کشور و مسئولان آن در پیش می‌گیرند. خودمان را جای یک کارشناس خارجی بگذاریم که از بیرون مسائل ایران را تحلیل می‌کند. ایران و حکومتش را چگونه می‌بینیم؟ [...] آیا واقعا انتظار دارید با یک ساعت برنامه تلویزیونی ایران از تمام اتهامات تبرئه شود؟

جعفر ناصر: ادعای این نماینده مجلس و عضو کمیسیون امنیت ملی را چگونه باید تفسیر کرد؟ آیا اگر دادستان یک دادگاه در اروپا یا آمریکا این سخنان را به عنوان مدرک علیه مقامات ارشد جمهوری اسلامی عنوان کند چه پاسخی باید داد؟ آیا می‌شود گفت که این افراد، با این افکار و ادعاها، ایرانی نیستند یا دروغ می‌گویند یا افراد بی‌مسئولیت هستند؟ به اعتقاد من باید در این زمینه مداخله کرد و هر چه زودتر جلو این ماجراجویی‌های افراد بی‌مسئولیت را سد کرد.

مهدی ایرانی: هدف من از گفتن این‌ها گشودن عقده‌ها و گفتن درد دل‌ها نیست، منظوم این است که نمی‌توان اینطور خودسرانه در عرصه بین‌المللی رفتار کرد. این رفتارها آسیب‌پذیری یک کشور را بالا می‌برند. اگر می‌خواهیم چنین اتهاماتی به ما وارد نشود باید قدری معتدل‌تر و حساب‌شده‌تر در مسائل بین‌المللی وارد شد. [...] کم کم به همه ما ثابت خواهد شد که رفتار ناشیانه در عرصه داخلی و بین‌المللی تا چه حد می‌تواند خطرناک باشد.

شهبازی: جناب مهدی ایرانی، در مناظره که یکدیگر را محاکمه نمی‌کنند. منظوم مناظره در یک موضوع مشخص یعنی اتهام ترور بود. من اگر جای وزیر امور خارجه بودم، که فارغ‌التحصیل ام. آی. تی. است و مسلط بر فرهنگ آمریکایی، اریک هولدر را به مناظره در پیرامون این اتهام دعوت می‌کردم و تأکیدم را می‌گذاشتم بر کانون‌هایی که از جنگ سود می‌برند. فیلم Candian Bacon مایکل مور که یادتان است؟ منظوم این است که جای یک اندیشمند ورزیده و مسلط بر فرهنگ آمریکایی خالی است که در مناظره تلویزیونی مهمات اریک هولدر و اف. بی. آی. را هو کند. جای آدمی مثل ادوارد سعید خالی است.

ترور یک نماینده دیگر آیت‌الله سیستانی. چه خبر است؟ می‌خواهند با منطقه چه کنند؟ [+]

علی خداپناهی: انگلیس هم به صحنه آمد. العربیه: «وزیر خارجه انگلیس: امنیت ایالات متحده آمریکا امنیت ما است.»

[+]

این انفعال خودخواسته دستگاه امنیتی و مصاحبه‌های اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس را، که طبعاً سابقه و تجربه کار اطلاعاتی - امنیتی دارند، چگونه تفسیر می‌کنید؟ آیا این بی‌حرکی نتایج خطرناکی در پی ندارد؟ جهان نیوز هم، با آن سابقه و خط و ربط مشخص، زبان به انتقاد از صالحی گشوده که چرا از عربستان حمایت می‌کنید، آن‌ها وهابی هستند. (نقل به مضمون): «جهان نیوز - عربستان را در آغوش نگیرید آقای صالحی!» [+]

آمریکا و مشخصاً دولت اوباما بازی خطرناکی را شروع کرده‌اند که راه پس ندارد. اگر از مواضع و گفته‌های خود قدمی عقب بگذارند باید فاتحه کاخ سفید را بخوانند ضمن این که در صورت عقب‌نشینی آن‌ها ایران در عرصه بین‌المللی دست بالا را خواهد داشت. این نکات است که نگرانی را تشدید می‌کند. یعنی آن‌ها این بار نیامده‌اند که بروند. چه برای انحراف افکار عمومی درونی خودشان چه به نفع کارتل‌های تسلیحاتی و چه از جهت ایستادگی در برابر جمهوری خواهان، که آن‌ها را به اهمال و سستی در قبال ایران متهم می‌کنند، اوباما باید یک حرکت اساسی انجام دهد. درگیری با ایران؟

جواد نادری: در مسخره بودن این قضیه شکی نیست ولی در دنیای وحشی زورمندان فقط حرف زور می‌زنند و فقط به دنبال بهانه هستند. تقریباً اکثر تحلیل‌های شبکه‌های خبری عربی و عربی‌زبان مثل BBC عربی حول حمله رسانه‌ای به ایران و آماده کردن افکار عمومی منطقه است. حتی امروز BBC عربی نقل می‌کرد که آمریکا اسناد این ماجرا را برای اکثر سفارتخانه‌های خود فرستاده تا مقامات کشورها را متقاعد کند که این یک اقدام تروریستی از طرف ایران است. متأسفانه با این دستگاه دیپلماسی منفعل و نابسامانی که داریم امیدی به تحرک قابل توجه در آن نمی‌رود زیرا اکثر دلسوزان کشور و نظام را به بهانه بازنشستگی خانه‌نشین کرده یا از گردونه فعالیت مهم سیاسی خارج و به انزوا کشانده‌اند.

کارتل‌های ایرانی و مکزیکی مواد مخدر: نظر قابل تأمل خوان کول

شانی ایرانی: «آیا کارتل ایرانی مواد مخدر در طرح ترور سفیر سعودی دست داشت؟» عنوان مطلبی است در رادیو فردا بنقل از خوان کول:

«در صورتی که ارباب سیار به راستی رابط مأموران ایرانی بود، باید می‌دانست که آمریکایی‌ها در مبارزه با پول‌شویی حواس‌شان در مورد نقل و انتقال پول بیش‌تر از ده هزار دلار به طور طبیعی جمع است. تنها راه امن انتقال چنین مبلغی پول نقد بود و کسی در سپاه قدس آن قدر ابله نیست که از این امر ساده خبر نداشته باشد. از این گذشته آیا می‌شود باور کرد که سپاه قدس تمام مأموریت را روی دوش کسی بگذارد که سوءپیشینه‌ای هم در کلاه‌برداری دارد و طبعاً مورد ظن مقام‌های آمریکایی بود؟... احتمال نزدیک به یقین را می‌توان در گزارش خبرگزاری بلومبرگ در روزنامه سانفرانسیسکو کرونیکل یافت. بنا به این گزارش و به نقل از یک مأمور فدرال، ارباب سیار به خبرچین [سازمان مبارزه با مواد مخدر آمریکا: دی. ای. ا.] گفته است که امر طرح ترور سفیر سعودی در کار قاچاق مواد مخدر دست دارد و می‌تواند خروارها مواد مخدر مورد نیاز را تأمین کند.

Drug Enforcement Administration (DEA)

به سخن دیگر، احتمالاً صاحب‌کار ارباب سیار یعنی غلام شکوری در کنار کار رسمی روزانه‌اش در سپاه قدس یک کار دوّم هم دارد و آن نقل و انتقال مواد از افغانستان و از طریق ایران به کشورهای غربی است. نزدیک به نیمی از هروئین و تریاک افغانستان از طریق ایران صادر می‌شود.

در این صورت خیلی طبیعی است که عاملان ایرانی قاچاق برای اجرای نقشه ترور سفیر سعودی دست به دامن همکاران مکزیکی‌شان شده باشند. در صورتی که اگر حکومت ایران چنین نقشه‌ای در سر داشت احمقانه بود که خود را به گانگسترهای مکزیکی نشان دهد...

خوان کول در پایان تحلیل خود می‌نویسد: من با رابرت بائر هم رأی هستم که کار خیلی ناشیانه‌تر از آن بود که بشود آن را به حکومت ایران نسبت داد. [+]

[در ترجمه یادداشت خوان کول، بنقل از «رادیو فردا»، اصلاحات مختصری انجام شد. شهبازی]

شهبازی: خوان کول محقق خوبی است و در مسائل سیاسی روز آمریکا مواضع خوبی دارد. مدتی بهائی بود ولی اکنون گویا پیوندش را با آنها قطع کرده. برخلاف مواضع لابی قدرتمند بهائیان آمریکا، منتقد جدی سیاست‌های نتوکان‌هاست. اصل مطلب در وبگاه شخصی خوان کول این است:

Juan Cole, "Is an Iranian Drug Cartel Behind the Assassination Plot against the Saudi Ambassador?" [+]

ببینید سایت مجله فارین پلیسی در صفحه اول چند مطلب درباره ایران درج کرده. [+]

ضمناً، نام این آقا باید «ارباب سیر» (سیر: جمع «سیره») باشد نه «ارباب سیار» که رواج یافته. اگر «سیار» بود در گذرنامه و مدارکش به این شکل می‌نوشت: Arbab Sayyar نه Arbabsiar.

نوروز حسینی: تیتیر مقاله: «آیا اکنون کسی شک دارد ایران یک کشور تروریست است؟» [+]

فضاسازی‌ها به شدت شروع شده است.

رضا هو: سفیر عربستان در تهران: «موضع رسمی ریاض پس از تکمیل تحقیقات اعلام خواهد شد.»

نوروز حسینی: وزیر خارجه عربستان سعودی در اولین واکنش به ادعای آمریکا مبنی بر وجود طرح ترور سفیر این کشور در واشنگتن به دست دو ایرانی تأکید کرد که ریاض مقابله به مثل می‌کند. وی در خصوص نحوه مقابله به مثل توضیحی نداد. [+]

رضا هو: بعد از مبادله اسرا بین حماس و اسرائیل، روزنامه *المصری الیوم* از مبادله ایلان گرابیل جاسوس اسرائیلی در مصر با ۸۱ اسیر مصری خبر داد. [+]

علی خدایانه‌ی: این هم موضع کانادا.

سخنگوی دولت استفان هارپر، نخست وزیر دولت فدرال کانادا، روز سه‌شنبه گفت این توطئه ترور بار دیگر نیاز به تدابیر جدید علیه تروریسم را آشکار ساخت. این مقام دولت کانادا خاطر نشان کرد: «کانادا این حمله برنامه‌ریزی شده برای ترور سفیر عربستان در خاک ایالات متحده را، که به باور دادستان کل این کشور با

حمایت و کارگردانی ایران صورت گرفته، محکوم می‌کند. این امر یادآور تلخی است که برای مبارزه با فعالیت‌های تروریستی به هوشیاری مستمر نیاز است. این اعمال باید عزم جمعی ما را برای محدود کردن شبکه تروریست‌ها و دارایی‌های آن‌ها راسخ‌تر کند.» [+]

علی خدایپناهی: اسرائیلی که به دنبال صلح است و ایرانی که همسایه‌هایش را هدف حمله قرار می‌دهد. این هم خبر جدید العربیه: «ایران هفت راکت به سوی ولایت نیمروز افغانستان پرتاب کرد.» [+]

واکنش افکار عمومی آمریکا

شهبازی: همه جا در کامنت‌ها بحث داغ است و جالب است که در همه جا بحث مוסاد جدی است. در همین فارین پالیسی این کامنت را ببینید. یکی نوشته: «این شبیه عملیات پیشرفته و حرفه‌ای مוסاد است تا توطئه ایرانی. ایران از منفجر کردن سفیر سعودی در واشنگتن چه سود احتمالی می‌برد؟ این کار به نفع چه کسانی بود؟ چه کسانی برای جنگ با ایران تبلیغ می‌کنند؟»

تردید نسبت به صحت دعاوی مقامات قضایی و اف بی آی علیه ایران به سرعت بالا می‌گیرد. بنگرید به گزارش آتلانتیک در همین زمینه. [+]

مقاله جوشوا هرش در هافینگتون پست هم در همین زمینه است: تردیدهای جدی نسبت به صحت دعاوی علیه ایران. [+]

بحث خیلی بالا گرفته. ظاهراً موج دوم، که در مقدمه مقاله‌ام عرض کردم، در حال غلبه است. به این مقاله نیویورک تایمز نگاه کنید. [+] و این هم وبلاگ نیویورک تایمز در همین زمینه. [+]. نوشته: فقط ۲۴ ساعت پس از این که مقامات آمریکایی اعلام کردند یک توطئه ایران را خنثی کرده‌اند... تعدادی از کارشناسان نامدار آمریکایی در حوزه مسائل ایران اعلام کرده‌اند که احتمالاً حکومت ایران اصلاً در پس این طرح نبوده است.

عجیب است ماجرا. با این وضع، اگر موج تردید نسبت به دعاوی اریک هولدر و اف. بی. آی. ادامه پیدا کند، ممکن است ماجرای «توطئه ارباب سیر» به بزرگترین «رسوایی» برای دولت اوباما تبدیل شود.

این هم یادداشت گری سیک، مشاور سابق شورای امنیت ملی در دولت‌های فورد و کارتر، در رد اتهام علیه ایران. [+]

جولین بورگر، دبیر سرویس دیپلماتیک روزنامه گاردین، هم کاف بزرگی گرفته و نوشته: ارسال مستقیم پول از ایران به آمریکا طبق قوانین آمریکا غیرممکن است و بنابراین پول باید از طریق کشور ثالث ارسال شده باشد.

محمد امیددار: از مطالب استفاده کردم اما اگر ممکن است از برخی دوستان خواهش می‌کنم ملتزم به موضوع بحث باشند و پیشنهادهای محیرالعقول ارائه نکنند. به نظر بسیاری از بزرگواران از منطق حاکم بر فکر استاد دور هستند و شناختی از جهان بینی ایشان به دست نیاورده‌اند.

آرش آرامش: کسی می‌داند نیروگاه بوشهر کی به صورت کامل وارد مدار می‌شود؟

علی خدایپناهی: ظاهراً اواخر آبان یا آذر ماه: «پس از ۱۱ سال تأخیر نیروگاه بوشهر راه‌اندازی شد.» [+]

نوروز حسینی: بر اساس اعلام مقامات کشورمان، این نیروگاه در اواخر شهریور ماه و بعد از ورود سوخت به قلب رآکتور آن وارد مرحله عملیاتی شده و تا اواخر آبان ماه نیز با ۵۰ درصد ظرفیت به شبکه سراسری متصل خواهد شد.

آرش آرامش: آیا حمله به آن توسط عربستان سعودی محتمل است؟

نوروز حسینی: احتمالاً صبر می‌کنند تا روسیه تمام پول‌های قرارداد را بگیرد، با هند هم قرارداد جدید را امضا کنند و سپس آتش‌بازی شروع می‌شود یا شاید هم ورژن اصلی استاکس نت شروع به فعالیت کرد.

هوانگ دی: تنها گوشه از برنامه اتمی ایران که غرب به آن حساس نیست نیروگاه بوشهر است. نیروگاه بوشهر حتی تحریم هم نیست و حمله به آن تنها به فاجعه منجر می‌شود. بیش‌تر از ایران برای اعراب. چون جهت باد در منطقه معمولاً از شمال به جنوب است. در واقع نگرانی اصلی اعراب در مورد نیروگاه بوشهر همین تبعات محیطی آن در صورت انفجار است.

احسان ایرانی: جناب آرامش! حمله هوایی همچنان که جناب هوانگ اشاره کردند منجر به فاجعه غیرقابل جبران خواهد شد مخصوصاً برای اعراب. توجه دارید که یک یا دو سال پیش اورانیوم غنی شده در چند کانتینر از روسیه

حمل شده و ظاهراً باید در نیروگاه باشد.

شهبازی: یک ساعتی است که در حال مطالعه کامنت‌های خوانندگان در ذیل مقالات هافینگتون پست و نیویورک تایمز و غیره هستیم. حیرت‌انگیز است واکنش منفی خوانندگان به ادعاهای اریک هولدر و بی‌اعتمادی آن‌ها به صداقت دولت آمریکا.

نوروز حسینی: حمله سناتور مک کین به اوباما: آمریکا باید از مخالفان حکومت ایران در ۲۰۰۹ حمایت می‌کرد. [+]
مقاله دو روز پیش توماس فریدمن در نیویورک تایمز: «تغییرات بزرگ در راه است.» [+]
مهدی ایرانی: ظاهراً در مطبوعات آمریکا تردیدها نسبت به این مسئله بیش‌تر از رسانه‌های خودمان است. با این حال نباید متعجب بود. جامعه آمریکاست و نقد و نظر از هر نوعی در آن می‌شود. مهم برآیند نتیجه‌ای است که افکار عمومی آمریکا و دنیا از این مسئله خواهند داشت و این که دستگاه‌های داخلی ایالات متحده تا چه حد بر سر این مسئله متحد عمل خواهند کرد.

نفس متهم کردن ایران توسط دولت آمریکا بسیار مهم است. بعید است نسنجیده وارد این کارزار شده باشند. پرزیدنت اوباما هم ساعتی پیش با اطمینان ایران را متهم کرد و گفت همه گزینه‌ها را برای برخورد با ایران روی میز دارد. این یک هشدار جدی است. باید منتظر بود که آمریکایی‌ها چه شواهدی ارائه می‌دهند.
افکار عمومی آمریکا را نمی‌توان از کامنت‌هایی که در زیر لینک‌های نیویورک تایمز و هافینگتون پست گذاشته می‌شود حدس زد. سیاست‌های آمریکا هم بر اساس آن کامنت‌ها نخواهد بود. تحلیل‌هایی به این صورت فقط می‌تواند از سوی ناظران آگاه به مسائل ایران صورت گیرد و گرنه مردم عادی کمترین شناختی از ایران ندارند. [...] در واقع آقای اوباما کار خود را کرد و عملاً با هشدار شدید به ایران وارد این بازی شد. بازی که دولت آمریکا به دلایل متعدد نمی‌تواند آن را رها کند. بنابر این، باید ببینیم سیر حوادث ناشی از این ماجرای عجیب و غریب به کجا خواهد انجامید.

دن ویتو: این را هم ببینید. [+]

آریا برزین: هرچه باشد، چه پیامدهای نظامی داشته باشد چه پیامدهای تحریمی، بازی دو سر برد است برای آمریکا. دیپلماسی ایران در چنین مسائل تنش‌زایی، طبق تجربیات، جز این نمی‌تواند باشد: اول انکار. اگر قضیه بیخ پیدا کرد لابی‌گری و گروکشی [...] دیپلماسی ایران دلخوش به این لابی‌هاست و باید دید که نایاک و امثالهم چه موضعی می‌گیرند. حرف آن‌ها در دو سر خریدار دارد.

مهدی ایرانی: جناب برزین، دیگر این لابی‌ها کار نخواهد کرد. حداقل اگر خود اوباما رسماً امشب ایران را تهدید نکرده بود شاید جای امیدی بود. اما الان که دولت آمریکا کشور دیگری را مستقیماً متهم به عملیات تروریستی کرده دو راه بیش‌تر وجود ندارد: واکنش شدید و ادامه راه تا آخر یا رسوایی پرهزینه برای دولت اوباما. مسئله‌ای که امروز عنوان شد نمی‌تواند فردا سرپوش گذاشته شود و مسکوت بماند. اگر قرار بر این بود به شکل گمانه‌زنی و چانه‌زنی مطرح می‌شد نه به طور مستقیم و به شکل عمومی و عریان.

جواد نادری: با توجه به تردیدهایی که توسط خود آمریکایی‌ها در مورد این موضوع بیان می‌شود آیا امکان ندارد اسرائیل با ایجاد این مشکل برای دولت اوباما، در مقابل احتمال فشار اعراب به اوباما برای به رسمیت شناختن دولت فلسطین پیشدستی کرده باشد؟

محسن حاجیلو: به این دو ویدئو نگاه کنید. [+، +]

[ویدئوی اول از چنگ اویغور + است که اظهارات مقامات آمریکایی را به استهزا گرفته.

Young Turks Video: Cenk Uygur, Failed Terror Plot Too Strange To Be True?

اویغور، مجری تلویزیونی پرطرفدار آمریکا، ترک‌تبار و فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه کلمبیا (نیویورک) و بنیان‌گذار شبکه «ترکان جوان» است.

ویدئوی دوم، گفتگوی هیلاری لورت، کارشناس امور خاورمیانه، با سی ان ان درباره ماجرای توطئه ایران است.

CNN: Hillary Mann Leverett, new case building against IRAN... 'Intentional Fraud'

خانم لورت و شوهرش فلینت لورت + از مخالفان نئوکان‌ها هستند و جفری گلدبرگ نئوکان در آتلانتیک با

هیلاری لورت به جدال قلمی پرداخته است. شهبازی]

جعفر ناصر: جناب مهدی ایرانی، اظهارات بعضی از مقامات مسئول ایران مدارکی است که مقامات آمریکایی و اروپایی برای جلب افکار عمومی می‌توانند روی آن انگشت گذارند. به تهدیدات آقایان عباسی، ازغدی و عابدی نظری بیندازید. هر سیاستمدار مبتدی غربی از طریق این اظهارات می‌تواند افکار عمومی را علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج کند. نکته قابل توجه در اظهارات این دوستان این است که همگی از زبان حاکمیت و اسلام و انقلاب حرف می‌زنند نه از دیدگاه شخصی. همان عملی که آقای زیباکلام به شکل دیگر یعنی از زبان و فکر مردم انجام داد. به اعتقاد من مصاحبه زیباکلام و سخنرانی‌های این دوستان در یک راستا و در جهت زشت جلوه دادن چهره انقلاب، اسلام، جمهوری اسلامی و مردم ایران است.

احسان ایرانی: لابلای اخبار گفته شد که آمریکایی‌ها در این مورد در تماس مستقیم با ایران بوده‌اند. درست شنیدم؟ دوستان اطلاعات بیش‌تری در این مورد دارند؟ مسئله خیلی بیخ پیدا کرده. گفته شد که با ۴۰ کشور هم‌پیمان صحبت شده که یا ما (آمریکا) یا ایران. هیئتی به چین، روسیه و ترکیه رفته تا مسئله را مشخص‌تر کند. برای من کاملاً عیان است که حاکمیت بازی خورده. [...] صحبت‌های عربستانی‌ها دیروز خیلی نرم بود و کلی‌گویی می‌کردند ولی امروز آتش است که از دهان‌شان بیرون می‌آید. یک اتفاقی در این ۲۴ ساعت افتاده است. آیا مدارکی دیده‌اند؟ با آمریکا به توافقاتی رسیده‌اند؟ سناتور مک کین گفته: اگر آمریکا به موقع در زمان تظاهرات ایرانی‌ها از مردم حمایت کرده بود، نظام ایران همان موقع سرنگون شده بود.

زهرآ زمانی: دوستان به یاد می‌آورند که با شروع دولت نهم برنامه‌ای با عنوان «نبرد آرماگدون» هر شب از شبکه خبر پخش می‌شد. به موازات آن رشد و رونق کلاس‌های حسن عباسی و قرق سیما توسط رحیم‌پور ازغدی و تبلیغ «حکومت اسلامی» به جای «جمهوری اسلامی» و... در کنار همه این‌ها تلاش گروه به قدرت رسیده برای تسلط کامل بر گلوگاه‌های اقتصادی و بزعم خودشان تجمیع ثروت برای تحویل به صاحب اصلی حکومت جهانی اسلام که لازمه تحقق این امر نبرد نهایی حق و باطل است. [...] ظاهراً فعل و انفعالات درونی و بیرونی کاملاً هماهنگ به سوی تحقق نبرد مذکور پیش می‌رود. [...] در ضمن به سال ۲۰۱۲ هم نزدیک می‌شویم.

احسان ایرانی: خانم زمانی گرامی، این فرمایشات شما بسیار ارزشمند و روشن‌گر است. بنده اینترنتم واقعاً نامناسب است. ای کاش اگر ممکن است در یوتیوب گشتی بزنید و این خزعبلات گفته شده را در بیاورید، باید همه این گفته‌ها را بشنوند یا اگر شنیده‌اند دوباره گوش بدهند و این دفعه معنی خاصی خواهد داشت. آن‌هایی که مملکت را به جنگ می‌کشند و در موقع وقوع بازی "هالیوودی" است، "فرافکنی است"، "سناریوی بچه‌گانه است" راه می‌اندازند هم اکنون باید جوابگوی گفته‌ها و کرده‌های خود باشند. من در جنگ بوده‌ام و می‌دانم یعنی چه. تازه آن جنگ در مقابل جنگ پیش رو یک بچه‌بازی بیش‌تر نبود. [...]

امیر غنوی: ممکن است که هدف از پروژه آمریکا در بحث ترور ایجاد انزوای بیش‌تر برای ایران باشد همان چیزی که بایدن هم به آن اشاره کرده است. این نکته را هم باید در نظر داشت که پیام تند مقامات عالی‌رتبه ایران در خصوص دخالت در سوریه و همچنین پیام بسیار تند سوریه به کشورهای غربی در خطاب به نماینده ترکیه ظاهراً هماهنگی کامل میان سوریه و ایران را نشان می‌داد و این می‌تواند دلیل برخورد اخیر آمریکا با ایران باشد. البته مصارف داخلی این برخورد هم نباید فراموش شود مثل تحت الشعاع قرار دادن بحران وال استریت. شاید این قدر مقدمات برای رسیدن به جنگ با ایران کافی نباشد ولی برای انزوای بیش‌تر ایران کافی است. این را هم در نظر داشته باشید که گزارش احمد شهید در هفته آینده ارائه می‌شود که می‌تواند همراه با گزارش هفته قبل رئیس سازمان ملل به انزوای هر چه بیش‌تر ایران کمک کند. در حقیقت برخورد آمریکا می‌تواند به نوعی پاسخ به تهدیدهای ایران، هم به طور مستقیم و هم از طریق سوریه، تلقی شود.

دگرگونی در جامعه آمریکا، از یازده سپتامبر تا امروز

ساعت ۶:۴۳ صبح جمعه، ۲۲ مهر ۱۳۹۰ / ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: جناب مهدی ایرانی درست می‌گویند. آن‌ها که باید کار خود را بکنند به افکار عمومی کاری ندارند. ولی در جامعه آمریکایی طی این دهه یک تحول جدی رخ داده است.

من ده سال پیش، از همان زمان حمله به برج دوقلو که از پخش مستقیم سی‌ان‌ان و سایر شبکه‌ها تماشا می‌کردم، مسائل را دنبال می‌کنم. فضای پس از حادثه یازده سپتامبر اینگونه نبود. اینجور کامنت‌ها نمی‌دیدید. تنها عده بسیار قلیلی روشنفکران برجسته منتقد تردید می‌کردند.

الان بدبینی جامعه آمریکایی به بازی "مبارزه با تروریسم" به جایی رسیده که جمعیت ضد افترا، که یک نهاد متنقد صهیونیستی است، هشدار داده که در جامعه آمریکایی روز به روز متناسب کردن حادثه یازده سپتامبر به اسرائیل بیش‌تر می‌شود. در ۱۲ شهریور ۱۳۹۰ در همین صفحه نوشتیم:

«جمعیت ضد افترا ADL گزارشی منتشر کرده که نشان می‌دهد در یک دهه پس از حادثه یازده سپتامبر، این باور بیش از گذشته رواج یافته که حادثه فوق کار اسرائیل بود نه القاعده. مطلب مهمی است. جمعیت ضد افترا یک سازمان یهودی افراطی آمریکایی است که کارش تعقیب قضایی مخالفان یهودیان از طریق شکایت به محاکم است. سازمان فوق این گرایش را رشد "نظریه‌های توطئه ضد یهودی" خوانده است.»

به این دلیل، جمعیت ضد افترا دهه پس از یازده سپتامبر (۲۰۰۱-۲۰۱۱) را «دهه فریب» نامیده. [+، +]

یعنی، در طول این دهه، با حوادثی چون جنگ‌های افغانستان و عراق، و پیامدهای داخلی آن یعنی صعود نجومی بودجه های آشکار و پنهان نظامی گرایانه، که به بیش از یک تریلیون دلار در سال رسیده، مردم آمریکا بسیار هشیار شده‌اند. منظورم از "مردم" قشر فهیم و سیاسی و مؤثر است یعنی همان‌ها که "گروه‌های مرجع" شناخته می‌شوند و جامعه را تکان می‌دهند.

واقعاً این فضا را در سال‌های ۲۰۰۱ به بعد نمی‌دیدید. چیزی عوض شده که کار جنگ‌طلبان و مجتمع نظامی-صنعتی و نئوکان‌ها را بسیار سخت می‌کند. به همین لینک یوتیوب، که جناب محسن حاجیلو، ارسال فرمودند توجه کنید. [ویدئوی جنگ اویغور +] اولین کامنت، که ۶۸ لایک خورده، این است: «از حکومتم نومید شدم. حتی نمی‌توانند یک داستان آشغال درست سر هم کنند برای حمله به یک کشور جهان‌سومی با هدف دزدیدن ذخایر طبیعی آن...» این کامنت‌ها خیلی مهم است و یکی دو تا نیست. من زمانی که این همه کامنت دیدم، که آمریکاییان توطئه ترور عادل الجبیر را عملیات موساد خوانده‌اند و کار اسرائیلی‌ها، حیرت کردم. این‌ها قبلاً اصلاً عادی نبود. فقط عده خاصی می‌گفتند نه خوانندگان عادی.

و نیز توجه کنید به جنبش ضد وال استریت. یعنی فضای داخلی آمریکا به شدت بحرانی است. به تعبیر اواما، بزرگ‌ترین بحران مالی پس از "رکود بزرگ" یعنی دهه ۱۹۳۰ در جریان است. این‌ها کار کانون‌های جنگ‌طلب را خیلی سخت می‌کند.

شبکه ایرانی موساد: از قتل شاپور بختیار تا سناریوی ارباب سیر

تصورم این است که می‌خواهند آشوب را با به میدان کشاندن عربستان و ایجاد جبهه عربی علیه ایران شروع کنند و برای همین اسرائیل به سرعت در حال ترمیم روابط خود با اعراب است.

در مورد ماجرای ارباب سیر هم تصور نمی‌کنم ادعای واهی باشد. قبلاً عرض کردم که «چیزی بوده و باید دید آن چیز چیست.» دولت اواما اکنون با اکثریت جمهوری‌خواه در کنگره مواجه است که به شدت در حال تخریب او هستند. اسرائیلی‌ها هم از بعضی مواضع او ناراضی‌اند. اواما جرج بوش نیست. اگر دروغ به این بزرگی بدون هیچ سند و مدرکی گفته باشد، مساوی است با بکارگیری اصل ۲۵ قانون اساسی [+] و ساقط کردن دولت او. بنابراین، "چیزی" بوده. این "چیز" چیست؟ مسئله این است.

قطعاً این "چیز" عملیات کودکانه و هالیوودی ایران برای ترور الجبیر نیست بلکه می‌تواند عملیاتی از سوی موساد باشد برای ایجاد این نمایش و انداختن آن به گردن ایران. بنظر من اینگونه بوده. نمونه‌های تاریخی فراوان است.

ایران باید به دنبال عوامل این تنش باشد. به گمان من، مطرح کردن مستند این ادعا راه یک دیالوگ جدی با افکار عمومی آمریکا را باز می‌کند. در فضایی که من می‌بینم، این روش بسیار کارساز خواهد بود و می‌تواند مانع بزرگی شود برای کانون‌هایی که در حال اجرای نقشه‌های شوم خود هستند.

ماجرای میکونوس را مثال می‌زنم:

در ماجرای میکونوس ظاهراً عوامل ایرانی درگیر بودند ولی شواهد و مستندات فراوان در دست است که در پشت صحنه موساد حضور داشت.

جلسه میکونوس جلسه‌ای بود از عده‌ای از فعالین مخالف جمهوری اسلامی هوادار مبارزه مسالمت‌آمیز علیه جمهوری اسلامی که می‌خواستند یک جبهه تشکیل دهند. این یعنی انزوای شدید فرقه رجوی. کدام حکومت عاقل می‌توانست با چنین جلسه‌ای مخالف باشد؟ بعکس، باید تقویت‌شان میکردند برای منزوی کردن جریان‌های افراطی و مشکوک وابسته به اسرائیل. و در خود عملیات ردپاهای جدی بر جا گذاشتند که از نظر قضایی انتساب عملیات به ایران ثابت شود. در ریزه‌کاری‌هایی مانند پلاک اتومبیل‌ها و غیره ردپاهای حساب شده و دقیق برای اثبات نقش ایران بر جا گذاشتند.

یا در قتل شاپور بختیار. بختیار زمانی به قتل رسید که دو تحول بزرگ رخ داده بود:

اول، بختیار کارآمدی خود را از دست داده و تبدیل شده بود به مهره‌ای فاقد کارایی که سرویس‌های معین مجبور بودند ماهیانه مبالغ هنگفتی به او بدهند. این مبالغ توسط بختیار و اطرافیانش صرف تریاک‌کشی و عیاشی می‌شد. عده‌ای بچه خان مهمل اطراف بختیار بودند که بعضی‌هاشان را از قدیم و از نزدیک می‌شناسم و واقعاً کارشان مفت‌خوری بود از طریق بختیار.

دوم، روابط ایران و فرانسه رو به بهبود بود و سفر میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه، به ایران قطعی شده بود.

در چنین فضایی، کشتن بختیار به سود چه کسی بود؟

به عوامل گرداننده و دست اندرکار ماجرا و چیزهایی که بعداً کشف شد کاری ندارم. فقط از منظر تحلیل سیاسی دو ماجرای بختیار و میکونوس را مثال زدم. به خاطر قتل شاپور بختیار روابط ایران و فرانسه به شدت تیره شد و سفر میتران به ایران، که قطعی شده بود، بهم خورد.

بعدها، در جریان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای، قطعی شد که قتل بختیار و ماجرای میکونوس و خیلی کارهای دیگر طراحی موساد بوده است.

برای همین پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را با آن وضعیت هو کردند و تیم بازجویی را برکنار و خانه‌نشین کردند در حالی که هر چهار نفر متخصص‌ترین و برجسته‌ترین کارشناسان واحد اطلاعات سپاه و سپس وزارت اطلاعات در زمینه‌های مختلف بازجویی و ضد جاسوسی و بررسی بودند. سپس پرونده را ماستمالی کردند و بستند.

متأسفانه، این به رفتار معمول مسئولین ایرانی بدل شده که در مواجهه با مسائل سنگین و غیرقابل هضم، صورت مسئله را پاک کنند. منظورم مسئولین سالم یعنی ناوابسته است. هیچ کس به دنبال کشف و خنثی کردن شبکه گسترده نفوذی‌هایی که درباره آن‌ها و خاستگاه‌شان در رساله «سرویس‌های اطلاعاتی و انقلاب اسلامی ایران» سخن گفته‌ام [1]، [2] نبوده است. اکنون با پیامدهای این تغافل دست به گریبانیم و بعدها تأثیرات این شبکه‌های نفوذی آشکارتر و وخیم‌تر خواهد شد.

محمد آگهی: به گزارش رادیو فردا، ویکتوریا نولند، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، روز پنجشنبه به خبرنگاران گفت: «ما تماس مستقیم با ایران داشته‌ایم. من جزئیات بیشتری از این در اختیار شما قرار نمی‌دهم اما تنها به این اکتفا می‌کنم که ما درباره این موضوع با ایران تماس مستقیم داشته‌ایم.» [1]، [2]

پیشنهاد به شورای عالی امنیت ملی ایران:

دیپلماسی انقلابی یعنی اعلام توطئه جدید مجتمع نظامی - صنعتی به مردم آمریکا

شهبازی: بنظر من موقعیت بسیار حساس و سرنوشت‌ساز است. این حرف‌ها را باید کنار گذاشت که آمریکا با بحران مواجه است و کاری نمی‌تواند بکند، اسرائیل وضع مشابه دارد، عربستان عددی نیست که با ایران مقابله کند و غیره.

کسانی که به دنبال جنگ در خاورمیانه هستند، نه دلشان به حال آمریکا سوخته، نه به حال یهودیان ساکن اسرائیل یا اعراب. برایشان مهم نیست این جنگ چقدر طول بکشد و چه خسارات و هزینه‌هایی داشته باشد. بحران کنونی، مثل همان "رکود بزرگ" دهه ۱۹۳۰، به یک جنگ بزرگ نیاز دارد.

این آگاهی که من در جامعه آمریکایی می‌بینم در تاریخ کم‌نظیر است. آگاهی درباره حکومت بانکداران و جنگ‌افروزان، هشیاری درباره سلطه بانکداران و مجتمع نظامی-صنعتی بر جامعه آمریکا. اکنون در آمریکا جنبشی مطرح و بسیار جدی شکل گرفته با شعار "حکومت ۹۹ درصد" در مقابل حاکمیت غارتگرانه "یک درصد".

اکنون اینترنت نسل جوان آمریکایی را وارد سیاست کرده. تأثیر اینترنت فقط بر ایران و کشورهای خاورمیانه یا چین نیست. اینترنت «بلایی همگانی است» و دامان الیگارش‌های آمریکا را نیز گرفته. این پیامدهایی است که شاید تصورش را نمی‌کردند. از طریق شبکه‌های نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی تحولی بزرگ در افکار عمومی ایجاد شده که در تاریخ بشریت بی‌سابقه است.

با توجه به این تحولات، جمهوری اسلامی ایران نیز باید دیپلماسی سی ساله‌اش را، که متأسفانه سخت به آن معتاد شده، تغییر انقلابی دهد. با این "دیپلماسی انقلابی" می‌توان جلوی بسیاری از حوادث را گرفت. ایران باید با جدیت و قاطعیت و خونسردی، و البته با دست پر و به کمک تیمی از متفکران ورزیده، وارد صحنه شود. یعنی یک دیپلماسی باز و تهاجمی و طلبکارانه را شروع کند نه از طریق فحاشی و شعارهای تکراری بلکه از طریق آغاز یک دیالوگ مستقیم و پرمحتوا و روشنگرانه. نه از جنس سخنرانی‌های تکراری آقای احمدی‌نژاد که دافعه ایجاد می‌کند به جای جاذبه.

ایران باید اعلام کند که یک هیئت بلندپایه ایرانی-آمریکایی از مقامات سیاسی و قضایی و اطلاعاتی-امنیتی باید مسئله را دنبال کنند و پیشاپیش می‌پذیریم که اگر ثابت شود چنین امری صحت دارد مقصر را مجازات خواهیم کرد در هر سطحی که باشد.

توجه کنیم که این شناخت برای جمهوری اسلامی ایران حیاتی است. باید بدانیم چه مستنداتی در کار است و چه کسان یا کدامین شبکه این مستندات را فراهم آورده است.

ایران باید اعلام کند که هدف از این سناریو ایجاد یک جنگ بزرگ در خاورمیانه است با هدف غارت جامعه آمریکا و مردم منطقه که تنها و تنها به سود مجتمع نظامی-صنعتی و عامل اصلی آن یعنی حکومت اسرائیل است. ایران می‌تواند بیانیه خود را با سخنان معروف ژنرال آیزنهاور درباره خطر سلطه مجتمع نظامی-صنعتی برای جامعه آمریکا آغاز کند و اعلام کند که اینک زمانی رسیده که پیشگویی آیزنهاور در نطق تودیع و بازنشستگی‌اش به تلخ‌ترین شکل تحقق یافته است.

پنج‌سال پیش (۱۷ ژانویه ۱۹۶۱)، ژنرال دوايت آیزنهاور در واپسین پیام دوران ریاست‌جمهوری خود، و نیز بمناسبت پایان پنجاهمین سال خدمت نظامی و سیاسی‌اش به دولت ایالات متحده آمریکا، درباره گسترش مجتمع نظامی-صنعتی و مخاطرات آتی آن برای دموکراسی آمریکایی چنین هشدار داد:

«... ما صنایع تسلیحاتی آفریده‌ایم که ابعاد آن بسیار گسترده است. علاوه بر این، سه و نیم میلیون نفر از مردان و زنان ما بطور مستقیم در نهادهای دفاعی [دولتی] شاغل‌اند. ما سالیانه بیش از درآمد خالص تمامی کمپانی‌های ایالات متحده برای امنیت دفاعی خود خرج می‌کنیم. ترکیب نهادهای نظامی گسترده [دولتی] و صنعت بزرگ اسلحه‌سازی [خصوصی] برای آمریکا تجربه جدیدی است. نفوذ اقتصادی، سیاسی و حتی معنوی در هر شهر آمریکا، در هر مجلس ایالتی و در هر اداره دولت فدرال احساس می‌شود... در شوراهای دولتی ما باید مراقب نفوذ غیرقابل کنترل مجتمع نظامی-صنعتی، چه آشکار و چه ناپیدا، باشیم. امکان ظهور فاجعه‌آمیز قدرتی که در جایگاه خود قرار ندارد وجود دارد و این قدرت مقاومت خواهد کرد. ما هیچگاه نباید اهمیت این خطر را برای آزادی‌های خود یا فرایند دموکراتیک جامعه خود دست کم بگیریم.» [+]

اعلام آمادگی گسترده و توأم با حسن نیت، با پرهیز از شعارهای تکراری، برای تشکیل یک هیئت پیگیری و رسیدگی به ادعاهای اریک هولدر می‌تواند ایران را در موضع تهاجمی قرار دهد.

ایران باید اشاره کند به آمار فروش‌های بزرگ تسلیحاتی به سعودی و امارات و کویت و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس و نام کمپانی‌هایی که این سلاح‌ها را فروخته‌اند.

ایران باید اشاره کند به پیوند نامیمون صاحبان بزرگ صنایع تسلیحاتی آمریکا و بریتانیا و همگامی آن‌ها در این سناریو. ایران باید اشاره کند به اقدامات عجیب و بی‌سابقه اخیر اسرائیل: آزادی زندانیان فلسطینی و عذرخواهی از مصر و آزادی اسرای مصری.

ایران باید اعلام کند که این اقدامات اسرائیل بیانگر استراتژی جدیدی است که می‌خواهد رابطه میان اعراب و اسرائیل را التیام بخشد و جبهه مشترکی علیه ایران ایجاد کند برای جنگی بزرگ در خاورمیانه.
این‌ها پیشنهادهاتی است به شورای عالی امنیت ملی ایران و به همه ایرانیان آزاده که می‌خواهند از بروز یک فاجعه در منطقه پیش‌گیری کنند.

محمد آگهی: باید دید جریان پول به کدام سمت می‌رود. درگیری نظامی شاید به حال جریان حاکم (احمدی‌نژاد و دوستان) بد نباشد. حتی اگر یه تحرک کوچک تو خلیج فارس باشه. از یه طرف اعراب حاشیه بودجه نظامی اختصاص میدن و خرید میکنن و از یه طرف افکار عمومی داخل تغییر جهت میده. سناریو برای یک جنگ بزرگ فعلاً کوچک به نظر میاد. [...]

هوانگ دی: چهار پنج روز پیش [...] گفتم این‌ها مهم‌ترین اتفاقاتی است که این چند ساله در خاورمیانه رخ داده است و جغرافیای سیاسی منطقه در حال تغییر است. لذا از دوستان صاحب‌نظر خواستم این مسئله را به بحث بگذارند. متأسفانه همه گرم بحث فساد بودند. با توجه به تماس مستقیم ایران با آمریکا که به گفته CBS گویا خانم رایز با نماینده ایران در سازمان ملل ملاقات و گفتگو کرده‌اند، در حال پائین کشیدن فتیله هستند. دزدی سنگی انداخته بود که خوشبختانه این دفعه شیشه‌ای نشکست. ولی آنچه در این قصه نمی‌فهمم این است که قضیه هر چه بود کلاً از اول گونه‌ای طراحی شده بود که لو برود. آن هم با ناشیانه‌ترین وجه. از ناشیانه منظوم برای دستگاه امنیتی آمریکا است. یعنی مدارکی ارائه شده که حتی شخص آقای اویاما را به چنین واکنشی واداشت. از طرف دیگر کل قضیه به جوک شبیه است. در چنین مواردی تصمیم‌گیری بسیار مشکل است. بنا براین بعید نیست که اول، طراح قضیه هر که بوده بسیار حساب شده عمل کرده است؛ دوّم، قصه پوست خریزه‌ای است تا زیر پای که برود و چه کسی را زمین بزند.

طرح فروپاشی ایران: از «سونامی مالی» تا اتهام ترور

ساعت ۱۰:۴۸ صبح جمعه، ۲۲ مهر ۱۳۹۰ / ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱

هب هبفا: این سخت شدن کار نئوکان‌ها در آمریکا برای فریب مردم، احتمالاً منجر خواهد شد به این که عوامل درون ایران به کمک آن‌ها بشتابند و زحمت جنگ‌طلبان را برای سر هم کردن یک داستان عامه‌پسند علیه ایران کم کنند. پس باید هوشیار بود و به شدت مراقب رفتارهای آدم‌های مشکوک در عرصه سیاسی و مدیریتی کشور. حالا دیگر همه می‌توایم با قطعیت هدف آن آقای "صحبت قشنگ" از آن مصاحبه را درک کنیم.

شهبازی: دقیقاً چنین است جناب هبفا. من جنگ خاورمیانه را، بر اساس ساختار نظری نگرش سیاسی خود به تحولات منطقه که دوستان آشنا هستند، حتمی می‌دانستم. معمولاً به سناریوهای محتمل فکر می‌کردم که قطعاً با مشارکت شبکه‌های داخلی مוסاد انجام خواهد شد؛ شبکه‌هایی به شدت مقتدر که متأسفانه لطمات وحشتناک بر ایران وارد کرده‌اند. افشای ناگهانی و پیاپی فسادهای مالی عظیم در این مقطع بخشی از این سناریو باید تلقی شود. برایم عجیب بود که معرکه‌گردان جنجال فساد بانکی و ماجرای مه آفرید امیرخسروی آقای مصطفی پورمحمدی بود با آن دیدگاهی که نسبت به وی دارم و در یادداشت «مافیای نفت و گاز ایران چگونه شکل گرفت؟» منعکس شده. [+]

از این منظر اگر نگاه کنیم، یعنی حضور یک شبکه قدرتمند و فعال در داخل ایران، افشاگری‌ها درباره مفاسد مالی کلان معنی می‌دهد. البته پورمحمدی، جهرمی را بکلی تبرئه و حتی «قهرمان» می‌کند و کاسه کوزه را می‌شکند بر سر خاوری که معلوم نیست کجاست. [+]

اکنون می‌فهمم که یک سناریوی بزرگ و دقیق در حال اجرا بوده است: ابتدا افشای مفاسد و تبدیل آن به یک سونامی و کشاندن مردم به مرحله انفجار، سپس آن مصاحبه کذایی صادق زیباکلام و تحریک اعراب که اصلاً در آن فضا موضوعیت نداشت و عجیب بود.

زیباکلام از کجا پیدا شد. در لینکی که خودتان ارسال فرمودید، بیوگرافی زیباکلام در ویکی‌پدیای فارسی، نوشته شده که سه سال محکوم شد ولی پس از دو سال و یک ماه آزاد شد. بعد هم در دانشکده فنی دانشگاه تهران استخدام شد. من در آن سال‌ها زندانی سیاسی بودم و با قطعیت این را عرض می‌کنم که در آن فضا آزادی پیش از اتمام محکومیت و استخدام در دانشگاه تهران علامت همکاری با ساواک یا حداقل حسن‌ظن این سازمان است.

پس از انقلاب چه کسانی زیباکلام را برکشیدند و این همه مطرحش کردند؟ چه کسانی او را با مدرک لیسانس شیمی تبدیل کردند به دکتر علوم سیاسی [و امکاناتی فراهم آوردند] که چپ و راست در تلویزیون و روزنامه‌ها جولان دهد؟ این‌ها همه علائم یک سناریوی گسترده و تکاپوی جدی است برای فروپاشی ایران.

همیشه فکر می‌کردم سناریوی جنگ را چگونه اجرا خواهند کرد؟ بدون کمک شبکه ایرانی موساد ممکن نیست. در این ماجرا هم تأکید می‌کنم بر تشکیل یک هیئت تحقیق زیرا یقین دارم این شبکه مدارک کافی برای مقامات قضایی و اف بی آی و دولت اوپاما فراهم آورده که حرفشان مستند شود.

بالاخره، آمریکا هم حساب و کتابی دارد. رئیس‌جمهور و نهادهای قضایی و امنیتی، هر قدر هم مغرض باشند، مجبورند قواعد را رعایت کنند و گرنه ماجرای واترگیت تکرار خواهد شد. باید شبکه‌ای این مستندات را جور می‌کرد. حالا، دولت اوپاما یا از موساد بازی خورده یا شریک این توطئه است.

و حالا که کار سخت شده، به دلیل هشباری و واکنش عجیب و شدید افکار عمومی آمریکا، احتمال اقدام دیگر برای تسهیل راه جنگ ممکن است. انفجاری، ترور در جایی. اصلاً بعید نیست.

من حیرانم که مسئولین مملکت کی می‌خواهند بیدار شوند و این خطر بزرگ داخلی را بشناسند. این شبکه عامل همه مصیبت‌های ماست و مسئول کشاندن مملکت به اینجا.

به خاطر این شناخت، که حاصل تحقیقات و زندگی سیاسی‌ام بوده، و بعضاً در سایتم منعکس شده، سال‌هاست مرا آزار می‌دهند. در همین اینترنت، تا یک کلمه حرف می‌زنم عوامل‌شان در این و آن سایت داخل و خارج از کشور فحاشی به من را شروع می‌کنند. سایت و وبلاگ کم ندارند. این فحاشی‌ها بی‌اهمیت‌ترین بخش ماجراست. دوستان نزدیک می‌دانند چه کشیده و می‌کشم. ولی باید حرف‌ها را زد. نمی‌توان در مقابل سرنوشت مملکت بی‌تفاوت بود. نمی‌شود به خاطر دو روز زندگی بیش‌تر یا کمتر با بی‌تفاوتی نابودی مملکت را شاهد بود.

هب هبفا: برای آن گونه بودن که شما می‌فرمائید، اصلاً لازم نیست قهرمان باشیم یا چندان از جان گذشته؛ بلکه کافی است اندکی به آینده فرزندانمان که پس از ما خواهند ماند، بیندیشیم. گاهی از این که در آینده‌ای که اهریمنان ترسیم کرده‌اند، چه بر سر فرزند معصوم و کوچکم خواهد آمد، قلبم فشرده می‌شود. حاضرم از خیلی چیزها بگذرم تا او در جهانی که دشمنان تدارک دیده‌اند، زندگی نکند.

نوروز حسینی: وقتی موساد عملیات خود را از طریق بازوهای داخل کشور انجام می‌دهد، حتماً در ابعاد سیاسی، اقتصادی و... نیز نیروهایی دارد که فعال خواهند شد. مایک راجرز جمهوریخواه در مصاحبه با یواس‌ا تودی می‌گوید: «همین انتقال پول مسئله بسیار مهمی در این قضیه ترور است.» و طبق معمول کامنت‌ها هم جالب است. مردم به هیچ وجه زیر بار نمی‌روند. [+]

امیر صادقی: همه چیز را به سرعت تغییر می‌دهند. جنش وال استریت هم به پایان خود می‌رسد [+]. و اتهام به ایران در ابتدای راه است. دستگاه دیپلماسی ما چه می‌کند؟ به نظر می‌رسد هم اکنون فاز دوم از مقبول ساختن دروغ بزرگ در افکار عمومی کلید خورده است. بدون اعلام چرایی دروغ، اهداف آن را جهانی می‌کنند و ایران را به نقض قوانین بین‌المللی متهم می‌کنند. [+]

حسن متحیر: این قضیه به شدت بیخ پیدا خواهد. روزنامه فیگارو در مطلبی که شامگاه پنجشنبه منتشر کرده به نقل از یک مقام آگاه گفته که در گزارش بعدی ایران از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به صراحت به ساخت سلاح هسته‌ای متهم خواهد شد. [+]. این یعنی تکمیل حلقه لازم برای اعمال فشار نظامی بر ایران. به نظرم این قضیه آغاز

یک دومینو است.

مهدی ایرانی: در مورد آقای زیباکلام به نظرم صحبت‌ها قدری اغراق‌آمیز است. آقای زیباکلام اصلاً وزنه‌ای نیست و حرف‌هایش هم برد آنچنانی ندارد. یعنی یک فرد مثل زیباکلام در حد و اندازه‌ای که بتواند یک سناریوی تحریک‌آمیز را پیش ببرد نیست. در حد یک استاد دانشگاه است که نظراتش را می‌گوید. افرادی به مراتب مهم‌تر از ایشان حرف‌هایی زده‌اند که می‌تواند مورد سوءاستفاده هر شخصی قرار گیرد.

گرین داو: مقایسه روزهای بعد از یازده سپتامبر و آن حادثه بزرگ با داستان امروزی که نقاطه مبهم بی‌شمار دارد، برای برآیند گرفتن از افکار عمومی آمریکا نمی‌تواند ملاک باشد.

علیرضا طباطبایی: در کامنت‌های قبلی‌تان روشن نشد هدف آقای پورمحمدی از افشای اختلاس مالی و جریان امیرخسروی واقعاً چه بود و با توجه به زاویه‌ای که بین ایشان و آقای احمدی‌نژاد هست چه هدفی از دور کردن آقای جهرمی از این ماجرا دنبال می‌کرد؟

شهبازی: جناب مهدی ایرانی، بعضی دوستان فقط به کسانی حساسیت دارند که یا خود را حزب‌اللهی نشان می‌دهند یا از سر جهالت و تفکرات افراطی حرف‌هایی می‌زنند. افرادی که در کسوت اساتید دانشگاه هستند معمولاً به دلیل پوزیسیون روشنفکری مغفول می‌مانند. حرف‌های آقای زیباکلام را در همین صفحه دنبال می‌کردیم و با مصاحبه اریک هولدر، دادستان کل، و مولر، رئیس اف بی آی، معنای آن را فهمیدیم. تأثیر این حرف‌ها کم نیست. چه کسی تاکنون چنین بی‌پروا درباره دشمنی ایرانیان با اعراب سخن گفته؟ مطرح کردن جنگ قادسیه پس از ۱۴۰۰ سال یعنی چه؟ چرا در این زمان و در این فضا؟ العربیه به عنوان یک رسانه حرفه‌ای هیچگاه مقاله کسی را از یک فصلنامه تجدید چاپ نمی‌کند. انتشار این مصاحبه در هماهنگی با آقای زیباکلام بوده. و به نقش بعدی العربیه توجه فرمائید. آتش بیار اصلی معرکه در منطقه خاورمیانه العربیه است.

جناب گرین داو، در دهه اخیر افکار عمومی آمریکا از تبلیغات "جنگ با تروریسم" به شدت اشباع شده و اینگونه تبلیغات دیگر کارآمد نیست. اکنون سعودی را به میان کشیده‌اند و بعد حمایت مشترک آمریکا و انگلیس از سعودی و جبهه عربی حامی سعودی. توجه کنید به فهرست کلان سلاح‌ها و جنگنده‌های خریداری شده توسط سعودی‌ها در سال‌های اخیر و نیز امارات و کویت و قطر. انگلیس صراحتاً گفت: امنیت آمریکا امنیت ماست. و سپس بحث حمایت از متحدان عربی در مقابل ایران مطرح می‌شود. و نیز توجه کنید که ادعا در حدی بزرگ است که تجاوز نظامی به خاک آمریکا و اعلان جنگ نیز می‌تواند تلقی شود و دست رئیس‌جمهور آمریکا را در عملیات نظامی باز بگذارد.

جناب طباطبایی، عرض بنده این است که آقایان در همه فرقه‌های سیاسی رنگارنگ حضور دارند. یکی این ور خط است و دیگری آن ور. با معیار مواضع سیاسی اگر تحلیل کنید به نتیجه نمی‌رسید. ماجرا را این گونه ببینید که در همه جا شبکه‌ای که بطور پنهان هماهنگ‌اند در کارند. این مسئله را به تفصیل در مقالاتی که در سایتم منتشر شده تحلیل و تبیین کرده‌ام.

مهدی ایرانی: آقای زیباکلام آدم مغفول مانده‌ای است و کسی به او توجه نمی‌کند. صحبت در مورد خصومت ایران و اعراب مطلب جدیدی نیست. اگر یک استاد دانشگاه به این مسئله اشاره کند و تحلیل خود را بگوید اصلاً عجیب نیست. در صفحه سیاسی ایران ایشان حتی یک مهره کوچک هم به حساب نمی‌آید، اما حرف‌های کسی که تئوریسین نویسی‌چی‌هاست و شریعتی‌زمانه آن‌هاست و مرتب در تلویزیون برنامه دارد، و بگوید تنش‌زدایی چیز مسخره‌ای است، خیلی مهم‌تر از حرف‌های امثال زیباکلام است.

شهبازی: جناب مهدی ایرانی، مطمئن باشید هر کس درست قبل از مصاحبه اریک هولدر، دادستان کل و وزیر دادگستری، و مولر، رئیس اف بی آی، این حرف‌ها را در العربیه می‌گفت، به او حمله می‌کردم. هیچ تفاوتی نمی‌کرد حسن عباسی یا حسن رحیم‌پور ازغدی باشد یا زیباکلام. [و نیز توجه کنید که آقای زیباکلام این سخنان تحریک‌آمیز را در یک نشریه تخصصی دانشگاهی بیان نکرده بلکه دو سه روز پیش از اعلام طرح ترور سفیر عربستان از سوی مقامات آمریکایی آن را تنظیم و در هماهنگی با العربیه، اندکی پیش از مصاحبه اریک هولدر، منتشر کرده.]

ساعت ۱۰:۲۰ صبح به وقت نیویورک است. از ۶ صبح در منطقه وال استریت تظاهرات شروع شد و ماشین‌ها بوق می‌زدند. در این ساعت از صبح بی‌سابقه بود. علت خشم مردم است از اعلام تخلیه پارک زوکاتی، که مرکز اجتماع جنبش

ضد وال استریت است و از طرف متحصنین "پارک آزادی" نام گرفته. احتمال می‌دهند پلیس ضد شورش وارد عمل شود. چت زنده شبکه "گلوبال رولوشن" هنوز فعال است. [+]

آرش آرامش: وزیر دفاع بریتانیا رفت.

«خودنویس، ۲۲ مهر ۱۳۹۰»

کناره گیری وزیر دفاع انگلیس و معمای ارتباط با ایرانی‌ها
با انتشار خبرهایی درباره گفتگوهای غیررسمی لیام فاکس وزیر دفاع انگستان با ایرانی‌های نزدیک به حکومت جمهوری اسلامی و ماجراهای پیرامون دوستش ادم وریتی، که بسیاری او را دستیار وزیر می‌دانستند، کابینه انگلستان یکی از اعضای مهم خود را امروز از دست داد...» [+]

امیر غنوی: به نظر می‌رسد گزارش جدید آژانس ضلع دیگر توطئه را شکل دهد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش تازه خود به صراحت اعلام می‌کند مدارکی در دست دارد که نشان می‌دهد برنامه هسته‌ای ایران جنبه نظامی دارد. گزارش احمد شهید هم، که هفته آینده ارائه می‌شود، می‌تواند فضا سازی بسیار قوی داشته باشد و مسائل خلاف حقوق بشر در دو سال اخیر را شدیداً پررنگ کند. سئوالی داشتم: آیا هم زمانی بیانیه رئیس سازمان ملل، گزارش احمد شهید، بیانیه آژانس و توطئه ترور اتفاقی است؟

شهبازی: قطعاً اتفاقی نیست جناب غنوی. به این‌ها اضافه کنید تحرکات اسرائیل را برای کاهش تنش با فلسطینی‌ها و مصر و سایر اعراب. به گمان من، این‌ها همه یک سناریو را رقم می‌زند. چارچوب سناریو روشن است ولی عواملی است که می‌تواند آن را ناکام کند.

متأسفانه، در بحث‌های تلفنی که با بعضی دوستان می‌کنم حال و هوایی دیگر می‌بینم. برخی نه تنها جدی بودن ماجرا را متوجه نیستند بلکه چنان از موضع اقتدار سخن می‌گویند که گویی یقین دارند هیچ تهدید مهمی در کار نیست.

چارچوب تحلیل من با آقایان متفاوت است. از نگاه من، مسئله این نیست که آمریکا یا اسرائیل با بحران داخلی روبرو است یا خیر، مسئله تحقق نقشه‌های کانون‌هایی است که حیات و سود و اقتدارشان در جنگ‌افروزی است و منافع و مصالح آمریکا و سایر جوامع غربی و نیز موجودیت و امنیت اسرائیل برای‌شان پیش‌بازی ارزشی ندارد. این نوع نگاه در میان کارشناسان ما جا نیفتاده. چارچوب تحلیل همان تحلیل سنتی دانشگاهی است.

بحث درباره "مجتمع نظامی - صنعتی" و "کانون‌های زرسالار" را سال‌هاست عنوان کرده‌ام و در رساله «ایران، اسرائیل و بمب: بازگشت جغرافی گلدبرگ» [+] به تفصیل درباره دلایل طراحی یک جنگ جدید در خاورمیانه سخن گفته‌ام.

محمد رضا صداقت: «تارنمای روزنامه فیگارو چاپ فرانسه، شامگاه پنج‌شنبه ۲۱ مهرماه (۱۳ اکتبر) گزارشی منتشر کرد که بر پایه آن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش تازه خود، که شدیدترین و کامل‌ترین گزارش در رابطه با پیشرفت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است، اعلام کرده که ایران در حال ساخت بمب هسته‌ای است.» [+]

امیر غنوی: فرمایش شما در خصوص این که «قطعاً چیزی در کار هست» که اوپاما و وزیر دادگستری آمریکا خود به میدان آمده و اتهام ترور را مطرح کرده‌اند، قابل فهم است. ولی با توجه به ویژگی‌های ارباب سیر و همکار او و همچنین طرح غریب ایشان برای ترور، آیا طرح این ادعای بزرگ با این مستندات واهی معقول است؟ آیا این گونه به میدان آمدن این آقایان معقول است آن هم در فضایی که مخالفین اوپاما آماده حمله به او هستند و در فضای باز اطلاعات و نقد، تشخیص ضعف این مستندات چندان دشوار نیست. شاید ارائه این مطالب پس از گزارش تند احمد شهید و گزارش آتی آژانس معقول‌تر بود. در چنان فضایی شاید کمتر کسی در مستندات دقت می‌کرد.

«گزارش احمدی شهید از وضع حقوق بشر ایران

BBC فارسی: نسخه ای از گزارش احمد شهید، گزارش گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای ایران، در

اختیار بی بی سی فارسی قرار گرفته است.» [+]

نظام فریدونی: با توجه به نظریات آقایان نوری‌زاده و سازگارا در برنامه تفسیر خبر [صدای آمریکا] به نظر می‌رسد هدف دولت آمریکا اساس جمهوری اسلامی است زیرا به وضوح می‌گویند: دولت ایران و شخص احمدی‌نژاد از موضوع بی‌اطلاع

بوده و عملیات به دستور مستقیم رهبر و فرمانده سپاه قدس انجام شده است و نمونه این عملیات در زمان آقای خاتمی هم بوده که [رئیس‌جمهور] از آن بی‌اطلاع بود.

دولت‌های آمریکا و غربی و گروه الف نون چقدر هماهنگ عمل می‌کنند. این مسائل اتفاقی نیست. رابطه پیچیده‌ای است ولی نشانه‌هایی به روشنی در آن قابل تشخیص است. [...] جای هاشمی رفسنجانی در این موقع خالی است. شاید او بتواند کاری کند ولی در این شرایط جایی ندارد.

واکنش مسئولین ایران اعم از وزیر خارجه، سخنگوی دولت، نمایندگان مجلس و دیگر سیاستمداران ما، بسیار نامناسب است و همه می‌گویند این حرف‌ها مزخرف است. این موضوع با مسائل داخلی تفاوت دارد. بحث آبروی حزب دمکرات آمریکا و آینده ریاست‌جمهوری آن‌ها در میان است. حتی اگر اشتباه کرده باشند به این راحتی از موضوع نمی‌گذرند. ممکن است واکنش آنی نداشته باشند ولی موضوع را فراموش نخواهند کرد. این مسئله در ادامه دستور اوایما برای قتل بن‌لادن و رهبر القاعده در یمن و در ارتباط با مسائل امنیتی آمریکا مطرح شده است و سناریو ناقص نخواهد بود. اسب تروا را هم در داخل داریم.

هوانگ دی: [...] آقای فریدونی، با نظر شما در مورد دستگاه دیپلماسی موافق نیستیم. اول، آنچه برد دارد و ثبت می‌شود بیانیه رسمی دولت است لاغیر. همان‌گونه که در ایران خیلی‌ها مزخرف می‌گویند، در آمریکا هم خیلی مزخرف‌ها گفته‌اند و بالاخره نظر شخصی‌شان است. ولی آمریکا از لحظه اول بدون هیچ تردید انگشت اتهام را به طرف دولت ایران و نه افراد ایرانی نشانه گرفت. قاعدتاً آن‌ها باید می‌گفتند توطئه‌ای کشف کرده‌ایم، یکی از متهمین ساکن ایران است، آقا ایران این فرد را تحویل بده یا ازش بازجویی کن یا هر آنچه دیگر که عرف بین‌الملل است.

من تمام مدت نگران بودم نکند ایران [...] در دام بیفتد و طبق آن نظر با حسن‌نیت بگوید آقا بیاید هیئت مشترک تشکیل بدهیم و ما در تحقیقات با شما همکاری می‌کنیم. این یعنی قبول ضمنی اتهام آمریکایی‌ها. ایران بسیار عاقلانه اول سفر آقای احمدی‌نژاد را لغو کرد. بالاخره ایشان رئیس‌جمهور است و خیلی راحت جوگیر می‌شود. [...] وزیر خارجه هم خیلی مختصر در حاشیه هیئت دولت گفت آمریکایی‌ها اتهام بیجا زده‌اند و مجبور به عذرخواهی خواهند شد. یعنی خیلی ضمنی خواست ایران را مطرح کرد. بعد هم گفت ما خواهان حفظ روابط با سعودی هستیم. والسلام. توجه کنید که حتی سعودی هم هنوز تصمیم خود را نگرفته است. البته پشت صحنه همه در حال رفت و آمدند. همه منتظرند ببینند برآمد چه خواهد بود.

محمد رضا صداقت: تروریست‌ها در جای دیگر لانه دارند: عربستان خودش حامی بزرگ تروریسم و صادرکننده تروریست به منطقه و دنیا است. آیا در ۱۱ سپتامبر ایرانی‌ها هم حاضر بودند؟ گزارش‌های از همدلی مردم ایران با کشته‌شدگان در میدان مادر و... پوشش داده شود. ایران می‌تواند به این نقش عربستان و حضور علنی نظامیان آن‌ها در بحرین و یمن در سرکوب اشاره کند. اگر حضوری هم از جانب ایران در نقاطی نظیر لبنان و عراق و افغانستان بوده این گونه احمقانه و به صورت لشکرکشی و راه انداختن کاروان نظامی نبوده است. به نظر من باید بیش از پیش به ارتباط القاعده و گروه‌های سلفی تکیه کند که ۱۱ سپتامبر و دیگر عملیات تروریستی را در افغانستان، الجزایر، بالی اندونزی، پاکستان (لشکر جنگجوی و سپاه صحابه) به راه انداختند و نقش کسانی چون ابومصعب الزرقاوی و فتاوی مفتیان رسمی تندروی وهابی. و با این یادآوری در افکار عمومی، آمریکاییان را مجبور به فاصله گرفتن از شاخه منطقه‌ای ایشان در این سناریو، عربستان، بکنند.

آریا برزین: طالبان نه تنها دشمن بلاد کفر و در رأس آن‌ها آمریکا بود بلکه خود را از هم‌کیشان خود نیز مسلمان‌تر می‌دید و ایران و شیعیان و مجاهدین افغان را کافر قلمداد می‌کرد. با این اتهام عملاً ایران جایگزین طالبان در افکار جهان خواهد شد که هم با آمریکا خصومت دارد و هم با مسلمانان دیگر چون عربستان. [...] ادعای عباسی‌ها و ازغدی‌ها هم این مدعا را ثابت می‌کند که ایران در قلب آمریکا نیرو دارد. البته خود ایران در جریان شهرام امیری در منابع رسمی این ادعا را مطرح کرد که خودی‌ها وی را فراری دادند و به پناهگاهی امن بردند و بعد به ایران آوردند. غیراز گزارش احمد شهید و آژانس اتمی، که مکمل این قضایا هستند، فقط مانده بگویند قذافی در ایران است و طرح‌های تروریستی را از آنجا پیگیری می‌کند.

علی خدایپناهی: این تندروی‌های جاهلانه یا شاید عامدانه کار دست ایران خواهد داد.

آرش قاسمیان: جالبه. حتی در برنامه بی بی سی و حتی در بین مردم مخالفان جمهوری اسلامی این طرح را ابلهانه

و سناریوی آمریکا می‌خوانند.

علی خدایپناهی: این هم از خبر گزاری‌های داخلی ما و جالب‌تر نظرات خوانندگان. «جهان نیوز: پادشاه عربستان سعودی مُرد؟» [+]

احسان ایرانی: جناب خدایپناهی! انصافاً اگر این خبر با عنوان سرگرمی در «بالاترین» لینک شود (نه خبر جدی) بسیار مطلب دلنشینی است. می‌خواهند جنگ روانی راه انداخته و طرف آمریکایی و شریک وی عربستان سعودی را سر جای خود بنشانند. پناه بر خدا.

علی خدایپناهی: شک دارم گردانندگان سایت‌هایی نظیر جهان نیوز یا مشرق ندانند تبعات این گونه خبرسازی‌ها چیست؟ مسلماً هدف مشخصی از پخش این گونه اخبار و حتی نظرات سخیف ذیل آن وجود دارد. آیا سربازان اسب تروا مهیای پیاده شدن می‌شوند؟

آرش آرامش: سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، نیز در واکنش رسمی به این موضوع گفت: «تهران باید پاسخگوی این حرکت باشد.» وزیر امور خارجه عربستان سعودی همچنین گفت: هر اقدامی که مقام‌های ایرانی علیه عربستان سعودی انجام با پاسخ سنجیده این کشور روبرو خواهد شد. بلافاصله بعد از طرح این اتهامات، محمد خزاعی، نماینده دائم ایران در سازمان ملل، با ارسال نامه‌ای به بان کی مون، دبیر کل این سازمان، ارتباط ایران با چنین توطئه‌ای را رد کرده است.

نظام فریدونی: دوست عزیز هوانگ دی، موضوع را دست کم نگیرید. در آمریکا رئیس جمهور، رئیس دادگستری و رئیس اف بی آی موضوع را مطرح می‌کنند نه یک عده آدم معمولی. بنابر این، حساب شده است. منظور این نیست که آن‌ها راستگو هستند ولی با برنامه مشخص و سناریوی حساب شده وارد شده‌اند و به این راحتی عقب‌نشینی نخواهند کرد.

هوانگ دی: آقای آرامش، آقای سعود الفیصل این سخنان را بر زبان آوردند ولی بلافاصله بعد از آن سخنگوی‌شان اعلام کرد که این نظر شخصی ایشان بود. نظر رسمی دولت سعودی تا این لحظه همان است که گفته‌اند: در حال سنجیدن موضوع هستند.

هوانگ دی: آقای فریدونی، نظر شما صحیح است. ولی مخالفان هم اشاره می‌کنند به نطق کالین پاول در سازمان ملل در مورد صدام حسین. البته آنچه برای من نگران‌کننده است همان ایراد آقای اویاماست که از روز اول مخالفان بر آن تأکید داشتند و آن نداشتن سابقه کار اجرایی است.

آرش آرامش: یعنی شما واقعاً باورتان می‌شود نظر شخصی و حکومتی برای سعودی‌ها دوتا است؟ هوانگ دی: اگر این نظر دولت سعودی بود نمی‌گفتند نظر شخصی است. همچنان که بعد از گفته‌های آقای صالحی کسی آن را پس نگرفت. البته ایشان در جلسات دولت سعودی حتماً از نظرشان دفاع خواهند کرد و شاید هم غالب شود. ولی فعلاً نظر رسمی دولت سعودی همان است که در حال سنجیدن پاسخ‌شان هستند.

احسان ایرانی: در این وضعیت آشفته دستگاه قضایی می‌خواهد جعفر پناهی [کارگردان سینما] را ببرد زندان. این مسئله عین توپ صدا خواهد کرد. [+]

نظام فریدونی: گزارشگر سازمان ملل احتمالاً مستنداتی کم داشته که دوستان از داخل برایش فراهم می‌کنند. نمونه‌های دیگر هم در دست اقدام است مانند محاکمه کشیش مسیحی و احتمالاً موارد دیگر هم کمک خواهد کرد، البته اگر لازم شد.

احسان ایرانی: اضافه می‌کنم شلاق زدن چند دانشجو که عکس آن همه جا پخش شد و همچنین محکومیت هنرپیشه زن ایران (همسر آقای تقوایی) طی همین روزها به زندان و شلاق. من جای حاکمیت باشم به جای حل و فصل مسائل جهانی، فلسطین، آمریکای جنوبی، وال استریت، رسانه‌های صهیونیستی بین‌المللی و امثالهم، چند نفر را مأمور می‌کردم بررسی کنند که این مسائل از کجا آب می‌خورد.

سامان فرهودی: مطلبی که شاید برای خبرنگارانی که به این بیج سر می‌زنند جالب باشد، صفحه آقای جانی ارباب سیر در فیسبوک است. ایشان به احتمال بسیار قوی پسر منصور است چون شهر محل تولدشان را در همان تکزاس ذکر کرده‌اند که همان محل اقامت منصور است. [+ در لیست دوستان ایشان فردی به نام محمدحسین ارباب سیر وجود دارد که فامیل ایرانی ایشان و مقیم تهران است. +]

رقبای اوپاما در انتخابات ۲۰۱۲: میت رامنی و مشاورش ولید فارس

ساعت ۴:۰۶ بعد از ظهر شنبه، ۲۳ مهر ۱۳۹۰ / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: توجه دوستان را جلب می‌کنم به هیولاهایی که برای انتخابات ۲۰۱۲ در برابر اوپاما صف کشیده‌اند مضافاً این که در درون حزب دمکرات نیز اوپاما با جبهه راست دمکرات‌ها مواجه است که نامزدشان هیلاری کلینتون است. جالب‌ترین مدعی انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲ میت رامنی [+] است؛ موجودی که قرن برتری آمریکا را وعده داده و مورد حمایت نئوکان‌هاست.

مشاور سیاست خارجی آقای میت رامنی یک نئوکان افراطی لبنانی به شدت ضد ایرانی و همکار فعال فاکس نیوز است بنام ولید فارس. این آدرس سایت اوست. [+]

آقای رامنی حدود دو هفته پیش، در اوائل اکتبر، ولید فارس را بعنوان مشاور خود در امور سیاست خارجی منصوب کرد و این امر در میان فعالین ضد جنگ آمریکا بازتاب بسیار منفی داشت. کورت نیمو در وبگاه اینفووارز نوشت: میت رامنی، که به ما قول داده برای مان «قرنی سرشار از کشتار انبوه و جنایت علیه بشریت» به ارمغان آورد، یک نئوکان را بعنوان مشاور سیاست خارجی خود منصوب کرد. بنوشته کورت نیمو، ولید فارس در نیمه دهه ۱۹۸۰ عامل حزب فالانژ لبنان در واشنگتن بود و اینک تمامی هم و غم او تبلیغ علیه سوریه و ایران است. کورت نیمو می‌افزاید: فارس با دیوید هاروویتز، مارکسیست سابق و عامل سیا و گرداننده وبگاه به شدت ضد اسلامی «مجله فرانت پیج»، [+] که خود پذیرفته به ایالات متحده خیانت کرده، ارتباط دارد. [+] این هم بیوگرافی جالبی از آقای هاروویتز. [+]

ولید فارس یک آمریکایی لبنانی تبار است که در واشنگتن با نهادهای نظامی و امنیتی کار می‌کند و هم اکنون رئیس «پروژه تروریسم آینده» است در «بنیاد دفاع از دمکراسی‌ها». او از نئوکان‌های فعال و همکار شبکه فاکس نیوز است و نویسنده کتاب‌هایی چون «جهاد آینده»، «جنگ عقاید»، و «انقلاب در حال وقوع». فارس، چنان‌که وبگاه شخصی‌اش نشان می‌دهد، در چند روز اخیر به شدت در کارزار تبلیغاتی «توطئه ترور» علیه ایران فعال بوده است.

منظورم این است که آقای اوپاما با لابی به شدت مهاجم نئوکان مواجه است که در پی جنگ خاورمیانه هستند و در کنگره اقتدار فراوان دارند.

در ماجرای توطئه ادعایی، اوپاما اگر عقب نشینی کند، که نخواهد کرد، به معنای سقوط او خواهد بود و رسوایی بزرگ و کم‌سابقه در تاریخ آمریکا.

به گمان من، مستندات در کار است که شبکه موساد و عوامل نئوکان‌ها فراهم آورده‌اند و طبیعی است که این مستندات به معنی تأیید ادعاهای اریک هولدر و مولر نیست. باید دید چه کسانی دست‌اندرکار این توطئه پیچیده بوده‌اند. این کاوش برای ما حیاتی است.

ضمناً دوستان توجه کنند که جواب‌های، هوی است. وقتی ترکی الفیصل، رئیس سازمان امنیت سعودی، به خود اجازه می‌دهد آن مهمات را بگوید باید یکی جوابش را بدهد. اینها منافات ندارد با کارهای کارشناسی.

محمد رضا صداقت: من اینجا زنجیره‌ای از پیام‌ها گذاشتم چون به یک کل‌نگری اعتقاد دارم. پیشنهاد برای فشار آوردن به اتحادی بود که سعی در قدیس‌سازی خود دارد: عربستان و آمریکا و ارائه چهره‌های معصوم و قدیس و صلح‌جو از خود. حلقه ضعیف‌تر این اتحاد شوم ضد ایرانی پیشینه عربستان است. اتفاقاً مردم عادی آمریکا هنوز آن را از یاد نبرده‌اند و لازم است یادآوری شود که فرزندان‌شان هم‌اکنون در افغانستان و پاکستان با پروردگان دولت سعودی می‌جنگند و توسط آن‌ها کشته می‌شوند. مطمئن باشید اگر حمله‌ای باشد نیاز به پایگاهی منطقه‌ای است. اینجریک؟ بگرام؟ کردستان عراق؟ کم‌خطرترین آن‌ها ظهران است زیرا در کردستان حزب‌الله کردستان و در افغانستان نیروهای متحد ایران حضور دارند. ترک‌ها این ریسک را نمی‌کنند که چهره اسلام‌مدارشان را مخدوش کنند. آذربایجان؟ سایه روس‌ها آنجا سنگین است. جزیره دیگو گارسیا؟ شاید. بیان من بخشی از اقدامات تبلیغاتی است که ایران می‌تواند انجام دهد. [...] عرصه سیاست عرصه تحمل و صبوری است نه عرصه میتینگ و هیجان. من به کلام مرحوم کاظم سامی عشق می‌ورزم که سیاست‌ورزی یک حرفه است. [...] سیاست چانه‌زنی است رینگ بوکس نیست. [...]

شاید هم حق با دوستان باشد. چون نتوانستند در قوطی خیارشور راکت به اروپا ببرند این بار در شورولت بمب به واشنگتن بردند. [...]

احسان ایرانی: [...] بنده آن روز را دیده‌ام که تانک‌های صدام از جزایر مجنون با سرعت خود را به جاده آبادان اهواز رسانیدند. اواخر جنگ بود. در سه راهی همدان برادرانی که با لباس مبدل در حال فرار بودند را بازداشت می‌کردند... [...] تازه آن‌ها بسیجی‌های آن موقع بودند نه این... [...] بنده خیلی خیلی خیلی دیده‌ام که در زمان جنگ وقتی کار سخت می‌شد این هارت و پورت‌ها چگونه دود می‌شد و به هوا می‌رفت.

جنبش برآشفتگان: تظاهرات جهانی ۱۵ اکتبر

شهبازی: امروز، ۲۳ مهر ۱۳۹۰ / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱، تظاهرات اعتراضی جنبشی که در اروپا «برآشفتگان» Indignados نام گرفته، گسترده بود و در شهر رم به خشونت کشیده شد. [+] شبکه ارنیوز صحنه‌هایی از تظاهرات رم و آتش‌سوزی در خیابان‌ها نشان می‌دهد. سرانجام، بحران جهانی خود را در شکل یک جنبش اعتراضی عظیم متجلی ساخت؛ جنبشی که کمتر از یک ماه پیش در ۱۷ سپتامبر با اجتماع کوچک در پارک زوکاتی منتهن آغاز شد. نیویورکی‌ها امروز ساعت ۵ بعدازظهر در تایم اسکوائر اجتماع خواهند کرد.

گرین داو: چه خبره این در ولدا! [+]

شهبازی: فضای جهانی به سرعت شبیه به دوران "رکود بزرگ" می‌شود که به جنگ جهانی دوم انجامید. عکس‌هایی از اجتماع جنبش ضد وال استریت دیروز ۱۴ اکتبر. [+] صفحه اول وبگاه روزنامه یونیتا (ایتالیا) را ببیند. [+] عکس جالبی است. [+] صحنه‌هایی از تظاهرات میلان. [+]، +، + این تحلیل‌ها بی‌پایه است که ما قدرت داریم و کسی جرئت حمله به ما را ندارد زیرا توانش بسیار سنگین است. مسئله اصلاً این گونه نیست. بحران اقتصاد جهانی به اوج رسیده و باید از طریق یک جنگ بزرگ در خاورمیانه این بحران را به نوعی مهار کنند. مگر جنگ اول جهانی به بهانه یک حادثه احمقانه (ترور فرانتس فردیناند، آرشیدوک اتریش، توسط یک دانشجوی صرب در سارایوو) آغاز نشد؟

آرش دادگر: اوپاما دست به قمار زد که سال‌ها پیش کارتر از آن بازنده بیرون آمد و کمترین هزینه آن واگذاری انتخابات سال آینده ریاست جمهوری آمریکا است. نئوکان‌ها، با علم به این که تغییر سیاست‌های اصولی ایران در این وضعیت امکان‌پذیر نیست، او را وارد یک بازی از پیش باخته کرده‌اند. بدرود اوپاما.

امین روستاپور: من که هنگ کردم. هیچوقت وسعت اتفاقات و شتابی که رویدادها دارند به اندازه الان نبوده. گرین داو: استاد، فکر نمی‌کنید خیلی زود نتیجه گرفته‌ایم؟ هنوز کلی تئوری رد نشده در باب ماجرا روی میز است. آیا نقطه اتصال قوی بین این تظاهرات بی‌سابقه با ماجرای اتهام ترور می‌بینید چه از لحاظ توطئه بودن ماجرا چه از لحاظ جنگ برای پاسخ؟

امین روستاپور: به نظر می‌رسد نقشه شومی در سر این شاهزادگان فاسد سعودی است مخصوصاً شاهزاده بندر بن سلطان. این مردک در زمان حادثه یازده سپتامبر سفیر عربستان در آمریکا بود. اگر عبدالله بمیرد [...] ادعای سلطنت دارد.

آرش آرامش: آقای دادگر عزیز، توجه داشته باشید برنامه‌ریز کشوری عریض و طویل [چون آمریکا] دست یک نفر نیست که بازی بخورد [...] هر کس دیگری در رأس باشد مسیر غیر از این نخواهد بود.

جناب روستاپور عزیز، هر نوع حرکت نظامی در منطقه خلیج فارس اتفاق بیفتد بزرگ‌ترین بازنده آن همین شاهزادگان سعودی خواهند بود. کشوری ساخته شده با توریسم بالا یک شبه از بین خواهد رفت. بنابراین، خواب را در جای دیگر دیده‌اند.

گرین داو: مصاحبه امشب آقای بنی‌صدر. عیناً مواردی را مثال زدند که استاد اشاره کردند مثل سفر رئیس جمهور فرانسه و ترور بختیار و حمل مواد منفجره به عربستان... بنی‌صدر گفت: «تصدی‌کنندگان این ترور بنای‌شان بر ترور نبود می‌خواستند برای حکومت آمریکا مدرک درست کنند.» [+]

بهروز کلورزی: باسلام خدمت استاد گرامی و دوستان محترم. خواستم عرض کنم که هستم و از نظرات ارزشمند استاد و دوستان استفاده می‌کنم. با اتفاقات عجیب و غریب چند روز گذشته و اظهارات عجیب‌تر بعضی از برادران

مسئول در داخل و مصاحبه معنی‌دار افراد صاحب‌نام آدمی حسس می‌کند چه چیز در انتظار ماست. برای فهمیدن کجا بهتر از کلاس درس استاد؟

امیر غنوی: آغاز افشاگری سوریه. افشاگری‌های وعده داده شده می‌تواند بسیاری از معادلات را برهم زند و توطئه ترور سفیر سعودی را از خاطره‌ها محو کند. اعترافات بندر بن سلطان از پشت پرده ترور عماد مغنیه و رفیق حریری. [+] به نظر می‌رسد کاملاً بازی عوض شده و مدت‌ها طول می‌کشد تا عربستان و آمریکا بتوانند بازی را برگردانند. اعترافات بندر بن سلطان بسیار گسترده‌تر از آن است که در تیتیر خبر آمده و ظاهراً شازده سعودی بدجوری بند را آب داده است. به نظر می‌رسد اگر عربستان بازی طرح ترور را ادامه بدهد ممکن است فیلم تفصیلی اعترافات شازده سعودی پخش شود که باید تأثیرات بسیار گسترده‌ای داشته باشد. سوریه برگ برنده را در این لحظه رو کرده است. البته نه تمامی آن را. باید منتظر انعکاس خارجی بسیار گسترده این خبر بود. خبری که ظاهراً هنوز پخش نشده است.

ضمناً بخش‌هایی از اعترافات بندر بن سلطان در یوتیوب موجود است. البته نه این قسمت‌هایی که «مشرق» اقدام به انتشار آن کرده. این هم لینک بخشی از آن. [+]

کنا مینگولو: داستان ترور سفیر عربستان را طور دیگری هم می‌توان تحلیل کرد. توجه کنید که احمدی‌نژاد و مشائی از روز اول می‌کوشیدند ارتباطات خود را با آمریکا گسترش دهند و نوعی لابی ایرانی در آمریکا بسازند. [...]

جنبش جهانی ضد زرسالاری: تألمات من

ساعت ۷ صبح یکشنبه، ۲۴ مهر ۱۳۹۰ / ۱۶ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: بیست سال پیش نگارش کتاب "زرسالاران" را آغاز کردم که پنج جلد آن منتشر شده و در همین حدود مطلب انتشار نیافته مهیا دارم. زمانی که این کتاب را منتشر کردم هیچگاه تصور نمی‌کردم شاهد روزی باشم که جنبشی با این قدرت و وسعت در سراسر جهان علیه سلطه زرسالاران (پلوتوکرات‌ها) و نظام زرسالاری جهانی (پلوتوکراسی) پدید آید. آن زمان کانون‌ها و نهادهایی که باید از کارم حمایت می‌کردند چنین نکردند بلکه مانع تراشی کردند. قول داده بودند کتاب را به عربی و انگلیسی ترجمه و منتشر کنند که نکردند. کتاب به زبان فارسی باقی ماند. کتابی که در نوع خود بی نظیر است.

مانع تراشی‌ها و آزارها سبب شد که نه تنها قادر به انتشار مابقی مجلدات نشوم، بلکه برای تأمین معاش به ارثیه پدری روی آورم و زندگی‌ام را به شیراز منتقل کنم. گمان می‌برند به این ترتیب منزوی و خانه‌نشین خواهم شد. سال‌ها درک نمی‌کردم چرا؟ بای ذنب قتل؟ و اکنون می‌دانم چرا بر من چنین رفت.

میزان تنفر برخی کانون‌ها و شبکه‌های قدرتمند داخلی از کتاب‌ها و تحقیقات من در حدی بود که مثلاً برای کتاب "ظهور و سقوط سلطنت پهلوی" نه تنها جایزه و صله و خلعتی به من ندادند، بلکه حتی حق التالیف قانونی‌ام را دزدیدند. از چاپ چهاردهم تا اکنون که کتاب به چاپ بیست و هفتم یا بیست و هشتم رسیده، حق التالیف من پرداخت نمی‌شود. چرا؟ به دلیل همان کینه‌ای که عرض کردم. گناهی نابخشودنی مرتکب شده بودم.

اینها همه مشیت الهی بود تا استقلال خود را باز یابم. اگر در تهران ماندگار شده بودم، می‌توانستند غیرمستقیم و با نقشه‌های پیچیده مرا به این و آن حوزه تحقیقی جذاب منحرف کنند. خطایی بسیار بزرگ کردند که مرا رها کردند. خطایی بزرگ کردند که با دست خود زمینه استقلال مالی و تداوم تحقیق مرا، بدون وابستگی به این و آن نهاد قدرت، فراهم آوردند.

امروزه که پیدایش جنبش جهانی ضد پلوتوکراسی را با این وسعت می‌بینم، افسوس می‌خورم که چرا کتابم به انگلیسی منتشر نشد.

امروز شاد از خواب برخاستم زیرا عنوان اول روزنامه‌های جهان از جهانی شدن جنبش ضد زرسالاری خبر می‌داد؛ جنبش ضد پلوتوکراسی یعنی حاکمیت یک درصد بر ۹۹ درصد که شعار این جنبش است.

عنوان صفحه اول روزنامه نخست آمریکا را بنگرید، واژگتن پست: «اتحاد خشم: جنبش ضد وال استریت جهانی شد.»

[+]

آنچه نوشتیم، اولین احساس امروز صبح من است. با اجازه دوستان به مطالعه اخبار و گزارش‌ها و مقالات سایت‌ها می‌پردازم و بایگانی کردن آن‌ها برای کارم. موفق و پیروز باشید.

گالری عکس‌های عالی واشنگتن پست از تظاهرات جهانی دیروز، ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱، علیه پلوتوکراسی را در این آدرس ببینید و بایگانی کنید. این عکس‌ها تاریخی و تاریخ ساز است. [+]

نظام فریدونی: آنچه امروز مشاهده می‌کنیم با آموزه‌های دینی ما مغایرت ندارد. این وعده خداوند است که در نهایت آدمیان بر شیاطین پیروز می‌شوند و وعده خداوند همیشه درست بوده است. ولی بدون شک این پیروزی آسان نخواهد بود. ضمن این که از نتیجه مطمئن هستیم باید مبارزه‌ای جانانه با ظلم و ستم داشته باشیم. از این که استاد را این قدر شاد و بانشاط می‌بینم بسیار خوشحالم و خداوند را سپاس می‌گویم. خداوند نگهدار ایشان باشد.

بابک بهپورنیا: شکایت آمریکا از ایران به شورای امنیت ارسال شد.

امین روستاپور: بندر بن سلطان مجری سعودی‌ها در توطئه ۱۱ سپتامبر کیست؟ [ارجاع داده‌اند به مقاله «تیبان» + و این آدرس +] «اعترافات بندر بن سلطان از پشت پرده ترور مغنیه و رفیق حریری.» [+]

شهبازی: دوستان، یادداشت جدیدی در وبلاگم منتشر کردم: خجسته باد جنبش جهانی ضد زرسالاری! آیا اگر ترک، عرب، هندی، پاکستانی، اروپایی یا آمریکایی بودم، با من این گونه می‌کردند؟ [+]

یادداشت فوق تا حدودی شخصی است. تألمات من است. بحث را همین جا ادامه می‌دهیم در پیرامون مباحثی که تاکنون نظر داده شده.

پی‌نوشت: همسر من یادداشت فوق را خواند و متأثر شد. می‌گوید بنویس با چه رنجی «زرسالاران» را نوشتی. یک سال خانه را دو بخش کردیم و دو فرزند کوچک و همسر من در یک بخش خانه زندگی می‌کردند و من در بخش دیگر تا تمرکز از میان نرود. می‌گوید بنویس که چگونه دستت شکست و با دست گچ گرفته ماه‌ها می‌نوشتی. می‌گوید از فشارهای مالی بنویس. از غارت کتابخانه شخصی‌ات بنویس. از رنج‌ها و سکوت بنویس. و خیلی چیزهای دیگر...

محمد رضا صداقت: جناب شهبازی بزرگ، بزرگی هر کس را نشاید؛ لوازمی باید و رنج و زجری و گرنه رمان‌هایی می‌نگاشتید که دخترکان و پسرکان محروم از پاورقی خوانی مجلات زرد، پاستوریزه شده فلان و فلان را دست به دست کنند. بزرگی و رنج هر کسی را نشاید در les fleur du mal شارل بودلر سروده است la vivre c'est une mal و زیستن همانا رنجی است که... به بزرگی تان واقفیم و از رنجی که بردید سپاسگزار و قدردان رنج همراهان تان ایضاً.

امین روستاپور: استاد، کار شما به خاطر زحمتی که کشیده‌اید و عشقی که به کار خود داشتید این گونه ارزشمند شده و مورد توجه اکثر پژوهشگران قرار گرفته است. من خودم به شخصه از خواندن این اثر ماندگار خیلی لذت بردم و همیشه این آرزو را داشتم تا روزی شما را زیارت کرده و از شما به خاطر این زحمات که تحمل کرده‌اید تشکر کنم. باز هم خدا را شکر که در این فضای مجازی لذت مصاحبت با جنابعالی نصیب شد. استاد چه می‌شود کرد؟ فلک را عادت دیرینه این است، که با آزادگان دائم به کین است. ولی شما به راه خود مردانه ادامه دهید که رفیق عشق ندارد غم از نشیب و فراز.

دن ویتو: ان تنصرا لله ینصرکم و یتبث اقدامکم.

مال فیر: دوست عزیز و استاد ارجمند، چیزی را که ما در رؤیا نیز نمی‌دیدیم و حتی باورش برایمان هنوز مشکل است جنابعالی در خشت خام دیدید و سالیان پیش هشدار دادید. اثرات آن اکنون در وال استریت نمایان شده است. با تشکر و قدردانی از زحمات تان.

زهره زمانی: استاد عزیز، اشک‌مان در آمد. انشاءالله که این جنبش جهانی همان قیام مستضعفین علیه تمامی بنیان‌ها و بنیادهای زر و زور و تزویر و ظلم و جور در سراسر عالم با هر عنوان و تحت هر پرچم باشد. اجرکم عندالله. شما به عهد خود وفا کرده‌اید؛ همان عهدی که خداوند از آگاهان ستاند که بر ستم بر ستم‌دیدگان راضی نشوند. انسان‌هایی که در راه آگاهی‌بخشی تلاش می‌کنند بی‌شک ولایت‌پذیری‌شان در برابر خداوند را نشان می‌دهند. راهی که شما برای گریز از ظلمت جهل به عرصه نور و آگاهی گشودید هر روز مشتاقان بیش‌تری را همراه شما راهی می‌کند. بی‌شک خانواده محترمان در اجر شما شریک خواهند بود.

مال فیر: استاد ارجمند، برایم بسیار مهم است احساس شما در وضع حاضر. در این رابطه چه احساسی دارید؟
مریزاد آن قوی دستی که تا آخر نفس دم زد/ اگر چه مشت محکم خورد لیکن مشت محکم زد. شاد باشید.

شهبازی: خوبم جناب مال فیر. ممنون از حضرتعالی و سایر دوستان ارجمند.

مهدی آرام نژاد: نمی دانم چه کشیدی عزیزم، اما من بیش از دو جلدش را ظرفیت خواندن نداشتم. واقعیت‌ها خوره
جانم شده بود. فرصت برای تشکر موجود است. متشکرم آقای شهبازی.

آلن مدس: این مملکت به داشتن اشخاصی فرهیخته و گرانمایه چون شما جناب شهبازی افتخار می کند پیروز و
سلامت باشید.

جعفر ناصر: بروکسل، آتن، سیدنی، رم، توکیو و... بعد از آمریکا به جنبش پیوسته‌اند و این قافله سر باز ایستادن ندارد.
تظاهرات برافشندگان در بروکسل همراه با عکس. [+]

علی خداپناهی: به گزارش العربیه، شاهزاده خالد الفیصل، امیر منطقه مکه، اعلام کرد «سعودی به آشوب‌گران اجازه
نمی‌دهد آرامش حج را به هم بزنند.» محمد التونسی، سردبیر روزنامه سعودی عکاظ، نیز گفت: «این گونه اعمال به جز
هرج و مرج و سلب آرامش حجاج نتیجه دیگری در بر نداشته» و «چنین اعمالی حرمت مراسم حج را نقض می کند و
بر خلاف تعالیم شرع است.» التونسی تأکید کرد این رفتار همچین امنیت ملی سعودی را تهدید می کند. [+]

سناریوی جدید: رسوایی وریتی و جنجال روزنامه ایندپندنت

ساعت ۸ بعدازظهر یکشنبه، ۲۴ مهر ۱۳۹۰ / ۱۶ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: دوستان، جناب فرهودی، این ماجرای آدام وریتی و لیام فاکس و ارتباطشان با موساد در رابطه با ایران که
روزنامه ایندپندنت امروز منتشر کرده، چیست؟

لیام فاکس [+]: وزیر دفاع مستعفی انگلیس است. او که از حزب محافظه کار است در سال ۲۰۱۰ وزیر دفاع شد و دو روز
پیش، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱، به خاطر رسوایی آدام وریتی، [+]: دوست نزدیکش، استعفا داد.

تیترا اصلی ایندپندنت امروز، یکشنبه ۱۶ اکتبر، این است: «فاش شد: بهترین دوست فاکس و پیوندهایش با اپوزیسیون
ایران» «ارتباطات آدام وریتی با موساد.» [+]: و انعکاس آن در روزنامه تلگراف که پشت ایندپندنت را گرفته برای بازتاب
بیش تر خبر. تیترا تلگراف این است: «آدام وریتی به همراه اسرائیل برای براندازی پرزیدنت احمدی نژاد توطئه می کرد.» [+]
خبر ابتدا در ایندپندنت منتشر شد.

یعنی چه؟ آدام وریتی با موساد برای برانداختن احمدی نژاد توطئه کرده بودند؟ این کار چه معنی دارد؟ بازی است؟ برای
چه؟ ماجرا چیست؟

من این طور می فهمم که کاسه‌ای زیر نیم کاسه است. هر چه بگوئید از این ام. آی. ۶ مادر مرده بر می آید. به این
می گویند "عملیات فریب". ولی با چه هدفی؟ یک کامنت در روزنامه ایندپندنت متعلق به دو دقیقه قبل: «آیا این داستان را
ام آی ۶ نوشته؟»

مسخره است داستان. آقای وریتی، دوست لیام فاکس وزیر دفاع مستعفی، با موساد هماهنگ بوده برای ساقط کردن
محمود احمدی نژاد و چند سفر کرده به ایران و با مخالفان احمدی نژاد دیدار کرده. دوستان خود تحلیل کنند این داستان ام.
آی. ۶ ساخته را.

کامنت‌ها را بخوانید. مقاله ایندپندنت [+]: تا این لحظه ۴۳۰ کامنت دارد. اگر شما جای من بودید چه تفسیری می کردید از
این داستان مهیج جاسوسی؟

آقایان فکر می کنند با بچه طرفاند یا الان قرن نوزدهم یا زمان انقلاب مشروطه است که با این بازی‌ها فریب دهند.
قدیمی شده این گونه عملیات فریب. می توانم ده‌ها نمونه تاریخی آزمایش شده ذکر کنم.

همسایه مختار: باید دید انعکاس خبر فوق در داخل ایران چگونه مدیریت می شود.

جواد نادری: بی بی سی نشان داد که دوستان و همشهری‌های آقای تروریست ایرانی [منصور اریاب سیر] اصلاً باور
نداشتند اینکاره باشد. یکی می گفت او خیلی حواس پرت بود. حتی یک از آن‌ها گفت باید یک گروه مستقل برای

بررسی این اتهام تشکیل شود تا حقیقت معلوم شود.

سامان فرهودی: جناب شهبازی، منبع بی نام ایندپندنت گفته وریتی بدون آن که مسئولیت رسمی از طرف دولت بریتانیا داشته باشد خود را نماینده دولت جا می‌زده و در سفر سال ۲۰۰۷ به ایران و دیدارهایی که با اپوزیسیون داشته آن‌ها را با وعده‌هایی درباره تغییر رژیم ایران، که سیاست رسمی بریتانیا نیست، تحریک کرده. جالب‌تر دلسوزی منبع داخل وزارت دفاع برای اپوزیسیون ایران است.

جواد نادری: ولی آقای احمدی‌نژاد بیش‌ترین خدمت را در سال‌های اخیر به اسرائیل انجام داده است. مگر اسرائیل دیوانه است برای ساقط کردن او نقشه بکشد؟ برعکس، فکر کنم برای تقویت او و گروه همراهش تلاش می‌کند. سامان فرهودی: علاوه بر آن به دیدار وریتی با یکی از لابیست‌های نزدیک به احمدی‌نژاد یک ماه پیش از انتخابات ۲۰۰۹ اشاره شده است.

In May 2009, Mr Werritty arranged a meeting in Portcullis House between Mr Fox and an Iranian lobbyist with close links to President Ahmadinejad's regime.

شهبازی: برانداختن رژیم ایران یا دولت احمدی‌نژاد جناب فرهودی؟ تیتیر می‌گوید برای برانداختن دولت احمدی‌نژاد. خیلی فرق می‌کند رژیم ایران یا دولت احمدی‌نژاد.

سامان فرهودی: در مورد ادعای ساقط کردن دولت احمدی‌نژاد به شخصه آن را ناشی از اشتباه خبرنگار در شناخت افراد تصمیم‌گیر در سیستم ایران می‌دانم که در رسانه‌های غربی سابقه بسیار دارد. به عبارت دیگر، باید آن را به سقوط جمهوری اسلامی تغییر داد. اشتباه فوق در استفاده ایندپندنت از عبارت رژیم پرزیدنت احمدی‌نژاد هویدا می‌شود. البته ایندپندنت به روابط مالی وریتی با یک کمپانی اسرائیلی و نزدیکی‌اش به نئوکان‌های آمریکا هم اشاره کرده است. به عبارت ساده، وریتی فردی وابسته به اسرائیل و لابی آن‌ها در آمریکاست که با سوء استفاده از روابطش با فاکس در دیدار با ایرانی‌ها خود را نماینده بریتانیا معرفی می‌کرده و آن‌ها را برای تغییر رژیم و حرکت‌های رادیکال تحریک می‌کرده است.

شهبازی: تصور بنده این نیست جناب فرهودی. تعمدی است در تأکید بر عنوان دولت احمدی‌نژاد. در واقع، سوژه فراهم کردن است برای دولت. معنای خاصی دارد. اصلاً مسئله احمدی‌نژاد است. توجه فرمایید:

Adam Werritty, the man at the centre of the Liam Fox cash-for-access scandal, has been involved in an audacious plot to topple Iranian President Mahmoud Ahmadinejad, it was claimed last night.

جای دیگر:

Mr Werritty, said one source, worked closely with US-backed neocons who thought they could "bring down Ahmadinejad."

زهره زمانی: این خبر شاید به تعبیری یک بازی فریبکارانه باشد برای نجات تیم ا. ن. برای برون‌رفت از فشار بحران‌های رو به افزایش و منحرف کردن اذهان عمومی از مسئله نفوذ عوامل موساد در حساس‌ترین بخش‌های امنیتی - اطلاعاتی و نظامی و اقتصادی که در نهایت فروپاشی از درون را دنبال می‌کنند. [...]

محمد امیدداز: اگر ممکن است بیش‌تر توضیح دهید. چرا باید به سراغ احمدی‌نژاد بروند؟ چه هدفی ممکن است داشته باشند؟

شهبازی: اول، مشخص است که منبع مطلع این گزارش در ایندپندنت امروز ام. آی. ۶ است. دوم، موساد اینقدر بی‌اطلاع جلوه داده شده که تصور می‌کرده آقای وریتی رئیس ستاد (رئیس دفتر) لیام فاکس وزیر دفاع و یک مقام رسمی است.

سوم، وریتی، که با موساد و نومحافظه‌کاران آمریکا رابطه نزدیک دارد و هوادار سرسخت پیوند با نئوکان‌هاست، توطئه کرده برای ساقط کردن دولت احمدی‌نژاد. توجه شود که نامی از حکومت ایران نیست. فقط دولت احمدی‌نژاد. بنده به عنوان محقق که سال‌هاست این گونه کیس‌ها را مطالعه کرده‌ام، چه نتیجه‌ای می‌گیرم؟ به این گونه سناریوها در واژگان اطلاعاتی می‌گویند: "عملیات فریب" Sting operation

مثال می‌زنم: سرویس اطلاعاتی بریتانیا می‌خواهد فردی را در کشور هدف برکشد. کشور هدف دشمن بریتانیاست و روشن است که حمایت از یک چهره سیاسی در کشور هدف به سود اوست. اینجاست که بازی‌های پیچیده و غیرمستقیم آغاز می‌شود. مثلاً، در دیپلماسی کشور هدف گره‌های کوری ایجاد می‌شود که سپس به دست یک دیپلمات معین از کشور هدف باز می‌شود. این باز شدن گره طبیعی نیست و در پشت پرده سرویس اطلاعاتی کمک می‌کند. روشن است که این اقدام به ارتقاء دیپلمات می‌انجامد. یک نمونه از "عملیات فریب" توسط سرویس اطلاعاتی بریتانیا در تاریخ معاصر ایران، اقداماتی است که سبب شد حکومت بلشویکی شوروی، که تازه به قدرت رسیده بود، رضا خان سردار سپه را بعنوان "شخصیت ضد انگلیسی" بشناسد و از او حمایت کند. مجله پیکار، که توسط مرتضی علوی برادر ارشد بزرگ علوی (نویسنده معروف) در برلین منتشر می‌شد، در سال ۱۳۱۰ در مقاله‌ای با عنوان «سیاست جاسوسی انگلیس‌ها در ایران» نوشت:

«پس از این که رضاخان را انگلیس‌ها کاملاً به سمت نوکری خود درآوردند، قنصل انگلیس (مقیم اهواز) راپورتی به‌عنوان چمبرلن، وزیر مستعمرات انگلستان، می‌نویسد و در راپورت مزورانه خود می‌نویسد که ما هر قدر سعی و کوشش نمودیم رضاخان را با خود همراه نماییم موفق نشدیم و آنچه حقیقتاً کشف کردیم با حکومت شوروی مناسبات حسنه دارد و هیچ حاضر نیست که با ما کنار بیاید. و این راپورت خود را طوری کرد که بوسیله جاسوس‌های خودشان به دست قنصل‌های حکومت شوروی بیفتد. متأسفانه این عمل مزورانه طوری در محافل سیاسی روس‌ها تأثیر بخشید که تا امروز هم در روسیه کسانی هستند که عقیده دارند رضاخان طرفدار شوروی و... مخالف سیاست استعماری انگلیس‌ها است...» (پیکار، سال اول، شماره ۶، ۱ ژوئن ۱۹۳۱/۱۰ خرداد ۱۳۱۰)

من این ماجرا را وارد شدن یک جریان مرموز تفسیر می‌کنم به سود احمدی‌نژاد و برای تقویت او و تحکیم موقعیتش در ایران. یعنی، موقعیت احمدی‌نژاد را بسیار متزلزل یافته‌اند و این سوژه را درست کرده‌اند برای بقا و تثبیت احمدی‌نژاد. این ماجرا یک پیام خیلی روشن دارد: کسانی که این گزارش جنجالی را در ایندپندنت منتشر کرده و سپس در دلی تلگراف پوشش خبری وسیع داده‌اند، نگران سقوط دولت احمدی‌نژاد هستند. توجه کنیم که روزنامه تلگراف همان است که در شماره ۳ اکتبر ۲۰۰۹ / ۱۱ مهر ۱۳۸۸ در مقاله‌ای ادعا کرد احمدی‌نژاد یهودی تبار است و به این ترتیب به جنجالی که مهدی خزعلی آفریده بود درباره نام موهوم «سبورجیان» دامن زد. [۱] آن زمان همه این مسئله را دشمنی با احمدی‌نژاد تلقی کردند ولی از نظر من هدف چیز دیگر بود: ایجاد یک شایعه موهوم و بی‌اساس که بعداً بتوان تکذیبش کرد و راه این گونه حرف‌ها را برای همیشه بست.

سرزمین مادری: آقای شهبازی، پیشنهاد می‌کنیم نظرات مستند خود را پیرامون این مسایل در مقاله‌ای به زبان انگلیسی گرد آورید تا منتشر شود و البته عقلاً (به کمک ابزارهای جدید ارتباطی نظیر فیسبوک) در انتشار بیش از پیش آن بکوشند. به نظر من اگر "دلایل قوی باشد و معنوی" حتماً در عموم مخاطبان تأثیرگذار خواهد بود و ریشه حرکات ضد جنگ دیگری خواهد شد. شما تنها نیستید.

شهبازی: یکی در کامنت‌ها با تعریض به گزارش ایندپندنت نوشته: «سرویس اطلاعاتی اسرائیل موساد که فکر می‌کرد وریتهی رئیس دفتر آقای فاکس است...» این چگونه سرویس اطلاعاتی بوده؟

کامنت دیگر ذیل مطلب روزنامه ایندپندنت: «غیرقابل قبول است که آدم وریتهی بعنوان توریست با یک دوربین آویخته به گردن به تهران سفر کند و هیچ کس در دستگاه بریتانیا از این مسئله مطلع نشود! و نیز غیرقابل قبول است که دستگاه اطلاعاتی ایران نداند که آقای وریتهی [که به ایران سفر کرده] کیست! و اگر وریتهی پس از سفرهایش به تهران از سوی ام. آی. ۶ تخلیه اطلاعاتی شد، غیرقابل قبول است که وزارت خارجه بریتانیا از "مأموریت" او مطلع نباشد... پس از داستان بسیار مضحک واشنگتن درباره "توطئه ایران" برای کشتن سفیر سعودی در واشنگتن، یک داستان بسیار بد دیگر که حتی سیا نیز حالش از آن بهم می‌خورد... به کسانی که در این زمینه تردید دارند توصیه می‌کنم کتاب ژنرال کالین پاول، وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، را بخوانند که نشان می‌دهد چطور نئوکان‌ها اعتبار نظامی و سیاسی او را خراب کردند از طریق فرستادن وی به شورای امنیت سازمان ملل برای قانع کردن جهانیان که صدام حسین سلاح‌های امحاء جمعی در

اختیار دارد. افسوس که سیاستمداران بریتانیایی متواضع‌تر از آن هستند که بنویسند چگونه دروغ‌های تونی بلر اعتبارشان را خراب کرد.» (پایان نقل قول از کامنت فوق)

مال فیر: به گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس در اسلام‌آباد، روزنامه اردو زبان امت چاپ پاکستان در گزارشی پیرامون اتهام اخیر آمریکا به ایران، به نقل از یک مقام عالی‌رتبه سازمان اطلاعات پاکستان نوشته است که متهم این پرونده ۳ ماه [پیش] از سازمان اطلاعات رژیم صهیونیستی (موساد) مدارک هویت جعلی دریافت کرده است. [۱]
سرافراز کاویانی: استاد، حق کلام را در این مطلب آخری بیان کردید. چون هنوز هم در ضد انگلیسی بودن رضا خان قلم‌فرسائی می‌کنند و اصرار عجیبی هم در باوراندن این مطلب به مخاطب خود دارند.
بهروز کلورزی: استاد توضیح و تشریح حرفه‌ای شما در رابطه با عملیات فریب بسیار ارزشمند است و قابل ستایش. ای کاش همه مردم بفهمند. حداقل افرادی که خود را روشنفکر می‌دانند بتوانند این گونه عملیات‌ها را به درستی شناسایی کنند و فریب نخورند. وقتی یک دولت با همه مسئولان و مشاورانش (روس‌ها) از استعمار پیر فریب می‌خورند وای به حال آدم‌های عادی. [...]

کامنت جناب نادری درعین سادگی بسیار گویاست و نیاز به تشریح ندارد. خارج از همه جناح‌بندی‌های سیاسی واقعاً کلیه نظرات و سخنرانی‌ها و عملکردهای احمدی‌نژاد در شش سال اخیر آیا به ضرر اسرائیل بود یا به نفعش؟ اسرائیل از این همه اظهارنظر جناب رئیس جمهور چه در داخل و چه در خارج از ایران کوچک‌ترین لطمه‌ای خورده، یا نه، خیلی هم سود برده؟

مهدی ایرانی: جناب شهبازی، به نظر می‌رسد منظور مقاله در واقع تغییر رژیم بوده نه شخص احمدی‌نژاد و همانطور که جناب فرهودی گفتند اشتباه رایج خبرنگاری بوده. در قسمتی از مقاله دیلی تلگراف از قول یک منبع آگاه در دولت گفته شده که عمل آقای وریتی در واقع تغییر رژیم بوده و به زعم ایشان این مسئله احمقانه و فقط در ذهن وریتی بوده. از طرف دیگر تصور نمی‌کنم در میان اپوزیسیون فعال خارج کشور کسانی باشند که صرفاً برای تغییر احمدی‌نژاد فعالیت کرده باشند. این فعالیت‌ها بیش‌تر داخلی بوده و خارجی‌ها معمولاً نگاه به تغییر رژیم دارند.
یک نکته دیگر در مقاله هست و آن هم این که وریتی یک ملاقات بین یک لایبست ایرانی مرتبط با احمدی‌نژاد و فاکس ترتیب داده به تاریخ مه ۲۰۰۹ یعنی روزهای قبل از انتخابات ۸۸.

بازدید آقای وریتی از ایران در سال ۲۰۰۷ بوده و گفته شده بازدیدهای دیگری قبل و بعد از آن تاریخ بوده. یعنی بازدیدها در داخل به احتمال زیاد با اپوزیسیون نبوده (اگرچه این ارتباطات در داخل تقریباً غیرممکن بوده) و احتمالاً حول محور مسئله هسته‌ای بوده چون ایشان در مورد بحث هسته‌ای ایران هم فعالیت می‌کرده.

محمد رضا پویا: در چند روز گذشته تمامی تحلیل‌هایی که معتقدند این یک سناریو است، برای اثبات موضع خود به نکات "فنی" شیوه پیشبرد ترور و بمب‌گذاری استناد کرده‌اند از جمله این که ارباب سیر یک آدم آماتور و غیرحرفه‌ای است و سپاه در طرح‌های خود از این تیپ آدم‌ها استفاده نمی‌کند. یا این که اجرای طرح به عهده یک گروه تبهکار مکزیکی گذاشته شده و این با روش‌های تاکتیک شناخته شده رژیم اسلامی خوانایی ندارد. آن‌چه در این تحلیل‌ها غایب بود این است که آیا رژیم اسلامی برای ادامه حیات به جنگ یا ماجراجویی نظامی نیاز دارد یا نه؟ [...]

الیگارش‌ی مالی و صنایع نظامی بویژه در زمان بحران اقتصادی برای حل بحران به جنگ نیاز دارد. شاهد این مدعا دو جنگ بزرگ جهانی در قرن بیستم است. اما پس از فروپاشی بلوک شرق، جنگ‌های منطقه‌ای و جنگ‌های "نیابتی" جای جنگ‌های گسترده و جهانی را گرفته است. فعلاً خاورمیانه با بودن تروریسم اسلامی جور همه این جنگ‌ها را می‌کشد. اما آن‌چه از اظهارات چند روز اخیر سران دولت آمریکا می‌توان حدس زد این است که گزینه حمله نظامی اولین گزینه دولت آمریکا نخواهد بود. البته این گزینه همیشه بر روی میز کار رییس جمهور آمریکا قرار دارد. هم اکنون، کانون بحران خاورمیانه سوریه است و تحولات سوریه در خاورمیانه تعیین‌کننده می‌باشد. سرنگونی رژیم اسد تبعات بسیار سنگینی برای جمهوری اسلامی خواهد داشت. نه به این علت که جمهوری اسلامی یک دولت حامی خود را از دست می‌دهد بلکه بدین علت که سرنگونی اسد ادامه حیات پدیده تروریسم اسلامی را در مهم‌ترین منطقه خاورمیانه با علامت سؤال مواجه خواهد ساخت. به نظر می‌رسد دولت آمریکا با کمک متحدین خود ادعای ترور سفیر عربستان را به سکوی پرشی برای شکست اسلام سیاسی در سوریه بدل کند.

نئوکان‌ها علیه جنبش ضد وال استریت

ساعت ۷:۵۲ صبح دوشنبه، ۲۵ مهر ۱۳۹۰ / ۱۷ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: "کمیته اضطراری حمایت از اسرائیل"، [+] که ریاست آن را ویلیام (بیل) کریستول به دست دارد، با انتشار ویدئویی سخنان اوباما در تأیید تلویحی جنبش ضد وال استریت [بعنوان نمودی از رنجش مردم آمریکا از بحران مالی کنونی] و حمایت نانسی پلوسی، رئیس فراکسیون حزب دمکرات، را محکوم کرده و جنبش ضد وال استریت را "ضد یهودی" خوانده است. آدرس ویدئوی منتشر شده توسط کمیته اسرائیل در یوتیوب این است. [+] ویلیام کریستول [+] سردبیر مجله ویکلی استاندارد [+] متعلق به روپرت مرداک (مردوخ) است و از سخنگویان نئوکان‌ها و دارای مواضع به شدت جنگ‌طلبانه و ضد ایرانی. ویلیام کریستول به یک خانواده یهودی تعلق دارد و پسر اروینگ کریستول [+] است که بعنوان «پدر نومحافظه‌کاری» شناخته می‌شود. اروینگ کریستول در دهه ۱۹۳۰ تروتسکیست و عضو مجمع سوسیالیستی جوانان خلق بود و در سال ۱۹۵۳ به کمک سیا مجله انکاونتر [+] را بنیان نهاد. ویلیام کریستول فعالیت سیاسی خود را به عنوان دستیار سناتور هنری جکسون (از حزب دمکرات) آغاز کرد که به‌عنوان یکی از افراطی‌ترین مخالفان کمونیسم در تاریخ ایالات متحده شناخته می‌شود. ویلیام کریستول مبلغ سرسخت سیاست‌های جنگ‌افروزان جرج بوش بود. او پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر به گردآوری امضاء برای نامه سرگشاده‌ای خطاب به جرج بوش پرداخت که طی آن خواستار جنگ با عراق شده بودند.

ویدئوی "کمیته اضطراری حمایت از اسرائیل" علیه جنبش ضد وال استریت و متهم کردن آن به گرایش‌های یهودی ستیزانه واکنش شدیدی حتی در میان یهودیان برانگیخته است. برای مثال، دیوید شین، از دبیران روزنامه هآرتز اسرائیل، اقدام کریستول را محکوم کرده است. [+] فیلیپ ویز، که او نیز یهودی است، نئوکان‌ها را متهم کرده که می‌خواهند جنبش ضد وال استریت را «ضد یهودی» بنمایانند. [+] مقالات کارولین مای [+] و ام. جی. روزنبرگ در جوئیش جورنال در این زمینه. [+] و مقاله وبگاه «دیلی کاس» علیه ویلیام کریستول. [+] این هم مطلبی درباره کمیته اضطراری حمایت از اسرائیل و دانیل لوبب حامی مالی آن. [+]

ویلیام کریستول در مقاله دیگری به شدت به جنبش ضد وال استریت حمله کرده با عنوان «بلاغت را جدی بگیرید.» [+] ویلیام کریستول، بعنوان یکی از سرشناس‌ترین سخنگویان نئوکان‌ها، در آخرین شماره ویکلی استاندارد یادداشت تندی نیز علیه ایران نوشته و دولت اوباما را به موضع جنگ‌افروزان علیه ایران فراخوانده. [+]

طرح تجزیه ایران و بالکانیزه کردن خاورمیانه

محمدرضا صداقت: نظر شما درباره درخواست حمله به ایران از سوی احزاب کرد چیست؟ این پروژه بقدری مشمژکننده بود که حتی فدائیان خلق به عنوان متحد قدیمی به حزب دمکرات معترض شدند. آیا این نیز قسمتی از پازل حمله به ایران در داخل مرزهای ایران با حمایت آمریکایی‌ها نیست؟ این سناریو در چارچوب خاورمیانه بزرگ و تکه تکه کردن کشورهای بزرگ دیده نمی‌شود؟

شهبازی: نفوذ اسرائیل در کردستان ایران و عراق شاید کم‌نظیر باشد. مוסاد حداقل نیم قرن پیشینه کار سازمانی جدی در کردستان دارد. آشوب در کردستان، و البته در سایر مناطق مرزی ایران، قطعاً بخشی از این سناریو است.

محمدرضا صداقت: در خصوص نفوذ اسرائیل در میان کردها، ضمن تأیید، باید بگویم این ارتباط از طریق کردهای یهودی ایرانی و عراقی که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند و از طریق عبور غیرقانونی از مرزهای کردستان عراق به ایران اتفاق می‌افتد.

دکتر ابو محمد عسگرخانی [استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران] بسیار بدبینانه موضوع خاورمیانه جدید را جدی تحلیل می‌کردند و به وجود آمدن کشورهای جدید را قطعی می‌دانستند. نظر شما چیست؟ در ضمن، در موضوع مسائل به وجود آمده اخیر در تونس و مصر و لیبی نمی‌دانم چرا هیچ کس به طور بایسته به وجود آمدن سودان جنوبی اشاره نمی‌کند که پروژه‌ای صد در صد اسرائیلی بود و در گام بعدی شورش قبطنی‌ها. آیا نوبت خاورمیانه برای بالکانیزه شدن است؟

در میان احزاب کرد، شاخه مصطفی هجری [+] بدون هیچ شرم و لاپوشانی نه دیگر از خودمختاری و نه فدرالیسم سخن می‌گوید؛ آن‌ها بی‌پرده از سودان جنوبی و یکسان‌نگری بین ایران و لیبی و نیز اشغال کردستان توسط ایران و عثمانی سخن می‌رانند. در صورت تحقق این امر موضوع کشمکش بین پان‌ترک‌ها و پان کردها چه می‌شود؟

[...] دغدغه شخص من و بسیاری از ایرانیان دیگر حفظ تمامیت ارضی ایران است. در این راستا تقریباً هر پیام و نظری را می‌خوانم و پیگیر هستم. حتی از نرمش‌های بالاترین شخص جریان پهلویست‌ها [...] در برابر درخواست‌های احزاب قومی، به ویژه منطقه کردستان، تا مذاکرات‌شان با صاحبان میزهای ایران در سرویس‌های اطلاعاتی در اسکندیناوی اطلاع دارم. گفتمان آن‌ها نه تنها نرم‌تر نشده که روز به روز بر غلظت درخواست‌های‌شان افزوده می‌شود و گویا از لابی‌های‌شان در راهروهای کنگره در آمریکا وعده‌های رنگینی به آن‌ها داده شده. [...] کلاً فضا و تماس‌ها و رفت و آمد در منطقه کردی نزدیک به تابستان ۵۷ و ایام منتهی به انقلاب شده است: باز شدن پای فراریان و ساکنان در اروپا و کردستان عراق و ارتباط‌گیری رأس با بدنه.

به گمان من، خلع سلاح آقایان [از طریق] پرسش از آرمان مورد ادعای آن‌ها مبنی بر ایجاد ملت - دولت کرد می‌باشد؛ بیان این که قریب به اتفاق کردهای جنوبی ایران (کرمانشاه، ایلام، سنجایی‌ها، کلهرها و...) خواهان زیست در بوم ایرانی هستند پس این آرمانی نه ملی که محدود به بخشی از کردهاست. [اقدام] دیگر [برای خنثی کردن توطئه قومی در کردستان] سعی در نزدیکی ایران [است] با کردهای جنوبی در عراق و آن بخش از لرها که در عراق در زمره کردها طبقه‌بندی می‌شوند. [...]

ادعای دولت کردستان با چاپ نقشه‌های رنگارنگ نیز در خور تأمل می‌باشد. ادعای رامهرمز، بهبهان، کازرون و از سوی تأسیس حزب دمکرات کردستان لبنان یعنی شکست بن‌بست سرزمینی و راهیابی به خلیج فارس و دریای مدیترانه و دریای سیاه.

باز در این خصوص پرسشی بی‌جواب مطرح کردم که ناظر به سخنانی سلسله‌وار از میزگردی در رادیو گفت‌وگو بین ابومحمد عسگرخانی با محمد عطریانفر در سالیان پیش و نیز سخنرانی او برای دانشجویان دانشگاه امام صادق بود. تحلیل استاد شهبازی از این تئوری چیست؟ چقدر عملی است؟ چون ایشان، آقای عسگرخانی، بخشی از این جغرافیای سیاسی جدید را تحقق یافته و شدنی تلقی می‌کنند که دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. حتی از اندیشه‌های استاد عزت عزتی به عنوان مدرس دانشگاه‌های نظامی کشور در این زمینه در ذهن داشتم.

در آخر، گمان آن است که آقایان در صدد احداث لی‌لی‌پوتی هستند که گالیورش دولت یهودی باشد و نهایتاً ایجاد مدلی کنفدراسیونی در خاورمیانه. برخلاف ملت‌های دیگر، دولت و احزاب کردی گاه با ابتهاج و افتخار از سرمایه‌گذاری و حمایت دولت اسرائیل از ایده تشکیل کشور کردستان یاد می‌کنند و آن را برگ برنده خود برای تحقق رؤیا و آرزوی خود در بحث‌ها عنوان می‌کنند.

شهبازی: وضع کنونی منطقه را شبیه به سال‌های اولیه پس از پایان جنگ جهانی اول می‌دانم که جغرافیای سیاسی امروزین خاورمیانه بر ویرانه دولت عثمانی ترسیم شد. به گمان من، در طرح جدید، ایران بزرگ، به دلیل مخاطرات آن، جایگاهی ندارد و کانون‌های قدرت جهانی دوست دارند ایران را به چند دولت کوچک و قابل کنترل تقسیم کنند و حوزه نفت و گاز، یعنی خوزستان و عسلویه، را جدا کنند، و نیز کردستان را. این طرح شامل ترکیه و عراق نیز می‌شود و با توجه به تحرکات مرموز و شورش اخیر قبطیان احتمالاً شامل مصر نیز شود.

این تحلیل بنده قدیمی است و از سال‌ها پیش در این زمینه نظراتم را گفته و هشدار داده‌ام. معهذاً، مجدداً برای توضیح دیدگاهم در این زمینه چند نقل قول از بحث‌های پیشین را تکرار می‌کنم:

در بحث آزاد «درخواست اسرائیل: ضربه مشترک جهان متمدن به ایران»، که از ۱۳ خرداد ۱۳۹۰ شروع شد، چنین گفتم:

«بنیان نظری تحلیل من این است که هدف به آشوب کشاندن منطقه است و جنگ ایران و اسرائیل بخشی از این پروژه است تا ایران را تجزیه کنند. به نقشه ایران جدید معروف به طرح برنارد لوئیس توجه کنید که در این آدرس است. این نقشه را امروز آقای علیانی نشانم دادند. دقیقاً منطبق است با همان طرحی که قبلاً مطرح کرده بودم یعنی منطقه جنوبی ایران را که منبع انرژی نفت و گاز است از بقیه نقاط ایران منتزع کردن و به یک دولت کوچک تبدیل کردن. حتماً دوستان

برنارد لوئیس را می‌شناسند: متفکر یهودی متنفذی است و از نظریه پردازان اصلی نئونکان‌ها. تألیفاتش درباره تاریخ عثمانی و ترکیه به فارسی ترجمه شده.» [4]

از بحث آزاد «به کجا می‌رویم؟» که از ۱۶ خرداد ۱۳۹۰ آغاز شد:

«الان اوضاع بکلی متفاوت است. الان طرح ایجاد خاورمیانه جدید در دستور کار عملی کانون‌های قدرت جهانی است؛ یعنی همان‌ها که به عنوان قوی‌ترین لابی سیاسی سمت و سوی قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا و انگلیس و فرانسه و غیره را تعیین می‌کنند و در روسیه نیز نفوذ جدی دارند. روسیه امروز روسیه قبل نیست و نفوذ زرسالاران یهودی وال استریت در آن در حد اعلا است. در فضای فعلی و با توجه به تحركات و برنامه‌های این کانون‌ها سقوط نظم سیاسی در ایران قطعاً منجر به هرج و مرج و جنگ داخلی و فروپاشی ایران خواهد شد و برنامه تجزیه ایران تحقق خواهد یافت. این حوادث را نیز در راستای تجزیه ایران می‌دانم نه برانداختن جمهوری اسلامی. مأموریت ایجاد ایران کوچک است که البته مهم مستقل کردن حوزه منابع نفت و گاز ایران است و سپردن آن به یک دولت کوچک در حاشیه شمالی خلیج فارس که در کنترل کامل باشد. و یقین دارم که قدرت کنترل کننده این دولت جدید رویال داچ شل خواهد بود. دلایلم مفصل است. شل سال‌هاست در ایران کار می‌کند.» [4]

در بحث آزاد «سالگرد یازده سپتامبر...» که از ۱۹ شهریور ۱۳۹۰ / ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۱ شروع شد، [4] جناب سامان فرهودی چنین فرمودند:

«سامان فرهودی: آقای شهبازی یکی از کسانی بودند که چند ماه پیش در گیرودار بحث بر سر پیش‌گویی جنجالی جفری گلدبرگ و جریان موسوم به انحرافی از سناریوهای جدید برای تجزیه ایران صحبت می‌کردند. شاید در آن زمان شواهد کافی برای احتمال رخداد این سناریو در دست نبود ولی در چند هفته گذشته تحولاتی رخ داد که با کنار هم قرار دادن آن‌ها به مانند قطعات یک پازل می‌توان به نتیجه‌گیری‌های دقیق‌تری رسید.

نخست، پایان موفقیت‌آمیز عملیات ناتو در لیبی که با توسل به R2P و مجوز شورای امنیت و البته با جلو انداختن کشورهایی چون بریتانیا و فرانسه شروع شد و آمریکا در پشت صحنه مشغول نقش آفرینی بود.

دوم، نقش مهمی که ترکیه در سازماندهی و مسلح کردن مخالفان اسد در سوریه بر عهده دارد.

سوم، تمایلات قومیت‌گرایانه‌ای که در هفته‌های اخیر در آذربایجان تشدید شده است. این تمایلات که [...] حکومت ایران ارزیابی دقیقی از آن ندارد از چند سال پیش و با صعود تیم تراجکتورسازی به لیگ برتر پیش از پیش در معرض دید سایر ایرانیان قرار گرفت ولی هنوز هم توجه تهران را به خود جلب نکرده است. از آنجا که آقای شهبازی خود به در دستور کار بودن سناریوی تجزیه ایران معتقدند، شواهد جدید برای در دستور کار بودن این سناریو می‌تواند موضوع مهمی برای ادامه بحث باشد.»

ادامه ماجرای وریتی - موساد در انگلیس و جنجال ترور در آمریکا

جناب مهدی ایرانی، اصلاً و ابدا ادعای روزنامه ایندپندنت دیروز را، که توطئه آدم وریتی و نئونکان‌ها و موساد برای برانداختن «رئیس‌جمهور احمدی‌نژاد» بوده، تصادفی و اشتباه لپی نمی‌دانم. دقت کنید در جمله. تعبیری که به کار رفته دقیقاً این است: «توطئه برای سرنگون کردن احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران».

... plot to topple Iranian President Mahmoud Ahmadinejad.

نفهمیدن فرق «رژیم ایران» یا «جمهوری اسلامی» با «پرزیدنت احمدی‌نژاد» در فضای کنونی آن هم در روزنامه‌هایی چون ایندپندنت و تلگراف دقیق و حساب شده است.

بازتاب باصطلاح افشاگری دیروز ایندپندنت درباره توطئه آقای وریتی و موساد و نئونکان‌ها برای سرنگونی احمدی‌نژاد.

[4]

درباره روابط عمیق ام. آی. ۶ و زرسالاران یهودی در رساله «سیمای خانوادگی و زندگی‌نامه جرج کندی یانگ، طراح و فرمانده کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» بطور مشروح سخن گفته‌ام. [4]

اف. ب. آی. یا ام. آی. ۵، سازمان‌های امنیت داخلی آمریکا و بریتانیا، ممکن است گاه به اقداماتی علیه موساد دست بزنند ولی این کار از سوی سیا بعید و از سوی ام. آی. ۶ تقریباً محال است. در سازمان‌های امنیت داخلی آمریکا و بریتانیا

رگه‌های گاه جدی منافع ملی وجود دارد. برای مثال، در اواخر سال ۱۹۷۰ اف. بی. آی. ریچارد پرل را به جاسوسی برای دولت اسرائیل متهم کرد. پرل در آن زمان دستیار سناتور جکسون بود. بعدها در دولت بوش، پرل از مقامات عالی پنتاگون شد.

در دولت بوش، پل ولفوویتز، معاون وزارت دفاع، ریچارد پرل، رئیس دفتر سیاست‌گذاری دفاعی پنتاگون، داگلاس فیس، معاون سیاست‌گذاری وزارت دفاع، و الیوت أبرامز از سران نئوکان‌ها بودند. بعضی از این افراد در ماجرای ایران- کنترا نقش داشتند و سپس متولی سیاست‌گذاری دولت بوش در منطقه خاورمیانه شدند. و برخی‌شان از طریق انعقاد قراردادهای کلان نظامی ایالات متحده با اسرائیل و ترکیه ثروت شخصی انبوه اندوختند.

یا پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ اف بی آی تعدادی از اتباع اسرائیل را دستگیر کرد. ماجرا بدون جنجال رسانه‌ای مدتی مسکوت ماند و سپس با فشار لابی اسرائیل آزادشان کردند. ولی در مورد ام. آی. سیکس چنین احتمالی تقریباً غیرممکن است مگر این که نقشه پیچیده‌ای در کار باشد.

شقایق موسوی: آنتی سمیتیک یعنی چی؟

نوروز حسینی: جالب است که در داخل هنوز هیچ واکنشی نسبت به [ادعای] توطئه برای سرنگونی احمدی‌نژاد در مطبوعات و رسانه‌ها دیده نمی‌شود.

شهبازی: "آنتی سمیت" در لغت یعنی ضد سامی که شامل یهودیان و اعراب هر دو می‌شود. ولی این واژه، که از دهه ۱۸۸۰ وارد زبان انگلیسی شد، به معنی "ضد سامی" به کار نمی‌رود و بطور خاص به معنی "ضد یهودی" است. دیکشنری بیست جلدی آکسفورد "آنتی سمیتیزم" را این گونه تعریف کرده است:

Theory, action, or practice directed against the Jews.

جناب نوروز حسینی، اگر طرحی داشتند برای منعکس کردن تبلیغاتی "افشاگری" ایندپندنت، با بحث دیروز این صفحه احتمالاً ترجیح می‌دهند سکوت کنند.

بابک بهپورنیا: حمایت آمریکا و انگلیس از احمدی‌نژاد. دو روزنامه انگلیسی به یاری احمدی‌نژاد شتافتند! [...]
آرش کمانگیر: توطئه گران جهانی، از جنبش وال استریت تا پول واحد جهانی! [+]

ساعت ۴:۵۶ بعدازظهر دوشنبه، ۲۵ مهر ۱۳۹۰ / ۱۷ اکتبر ۲۰۱۱

شهبازی: امروز، ۱۷ اکتبر، گزارش جنجالی دیروز روزنامه ایندپندنت، چاپ لندن، بکلی فراموش شده و دیگر نامی از موساد و ایران و توطئه برای براندازی دولت احمدی‌نژاد و این مسائل نیست. گزارش گاردین امروز نشان می‌دهد که علت استعفای لیام فاکس کلاهبرداری و شیادی‌های مالی و ریتی بوده و واحد جرایم اقتصادی پلیس لندن در این زمینه در حال تحقیق است. [+ معلوم نیست، گزارش دیروز ایندپندنت و تلگراف با چه هدفی منتشر شد؟

احسان کیسان: این انگلیسی‌ها عجب موجوداتی هستند. با کمال وقاحت با مهره‌های سوخته هم بازی می‌کنند و تا آخر به دنبال امتیاز گرفتن هستند.

شهبازی: وزیر دفاع جدید، فیلیپ حموند ۵۶ ساله، نیز مانند لیام فاکس از حزب محافظه‌کار است در دولت حزب کارگر آقای گوردون براون. حموند در همین دولت وزیر حمل و نقل بود. او متخصص رسانه‌ها و جنگ است و دارای تألیفاتی در این زمینه مانند "رسانه، جنگ و پست مدرنیته." [+ در این آدرس، بنقل از کتاب حموند از «مداخلات بشردوستانه» دهه ۱۹۹۰ و دوران «جنگ با ترور» سخن گفته شده. کتاب دیگر حموند «رسانه و بحران کوزوو» است. [+]

علی خداپناهی: دبیرکل سازمان ملل پرونده «توطئه ایران» را به شورای امنیت فرستاد. «بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل متحد، روز دوشنبه اعلام کرد که پرونده "توطئه" جمهوری اسلامی ایران برای ترور سفیر عربستان در آمریکا را به شورای امنیت فرستاده است.» [+]

شهبازی: در ماجرای جنجالی لیام فاکس و آدام ورتی دو مسئله باید جداگانه بررسی شوند:

مسئله اول خود ماجرای استعفای فاکس است. ارتباط فاکس با وریتی دوستی بسیار نزدیک و دیرین است تا حدی که شایعات جدی بر سر زبان‌ها افتاد که رابطه این دو نفر از نوع "جنسی" است هر چند فاکس تکذیب کرد و تأکید نمود که «گی» نیست.

ظاهراً، وریتی از رابطه نزدیک خود با فاکس، وزیر دفاع، سوءاستفاده کرده و در کشورهای مختلف به کلاهبرداری مالی پرداخته است. مقامات دولت‌های مختلف و سرمایه‌داران نیز گمان می‌بردند وی مقام رسمی است در حالی که فاقد هر گونه سمت رسمی در وزارت دفاع بریتانیا بوده.

به احتمال زیاد، سفرهای مکرر وریتی به تهران نیز با هدف اخاذی و کلاهبرداری مالی بوده. این سفرها سبب شده که ام. آی. ۶ به او مشکوک شود و وی را مورد بازجویی قرار دهد. حال، چه مقدار پول از طریق مقامات تهران به جیب این آقای وریتی رفته خدا داند.

به این دلیل، فاکس استعفا داد و گناه خود را اعتماد به وریتی، آمیختن مرزهای روابط شخصی و کاری و گفتن اطلاعات طبقه‌بندی شده به وریتی عنوان کرد.

مسئله دوم، افشاگری دیروز، ۱۶ اکتبر، روزنامه‌های ایندپندنت و تلگراف، چاپ لندن، است با ادعاهای مشکوک دال بر این که علت استعفای فاکس تبانی وریتی با موساد و نئوکان‌ها برای ساقط کردن دولت احمدی‌نژاد بوده. باید دید این باصطلاح افشاگری چرا و با چه انگیزه‌ای صورت گرفته است.

آرش آرامش: [ارجاع به گزارش خبرگزاری مهر]:

«کشف اطلاعات جدید در خصوص متهم ردیف دوم توطئه ترور سفیر عربستان. بر اساس اخبار بدست آمده از منابع موثق، پلیس بین‌الملل (اینترپل) اطلاعات جدیدی در مورد فردی به دست آورده که از او به عنوان متهم ردیف دوم در طرح ادعایی ترور سفیر عربستان یاد شده است. به گزارش خبرنگار مهر، این فرد با نام‌های علی/ غلام و غلامحسین شکوری از اعضای اصلی سازمان مجاهدین خلق MEK-MKO (منافقین) است که طی سالهای متمادی با استفاده از گذرنامه‌های ایرانی و سایر اسناد هویت جعلی بین کشورهای مختلف تردد نموده است...» [+]

احسان ایرانی: جناب آرامش، این خبر را من الان می‌شنوم اما ظاهراً قضیه خیلی بیخ پیدا کرده. حتی در شبکه‌های اجتماعی ایرانی اشخاصی که تا پریروز با شدت نسبت به درستی ادعای آمریکا واکنش نشان می‌دادند و آن را دروغ می‌گفتند به مرور ساکت شده‌اند و ادعای قبلی را تکرار نمی‌کنند. ظاهراً فقط چین و روسیه در حال اما و اگر آوردن در شورای امنیت هستند که آن هم برای گرفتن امتیاز از طرف آمریکایی است. ظاهراً مسئله نفت و بانک مرکزی (تحریم) قطعی شده و البته فعلاً اشاره مستقیمی به حمله نظامی نمی‌شود. [...]

شانی ایرانی: پیش‌بینی رئیس کمیسیون اطلاعات سنای آمریکا درباره آینده روابط ایران و آمریکا. «رئیس کمیسیون اطلاعات سنای آمریکا در اظهارنظر در مورد متهم شدن ایران به توطئه برای ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن گفت بر اساس آن دسته از عناصر و اجزاء تحقیق مقامات ذیربط که او به آن دسترسی داشته است، این اتهام غیرقابل انکار است... او در پاسخ به این پرسش که آیا این کشور باید علیه سپاه قدس وارد عمل شود یا نه گفت چنین اقدامی به جنگ با ایران منجر خواهد شد و پرسش مهم این است که آیا آمریکا در این مقطع زمانی خواهان جنگی با ایران است؟ دیان فینستاین گفت پاسخ شخص او به این پرسش منفی است. سناتور دمکرات آمریکایی در توجیه مخالفت خود با به راه افتادن جنگی علیه ایران یادآور شد که آمریکا هم اکنون در دو جنگ در عراق و افغانستان درگیر است و با پاکستان نیز روابطی دارد که روز به روز وخیم‌تر و بحرانی‌تر می‌شود.» خانم دیان فینستاین از «سناتورهای پرنفوذ آمریکایی» است. [+]

سه‌شنبه، ۲۶ مهر ۱۳۹۰ / ۱۸ اکتبر ۲۰۱۱، ساعت ۶:۵۱ صبح

شهبازی: چند مطلب جدید درباره ماجرای رسوایی آدام وریتی و لیام فاکس وزیر مستعفی دفاع بریتانیا:

به گزارش گاردین، پس از سفرهای وریتی به اسرائیل و ایران، ام. آی. ۶ (سرویس اطلاعاتی بریتانیا یا همان اینتلیجنس سرویس) او را تخلیه اطلاعاتی کرده زیرا مشتاق بوده بداند وریتی چه اطلاعاتی به دست آورده است. یک فعال ایرانی مخالف حکومت ایران به گاردین گفته که جمعاً پنج بار با وریتی ملاقات کرده و در این دیدارها وریتی بیش‌تر

شنونده بوده. در مه ۲۰۰۹ ورتی ترتیب ملاقات لیام فاکس، وزیر دفاع، را با یک واسطه ایرانی داده است که روابط نزدیکی با دولت احمدی‌نژاد دارد. [+]

تلگراف مجدداً بنقل از ایندپندنت از ملاقات‌های ورتی با مقامات بلندپایه اسرائیل سخن گفته. تیترا مقاله این است: «آدام ورتی به‌مراه اسرائیل برای ساقط کردن پرزیدنت احمدی‌نژاد توطئه کرد.» [+]

آریه او سولیوان مقاله‌ای نوشته با عنوان "پای موساد اسرائیل به جدیدترین رسوایی سیاسی بریتانیا کشیده شد." اوسولیوان می‌نویسد: این حادثه در فضای تشدید گرایش‌های ضد یهودی و رشد احساسات ضد اسرائیلی در بریتانیا رخ می‌دهد و می‌تواند بر احساسات ضد جامعه یهودی بریتانیا اثر گذارد. ولی جف باراک، سردبیر سابق جوئیش کرونیکل، به اوسولیوان می‌گوید که مسئله را اینگونه نمی‌بینید. بگفته باراک، لیام فاکس به دوستش اجازه داده خود را بعنوان مشاور وی نشان دهد. مسئله این است که مخارج و پول سفرهای ورتی را گروهی تأمین می‌کردند که بعضی‌شان هوادار اسرائیل بودند. این امر سبب نمی‌شود که اسرائیل یا جامعه یهودی بریتانیا زیر ذره‌بین قرار بگیرند. ولی اگر چیزی کشف شود که نشان دهد موساد در حال تخریب وزارت دفاع بریتانیا بوده مسئله دیگری است. [+]

این هم مقاله ای از یک محفل ایرانی مقیم آمریکا علیه رابرت بائر، [+ مأمور بازنشسته سیا، و فلینت و هیلاری لورت [+ که چرا گفته‌اند توطئه ترور سفیر عربستان کار ایران نیست: «با رابرت بائر مأمور سابق سیا و انکارکننده نقش رژیم در توطئه تروریستی آشنا شویم.» [+ نویسنده مقاله حسن داعی است و محفل فوق «کمیته آمریکایی- ایرانیان پیشرو» (پائیک) نام دارد.

PAIC - Progressive American-Iranian Committee

این "کمیته آمریکایی- ایرانیان پیشرو" چیست؟ دنبال چه هستند؟ حمله نظامی به ایران؟ مطالب جدید و نسبتاً مهم سایت "دولت ما" که ارگان غیررسمی دولت احمدی‌نژاد به شمار می‌رود: بازخوانی یک سناریوی آمریکایی- انگلیسی/ وقتی برای سقوط دولت ایران مهلت تعیین می‌کنند! [+ توجه شود به تیترا: «سقوط دولت ایران».

"دولت ما" نوشته:

«... اواخر سال گذشته یکی از عناصر دولت انگلیس در دیدار با یکی از چهره‌های سرشناس داخلی با لحنی تهدیدآمیز به وی می‌گوید "برای سقوط دولت احمدی‌نژاد هشت ماه پیش تر فرصت ندارید!" این لحن و سخن تهدیدآمیز با واکنش آن چهره سرشناس مواجه می‌شود...

«براساس اخبار منتشره در برخی رسانه‌ها، اخیراً یکی از عوامل وابسته به دولت انگلیس به نام "و"، که روابط بسیار نزدیکی نیز با وزیر دفاع سابق بریتانیا دارد، جلسات متعددی با برخی چهره‌های سیاسی مخالف دولت در داخل کشور داشته که از محتوای مذاکرات گزارشی در دست نیست.»

منظور همان آدام ورتی است. تازه سایت "دولت ما" شروع کرده به بهره‌برداری از مطلب یکشنبه ایندپندنت. یعنی پیش‌بینی درست درآمد.

بند آخر مطلب سایت "دولت ما" از برنامه‌هایی برای «آشوب» و «خرابکاری» در مراسم حج خبر می‌دهد:

«اخبار دریافتی حاکی است برخی منافقین و عوامل صهیونیسم، در کنار سرویس‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس، برنامه‌هایی برای به آشوب کشیدن حج امسال دارند و عملیات خرابکارانه محتمل است که با هوشیاری حجاج و همکاری نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کشورهای جهان اسلام، بویژه ایران و عربستان، قابل پیش‌گیری است.»

این هم از یک لابی دیگر از ایرانیان آمریکایی- کانادایی که خواستار فعال شدن رسانه‌های ایرانی در حمایت از حمله نظامی به ایران هستند. از سایت "خودنویس" است در همان مایه‌های سایت لابی جدید «پائیک». فردی بنام ف. م. سخن نوشته:

«بعد از انتشار خبر طرح ترور سفیر عربستان، مطالبی چند پیرامون این خبر در رسانه‌های اینترنتی فارسی‌زبان منتشر شد اما تعداد این مطالب نسبت به اهمیت خبر ناچیز بود. به عبارتی بر خلاف آنچه تصور می‌رفت، سایت‌های خبری فارسی‌زبان به اندازه رسانه‌های خارجی به این مسئله مهم نپرداختند. به نظر می‌رسد اهل رسانه موضوع این ترور را چندان جدی نگرفته‌اند یا اخبار منتشر شده در این زمینه را برای قطعی دانستن موضوع کافی ندانسته‌اند. نکته جالب توجه این‌جاست کسانی که این طرح را ساختگی یا بر اساس برنامه‌ریزی‌های

درازمدت آمریکا و متحدانش در منطقه می‌دانند، به طور صریح در این زمینه اظهار نظر نمی‌کنند.» [۱]

احسان ایرانی: اگر گفته می‌شود وریتی دنبال سقوط دولت بوده نه رژیم ایران، آیا می‌توان نتیجه گرفت که با اپوزیسیون که عنوان می‌شود جلسه برگزار شده به دفعات برای سقوط دولت، آن اپوزیسیون، اپوزیسیون دولت هست و نه نظام سیاسی ایران. اگر این نتیجه را بتوان گرفت، عجب در حال پاپوش دوختن هستند برای اصول‌گرایانی که مخالف احمدی‌نژاد هستند. [...]

شهبازی: جناب احسان ایرانی، ظاهراً آدام وریتی هم... و هم اهل گوش‌بری بوده و برای همین به ایران مرتب سفر می‌کرده چون در ایران به او خوش می‌گذشته. در ایران با که دیدار می‌کرده؟ از کدام کیسه به او پرداخت می‌شده؟ چرا ناگهان ایندپندنت و تلگراف پریدند وسط معرکه و ادعا کردند وریتی در حال توطئه برای ساقط کردن دولت احمدی‌نژاد بوده با کمک موساد و نئوکان‌ها؟ یعنی ام. آی. ۶ خیلی طرفدار ایران است و از این کار وریتی ناراحت شده؟ حتی در مطلب بعدی تلگراف هم تیتیر همین است: «توطئه ساقط کردن دولت احمدی‌نژاد.»

اینطور که مسئله را مطرح می‌کنند فردا همه مخالفان دولت احمدی‌نژاد متهم می‌شوند به همدستی با وریتی علیه مشایی و بقایی. اصلاً همه این فتنه‌ها علیه مشایی و بقایی کار وریتی و موساد بوده. خوب، اگر مسئله این است چرا پرونده وریتی دست واحد جرایم اقتصادی پلیس لندن است؟ لینک گاردین را قبلاً ذکر کردم. پیدا کردن "دوستان" و "همجنس‌های" آقای وریتی در تهران کار سختی نیست. معلوم است با چه کسانی حشر و نشر داشته.

نکته مهم دیگر در رابطه با منصور ارباب سیر، مسئله‌ای است که خوان کول به آن توجه کرده. [۲] گزارشی از مقاله خوان کول در سایت رادیو فردا منتشر شده که قبلاً لینک دادیم. [۳] خوان کول نوشته: «احتمال نزدیک به یقین را می‌توان در گزارش خبرگزاری بلومبرگ در روزنامه سانفرانسیسکو کرونیکل یافت. بنا به این گزارش و به نقل از یک مأمور فدرال، ارباب سیر به خبرچین [سازمان مبارزه با مواد مخدر آمریکا: دی. آی. ا.] گفته است که آمر طرح ترور سفیر سعودی در کار قاچاق مواد مخدر دست دارد و می‌تواند خروارها مواد مخدر مورد نیاز را تأمین کند.» یعنی، این غلام شکوری به مافیای مواد مخدر ایران وصل بوده.

احسان ایرانی: اگر وریتی تمام مشخصات خود را (... و گوش بریدن) به تهران می‌آورد، قضیه خیلی پیچیده می‌شود! انصافاً شخص خوبی بوده برای بدنام کردن یک جریان سیاسی. باید منتظر "درز خبر" باشیم از سوی سایت "دولت ما" که مرتب اسم بیاورد که آقای... و آقای... به اطاق وریتی در تهران می‌رفته‌اند برای چای خوردن!

شهبازی: این دو مشخصه ماجرای آدام وریتی و ارباب سیر یعنی... بودن وریتی و مرتبط بودن منصور ارباب سیر با فردی که با کارتل مواد مخدر ایران پیوند داشته، مرا به یاد یک شبکه آشنا می‌اندازد که قبلاً درباره‌اش مطالب جنجالی نوشته‌ام. فکر می‌کنم باز با همان شبکه عجیب و غریب سر و کار داریم.

منصور ارباب سیر در ایران قوم و خویش دارد که ظاهر بعضی‌شان خیلی حزب‌اللهی است. در تکراس به بن‌بست رسیده. از زن دومش هم جدا شده. آدم سرخورده‌ای است و می‌خواهد زندگی‌اش را به ایران منتقل کند. برای انتقال زندگی به ایران، به ایران سفر می‌کند و این سفر چند بار تکرار می‌شود. فکر می‌کنم در این سفرهای ایران در یک دام بزرگ گرفتار شده؛ یعنی در دام شبکه‌ای که طراحی و اجرای سناریوی حمله آمریکا به ایران را دنبال می‌کردند.

بابک بهپورنیا: اتهام تازه عربستان به ایران: «تهران در ترور سفیر ما در قاهره دست داشته است.» بنوشته سایت «دیپلماسی ایرانی» بنقل از پایگاه خبری ایلاف، که وابسته به لیبرال‌های مخالف حکومت عربستان است و از لندن اداره می‌شود، احمد قطان، سفیر عربستان در قاهره، از حادثه‌ای تروریستی که بنا بوده توسط یک سم مهلک صورت بگیرد، جان سالم به در برده است. به ادعای دیپلمات‌های وزارت امور خارجه عربستان، ایران در انجام این ترور دست داشته است. [۴]

نظام فریدونی: به نظر می‌رسد برنامه بگونه‌ای چیده شده که حلقه بر ایران تنگ‌تر شود و جالب است همه موارد به شورای امنیت ختم می‌شود. موضوع ترور سفیر عربستان، گزارش احمد شهید در رابطه با حقوق بشر. در نهایت موضوع بمب اتمی و اورانیوم غنی شده نیز پرونده جدیدی در شورای امنیت باز خواهد کرد. آیا این‌ها نشانه جلب نظر

قدرت‌های بزرگ جهان برای یک جنگ نیست؟ اگر صرفاً هدف فشار دائمی بر ایران بود، این پرونده‌ها با فاصله به شورای امنیت ارسال می‌شد تا همواره دستاویز جدیدی داشته باشند. آیا غرب به این نتیجه رسیده است که برای برونرفت از اوضاع بد سیاسی- اجتماعی و رکود اقتصادی موجود جنگی با هزینه عرب‌ها و بخصوص عربستان راه بیندازد که قربانی آن ملت ایران است؟

پایان نظرات: ساعت ۴ بعدازظهر سه شنبه، ۲۶ مهر ۱۳۹۰ / ۱۸ اکتبر ۲۰۱۱.